

## بحثی در پیرامون همسران پیامبر

یکی از موضوعاتی که از دیر زمان پیروان کلیسا آنرا دست-  
آویز قرار داده ، و بدانوسیله تبلیغات سوئی بر ضد اسلام و قائد  
عظیم الشان آن براه انداخته اند ، موضوع ازدواجهای پیغمبر  
گرامی اسلام است  
در مقاله زیر با کمال بی طرفی به تحقیق و بررسی این مطلب  
مهم پرداخته ، و آنرا از نظر علمی و تاریخی مورد تجزیه و تحلیل  
قرار میدهیم.

برای پی بردن به روحمیات يك فرد ، لازم است که زندگانی او را از جهات مختلف مورد  
مطالعه قرار دهیم و سپس بر اساس آن ، درباره ی قضاوت نماییم ، در غیر این صورت قضاوت ما  
عادلانه نخواهد بود ، و دور از منطق عقل و واقع بینی رفتار کرده ایم.  
قضاوت بدخواهان اسلام در باره ازدواجهای پیغمبر اکرم (ص) نیز از همین رهگذر  
می باشد .

زیرا آنها فقط بیک جنبه زندگی پیغمبر نگاه کرده اند ، و از توجه بسایر جهات آن و  
اوضاع و محیطی که حضرت در آن بسر می برده است ، دیده برهم نهاده ، و در نتیجه برخلاف  
واقع قضاوت نموده اند .

### نظری به سابقه تعدد ازواج

بطوریکه از مطالعه تاریخ جهان و کتب آسمانی بدست می آید ، تعدد زوجات مانند بردگی ،  
مقارن ظهور اسلام و پیش از آن در بیشتر نقاط عالم معمول بوده است ، در محیط عربستان کسانی  
بودند که بیش از بیست زن داشتند ، و نسبت با آنها نیز با کمال خشونت و بی رحمی رفتار می -  
کردند .

منظور آنها بیشتر تکثیر نسل و پیوند خویشاوندی با سایر قبائل و تأمین نیرو و نفرات بوده  
که هنگام خطر و نزاع قبیله ای و جنگهایی که میان آنها دائماً بوقوع می پیوست ، بتوانند از خود  
دفاع کنند ، و بردشمنان چیره گردند بعلاوه بواسطه همین جنگها و کشته کشها ، همیشه تعداد زنان  
بیش از مردان بوده ، از اینرو حفظ نوع و نظام اجتماع این معنی را ایجاب میکرد است .  
تعدد زوجات در بسیاری از ادیان پیش از اسلام نیز رایج بوده ، و توسعه دامنه داری  
داشته است .

چنانکه تاریخ عالم از زنان متعدد حضرت ابراهیم و یعقوب و داود و سلیمان و سایر انبیا خبر میدهد .

همچنین بنقل تاریخ قرنها در بین ملل اروپائی متداول بوده است. ازدواج بایبش از یک زن تا زمان « شارلمانی » پادشاه فرانسه که زنان متعدد داشته است میان اروپائیان ، آزاد بوده و از آن تاریخ به دستور اسقفهای مسیحی ، مردانی که بیش از یک زن داشتند مجبور شدند یکی را بنام همسر شرعی انتخاب کنند ، و بقیه را بعنوان « رفیقه » نگاهدارند و از اینجا بود که « تعدد زوجات » در میان مسیحیان رنگ دیگری بخود گرفت ، و با دیده نفرت بدان نظر کردند تا آنجا که رفته رفته ازدواج با بیش از یک زن میان اروپائیان ممنوع گردید و بصورت رفیقه بازی در آمده (۱)

### عامل ازدواجهای پیغمبر اسلام

پیغمبر اسلام ازدواج بایک زن را تثبیت فرمود و در صورت لزوم ، رعایت شرائط و مساوات کامل ، آنرا در چهار زن تعدیل کرد ، و بدینگونه روابط زن و مرد را بر اساس عالی - ترین عواطف انسانی استوار ساخت .

از آنجا که پیغمبر شخصاً بیش از هر کس مراعات عدالت و مساوات میان زنان خود را می نمود و به علل دیگری که ذیلا ذکر میشود ، خود از این حکم مستثنی بود ، و حق داشت پیش از چهار زن داشته باشد .

گرچه پیغمبر اکرم زنان متعدد گرفت ، و درباره تشویق مردوزن به ازدواج سخنان جالبی فرموده است ، ولی با کمی تأمل در روش زندگی آنحضرت و قوانینی که برای حفظ روابط اجتماع تدوین نموده ، کاملاً روشن میگردد که همه و همه بمنظور نگاهداری و اصلاح جامعه و جلوگیری افراد از خطرها و مفساد ، و بالا بردن مقام زن بوده ، که در آن محیط برای آنان هیچگونه ارزشی قائل نبودند .

یکی از سخنان جالب پیغمبر درباره زن اینست که می فرماید: من دو چیز را دوست دارم زن و بوی خوش . ولی چیزی که قلب مرا نرزمی بخشد نماز است ! از این بیان کاملاً پیداست این طرز فکر درباره زن از شخصی که سر نوشت اجتماعی را در دست داشته است ، چقدر بی نفع جامعه زنان و حفظ احترام آنها بوده است ، ولی از این سه چیز جالب آنچه با روح و جان او ارتباط دارد ، نماز و توجه به خداست !

گذشته از جهات یاد شده ، اصولاً ازدواجهای پیغمبر آنهم در وقتی که بیش از پنجاه سال داشته ، و در گرمای گرم اشاعه دین اسلام ، و کشمکش با قبائل سرکش عرب و یهود مکه و مدینه ، بیشتر جنبه سیاسی داشته ، و بمنظور جلب عواطف قبائل و پیوند خویشاوندی با آنها که سرسختانه جلو پیشرفت تعالیم اسلام را گرفته و کمر قتل پیغمبر را بسته بودند ، انجام گرفته است .

علت دیگر هم این بوده که زنان پیغمبر باستثنای (عایشه) همه بیوه و شوهران خود را از دست داده بودند ، و تنهایی و بی سرپرستی آنها موجب سرزنش و تمسخر کسان بت پرستان شده بود ، و آنها را که همه سوابق درخشانی در اسلام داشتند ، رنج می داد و به شخصیت دینی و موقعیت خانوادگی آنان لطمه وارد می ساخت .

چنانکه در سطور آینده می خوانید! غلب زنان پیغمبر با نوان مسن ، و بی پناهی بودند ، که در زندگی شکست خورده بودند ، پیغمبر که سرآمد اجتماع خود بود ، میخواست بواسطه ازدواج با آنها ، به پیروان خود نشان دهد که در ازدواج بیش از هر چیز ایمان و فداکاری و خصال روحی زن شرط است ، و زنان جوان و مسن ، دارا و ندار ، همه باید در حد خودشان مورد نظر باشند ، و بایب احترامی با آنها رفتار نشود !

باین علل و علت های دیگر که هم اکنون می خوانید ، جمعی دوازده زن به افتخار همسری پیغمبر اسلام درآمدند که جریان هر یک بطور اختصار از لحاظ خوانندگان محترم میگذرد (۱) **خدیجه** نخستین بانویی بود که به افتخار همسری پیغمبر اسلام (ص) درآمد ، حضرت خدیجه دختر خویلد با نومی قریش بود ، خدیجه ازد و شوهر سابق خود ، ثروت هنگفتی بدست آورده بود ، بسیاری از بازرگانان مکه مال التجاره او را در کشورهای هم جوار در معرض داد و ستد قرار می دادند ، یکی از آنها « محمد » جوان محبوب و بزرگ زاده بنی هاشم بود ، که همراه عمویش ابوطالب برای خدیجه تجارت میکرد .

خدیجه بواسطه صداقت و بزرگواری ، و اخلاق پسندیده ای که در راه و روش « محمد » دید محبت او را بدل گرفت ، و دانست که وی آینده درخشانی در پیش دارد با اینکه خدیجه خواستگاران زیاد داشت ، مع الوصف ازدواج با « محمد امین » نجیب ترین افراد مکه را بر همه ترجیح داد و در وقتی که چهل سال داشت با پیشنهاد خود به همسری « محمد بن عبد الله » جوان بیست و پنج ساله دودمان « عبدالمطلب » درآمد .

خدیجه در روزگار تنگدستی و ایام سختی پیغمبر ، و در رنج و گرفتاری آنحضرت یا و رو غمخوار او بود ، تمام ثروتش را با و بخشید و حضرت نیز از آن راه از بی نوایان مکه و تازه مسلمانهایی که همه چیز خود را از دست داده بودند ، دستگیری نمود . بعلاوه سه سال همراه آنحضرت و ابوطالب و سایر بنی هاشم در دره بیرون مکه ( شعب ابوطالب ) که از طرف کفار قریش محاصره اقتصادی شده بودند ، با کمال سختی بسر برد .

خوبست بقیه مطلب را از نوشته « اتمین دینیه » نویسنده دانشمند فرانسوی در کتاب « محمد رسول الله » بعنوان اعتراف یک نفر محقق غربی بخوانید .

(۱) مدارک ما در نگارش این قسمت تواریخ و منابع معتبر اسلامی مانند سیره ابن هشام ، طبقات محمد بن سعد ، اعلام الوری طبرسی ، کامل ابن اثیر ، الاصابه ابن حجر عسقلانی و غیره هاست .

و خدیجه نخستین زنی بود که اسلام آورد. خدیجه در دل محمد جاذبه نیر و مند و لطیفی پدید آورده بود بطوریکه در تمام حیات محمد محبت زن دیگری جای آنرا نگرفت. با اینکه محمد در بهار جوانی بسر میبرد و رسم آن زمان هم ایجاب می کرد ، و همه لوازم و شرائط برای ازدواج با زن جوانتری برایش فراهم بود ، ولی تا خدیجه زنده بود ، پیغمبر زن دیگری نگرفت بلکه بهند از خدیجه دائماً گرفته بود و بهر مناسبتی نام او را به زبان جاری می ساخت . تا جائیکه آن سال را بواسطه مرگ خدیجه و ابوطالب ، دو حامی محبوب پیغمبر ، و سال غم نامیدند .

عایشه که خود را با اصطلاح سوگلی پیغمبر میدانست ، از محبت زایدا الوصف آنحضرت نسبت به خدیجه ناراحت می شد و رشک می برد . وی میگوید : از هیچیکه زنان پیغمبر مانند خدیجه رشک نمی بردم با اینکه آشنائی با او نداشتم و مدت ها پیش از ازدواج من از دنیا رفته بود ، ولی چون پیغمبر همیشه از وی یاد میکرد حسد می بردم ، پیغمبر کاملاً مواظب بود هر وقت گوسفندی می کشت قسمت بزرگی از گوشت آنرا به زنان دوست خدیجه اهداء می کرد !

روزی عایشه به پیغمبر گفت : چنان از خدیجه یاد میکنی که گوئی غیر از خدیجه زنی در عالم یافت نمیشود ؟

پیغمبر در جواب شروع به ذکر فضائل و صفات برجسته خدیجه نمود تا آنجا که گفت : او در بهشت جایگاهی پر شکوه دارد .

و نیز عایشه می گوید : روزی «هاله» خواهر خدیجه نزد پیغمبر آمد ، پیغمبر از لجه و طرز سخن او ، سخن گفتن خدیجه را بیاد آورد ، و متأثر گردید ، من نتوانستم خودداری کنم ، و در حالی که از شدت ناراحتی بغض گلویم را می فشرده ، گفتم : یعنی چه ! چرا همیشه از پیرزن قریش که دندانهایش ریخته ، و گذشت زمان طراوت جوانی او را برده بود ، یاد می کنی ، مگر خداوند بهتر از او را به تو نداده است !؟

علی رغم عایشه و با همه زیبایی و هوشی که داشت ، و با اینکه سایر زنان پیغمبر نیز از حسن و جمال و هوش بی بهره نبودند ، مع الوصف پیغمبر همیشه خدیجه را بر آنها برتری می داد ، و او را یکی از چهار زن بزرگ جهان ، که سه نفر دیگر ، آسیه زن فرعون و هریم مادر عیسی ، و فاطمه دختر خدیجه است ، میدانست ؛ (۱)

سوده خدیجه بیست و پنج سال همسر پیغمبر بود در سال دهم هجرت به جهان باقی شتافت چنانکه پیغمبر بعد از مرگ وی دائماً غمگین و افسرده بود ، یکسال بدین منوال گذشت . نزدیکان حضرت درباره وی ، مضطرب شدند ، شدت اندوه و سنگینی بار این مصیبت او را از فکر ازدواج جدید باز داشته بود .

تا اینکه روزی ( خوله دختر حکیم ) نزد آنحضرت آمد و گفت یا رسول الله گمان میکنم بعد از خدیجه احتیاج به همسری داشته باشی ؟ حضرت فرمود : آری برای سرپرستی خانه به همسری احتیاج دارم ، خوله گفت : اجازه میدهی زنی را برای شما خواستگاری نمایم ؟ .

حضرت جواب مثبت دادند ، و خوله «سوده» دختر زمه را که بیش از پنجاه سال داشت و بانویی پارسا و باایمان بود ، برای حضرت خواستگاری کرد .

سوده نیز مانند خدیجه بیوه بود شوهر مسلمانش ، برای رهایی از خدمات مشرکان مکه در سال پنجم بعثت پیغمبر ، با مر آنحضرت به کشور حبشه مهاجرت کرد و همانجا نیز وفات یافت .

**عایشه** بعد از مرگ خدیجه ، چون ابو بکر ، پیغمبر (ص) را سخت اندوهناک دید ، پیشنهاد کرد حضرت ، «عایشه» دختر او را که هنوز بچدرشد نرسیده بود ، عقد کند و همینکه بزرگ شد و بچدرشد کامل رسید ازواج نماید ، پیغمبر پیشنهاد ابو بکر را پذیرفت ، و هشت ماه بعد از ورود به مدینه با عایشه ازدواج نمود ، و او تنها دختری بود که به همسری پیغمبر مفتخر گشت .

برخی از نویسندگان اهل تسنن ، محبت پیغمبر را نسبت به عایشه از حد ، با لغاهم گذرانده اند آنها در این خصوص به روایاتی استناد می جویند که اغلب از خود عایشه نقل شده و مضامین اکثر آنها فرسنگها از ساحت قدس پیغمبر فاصله دارد بهمین جهت نیز از نظر شیعه فاقد ارزش و اعتبار است . آنچه مسلم است ، پیغمبر گرامی اسلام که مظهر عواطف و مهر و وداد بود ، با همسر جوان خود به مقتضای سن و سال او رفتار می نمود ، و همین معنی نیز مطلب را بر عایشه و دیگران مشتبه کرده بود ! این قسمت از سخنان دکتر حسن ابراهیم حسن دانشمند و مورخ نامی اهل تسنن جالب است که می نویسد : بعضی از خاورشناسان که از حقیقت مقاصد اسلام بی خبرند ، گمان کرده اند پیغمبر بعد از خدیجه زنان بسیار گرفت ، و این کار را بر پیغمبر اسلام عیب گرفته اند ، بی خبر از آنکه از دوای پیغمبر بیشتر برای مقاصد سیاسی و دینی بود ، و بقصد اشباع تمایلات جنسی انجام نمی گرفت . پیغمبر بعد از خدیجه همه زنان خود را از سن پنجاه به بعد گرفت ، و مسلم است که در سن پنجاه آتش غریزه جنسی خاموشی می پذیرد ، و مقاصد دیگری جای تمایلات جوانی را میگیرد (۱)

**حفصه** حفصه دختر عمر بن خطاب ، قبل از آن خنیس بن حفصه سهمی بود . این خنیس برادر عبدالله بن حفصه بود که پیغمبر اکرم (ص) او را به دربار ایران نزد خسرو پرویز به سفارت فرستاد . خنیس نیز جزو مهاجران به حبشه بود . در بازگشت به مدینه در جنگ « بدر» و « احد» در رکاب پیغمبر شرکت کرد ، و بواسطه زخمهایی که در جنگ احد برداشت زندگی را وداع گفت . عمر از این که دخترش بی سرپرست مانده و مرگ شوهر موجب رنج و اندوه او شده است ، ناراحت بود ، به ابو بکر و عثمان و دوستان خود پیشنهاد کرد حفصه را به همسری بگیرند ، ولی آنها بواسطه تند خوئی حفصه حاضر به ازدواج با او نشدند . چون پیغمبر از این ماجرا اطلاع یافت شخصاً با حفصه که شوهر فداکارش در راه اسلام کشته شده بود ، ازدواج کرد ، و در ضمن خواست نظر پدرش « عمر» را مانند ابو بکر ، پدر عایشه بیشتر بخود جلب کند

**رمله** دختری بوسفیان سر کرده مشرکان مکه و دشمن سر سخت پیغمبر بود . رمله که بوی

## اصول فرهنگ اسلامی

( ۲ )

### ۳ - فرهنگ جامع الاطراف

گرچه بعد از بیان وسعت دائره فرهنگ اسلامی و بهم پیوستگی و وزانت آن، نیازی به ذکر این امتیاز که فرهنگ اسلامی جامع الاطراف است نبود، ولی چون یکی از دانشمندان غرب بر اثر درک ناصحیحی که از اسلام دارد، پیرامون فرهنگ اسلامی قضاوت ناروایی میکند، لازم دیدم کلام وی را نقل کرده و توضیح امتیاز سوم فرهنگ اسلامی را بجاوب از او خلاصه کنم.

این شخص که «ژوپ» نام دارد و از اساتید مشهور دانشگاه اکسفورد میباشد در کتاب خود «نظرات تازه درباره اسلام» چنین می نویسد: «طرز تفکر شرقی بطور عموم و تفکر اسلامی بطور خصوص همه جانبه نیست و با اهمال و عدم تناسبی که در این طرز تفکر مشاهده می - گردد قدرت برای ایجاد هماهنگی و تألیف و ترکیب ندارد».

ما، در پاسخ، تنها بآنچه که «مالک بن نبی» محقق معروف الجزائری در کتاب «واجهه العالم الاسلامی» آورده است اکتفا می کنیم، وی می نویسد «میراث فرهنگی بزرگ و ارزنده ای که تمدن اسلامی آنرا ایجاد کرد و برای بشریت بارمغان آورد، دارای شواهد و دلائل غیر قابل انکاری است که این فرهنگ در روزگار درخشان و طلایی مسلمین از طرز تفکر اسلامی بطور کامل برخوردار بوده و از همین جهت مبارزات و پیشرفتهای آن همیشه و در همه موارد باین نوع احساس قانونی همراه بوده است.

(باین معنا که تحول فرهنگی عظیمی که بوسیله مسلمین در جهان بوجود آمد و بشهادت تاریخ جمیع معارف بشر را زیر نظر گرفت از روی تصادف نبود بلکه همه این پیشرفتها و تحولات متکی به مواد اصیل و تأکیدات فراوان شرع مقدس بود که بطور کلی طرز تفکر اسلامی را ساخت و زیر بنای تحول فرهنگی قرار گرفت).

بنابر این چنین فرهنگی که در تمام قسمتها دارای مبنای قانونی است و از یکجا و یک طرفه فکر سرچشمه میگیرد، بطور طبیعی همه جوانب آن باید یکدیگر هماهنگ است و نمیتواند همه جانبه نبوده و قدرت بر ترکیب و تألیف نداشته باشد!

در آن هنگام که «قوانین روم» چیزی جز یک سلسله قوانین پراکنده غیر مربوط نبود، برای اولین مرتبه در تاریخ قانون گذاری، تشریح اسلامی بر اسلوی اساسی استوار گردید و قوانین آن بر مبنای یک نظام فلسفی دقیق قرار داشت...

تحقیقات ابو الوفاء (۱) دانشمند فلک شناس اسلامی در علم فلک و اکتشاف وی در موضوع تغییر حرکت ماه (حرکت غیر یکنواخت) و همچنین تحقیقات ابن خلدون در علم تاریخ (۲) و استنباطی که برای اولین بار در قوانین تاریخی و تفسیر آنها با عالیترین تلاشهای اجتماعی داشت از نمونه‌های بارز این مطلب میباشد.

(۱) اسماعیل ابوالوفاء بوزجانی یکی از ریاضی دانان و منجمین معروف و عالی مقام اسلام است که در سالهای ۹۴۰ تا ۹۹۸ میلادی میزیسته است و تألیفات زیادی دارد، ابوالوفاء معادله‌ای برای تعیین د مواقع قمر در هر زمان، کشف نمود و آنرا معادله سرعت نامید.

توضیح اینکه چنانکه میدانیم حرکت ماه بدور زمین، حرکت متشابه و یکنواخت نیست زیرا زمانی که در حدود نقطه اوج میرسد حرکتش بطیء و کند و هر چه پیاپی نزدیک می‌شود، حرکتش سریع میگردد. از اینرو معلوم میشود که حرکات ماه در زمانهای متساوی، غیر متساویند و این مطلب که در اصطلاح عربی «لامتساویة الثانیة» و در اصطلاح فارسی «حرکت یکک» نواخت، خوانده میشود؛ از ابتکارات و کشفیات این دانشمند میباشد.

(۲) عبدالرحمن بن محمد بن خلدون متولد سنه ۷۳۲ هجری از نظر اینکه در تاریخ نویسی مبتکر طریقه ایست که تا آن وقت هیچک از مورخین بزرگ بان طریقه و اسلوب مطالب تاریخی را مورد بحث قرار نداده بودند، به فیلسوف مورخین ملقب گردید.

### اعتراف جالب!

ان اربور - اسوشیند پرس دین آچسن وزیر خارجه پیشین آمریکا در نطقی در دانشگاه میشیگان گفت: وی معتقد است که نظریات کشورهای عرب تا حدی عادلانه است.

آچسن ۷۳ ساله که از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۳ در زمان ریاست جمهوری ترومن بعنوان وزیر خارجه آمریکا، انجام وظیفه میکرد گفت: وی هرگز معتقد نبود که سکونت دادن یهودیان در خاورمیانه، کار عادلانه ایست وی گفت: این عادلانه نیست که بدانجهت که یهودیان در ۴۰۲۵ سال پیش در فلسطین زندگی میکردند، اعراب را سه دهه از سال متوالیست در این سرزمین زندگی کرده‌اند، بیخانمان نمایند.

روزنامه‌های عصر تهران

## اشغالگرها؟!!

روانرا مضطرب و افسرده کرده  
گلستان جهان پشورده کرده  
ز نفرت سینهها سرشار گشته  
زغم ارواح انسان زار گشته  
که جسم و جان آنان می‌گدازد  
که سوهان بر روانها می‌نوازد  
تجاوز پیشه‌ها اشغالگرها  
دورویان، جانباں؛ کوتاه نظرها  
توان و تاب از تنها ربوده  
که دشمن نیز در آنجا گشوده  
ویا در آفتاب گرم و سوزان  
همه سرگشته در کوه و بیابان  
دگر از مسجد اقصی نیاید!  
از آن گلدسته‌ها، آنجا نیاید!  
که اهریمن مسلط گشته امروز  
چرا؟ چون دشمن حق گشته پیروز  
به روح پاکبازان و شهیدان  
فداکاران راه دین و ایمان  
چویک‌جان متحد هم عهد و پیمان  
ستانند آنچه دشمن برد زایشان  
بمانند مسلمان های آزاد  
که تنها می‌کشد در سینه فریاد

(شهریور ۴۶)

ستمکاری، جنایت، خود پرستی  
سموم سهمکین قتل و غارت  
فروغ زندگی گردیده خاموش  
بشرها مضطرب، محزون و افکار  
فغان مردم از نا بخردیها است  
از آن غارتگریها، حق کشیها  
زبدکاران مبادا درجهان نام  
دمادم نفرت و نفرین بر ایشان  
سقوط شهر قدس و دشت سینا  
به غمها ساحل اردن فریاد  
در آن شبهای سرد و وحشت افزا  
هزاران مرد وزن آواره گشته  
نوای دلپذیر صوت قرآن  
صدای نغمه الله اکبر  
در آنجا مرگ و وحشت حکم فرماست  
صدای مرگبار جنک آید  
درود جمله آزاد مردان  
شهیدان ره حق، راه میهن  
مسلمانان اگر کردند باهم  
بگیرند انتقام گشته‌ها را  
زحق (طوفان) دمامد خواستار است  
کند یاری از ایشان لیکن افسوس



## پیامبر از دریچه چشم دیگران

.... هر گاه وضع اعراب را قبل از ظهور در ملاحظه ص ، در نظر بگیریم و با اوضاع بعد از قیام او مقایسه کنیم ، بخوبی احساس میکنیم که اگر از تمجید و تکریم چنان مرد بزرگ و فوق العاده ای خودداری کنیم بی شرمی و بی انصافی است .  
و باز اگر ظهور او را تصادفی کور کورانه بدانیم مثل این است که درباره قدرت قاهر و نافذ خدای متعال شك کرده ایم .

### جان دیون پورت

پیشروی خارق العاده اسلام و مبارزه اساسی آن با مسیحیت در طول چند قرن سبب گردید که مسیحیان به تانهای بس بزرگ نسبت به پیغمبر بزرگوار اسلام روا دارند و افسانه های ناروا با آنحضرت نسبت دهند ..  
در قرن دوازدهم میلادی ، درست پنج قرن بعد از ظهور اسلام ، پیر لو و نرابل ، (۱) کتابی بر ضد اسلام نوشت (۲) و در این قرن افکار درباره اسلام آورنده آن چنان ناروا تغییر شد که اثر نامطلوبی در روحیه مردم گذاشت (۳)  
در قرون وسطی گستاخی با آنجا رسید که مؤسس اسلام را « کاردینالی ، دانستند که از دین اجداد خود « مسیحیت » دست کشیده و فرقه ای جدید بر سایر فرق مسیحی افزوده است ، در قرن پانزدهم میلادی شخصی بنام « ژان ، آندره ، مور » کتابی نوشت که الهام بخش تمام کتاب های ضد اسلامی گردید ، مؤلفین دیگر از او پیروی کردند و چون زبان عربی نمیدانستند و به منابع اسلامی دسترسی نداشتند ، فقط به استنساخ از کتاب اوقناعت کردند .  
در همین زمان « پی دوم » که از سال ۱۳۵۸ تا ۱۴۶۴ بعنوان پاپ رهبری جهان مسیحیت را بعهده داشت ضمن نامه ای (۴) که به سلطان محمد دوم خلیفه عثمانی نوشت از روی عمد یا اشتباه

(۱) Pierre, Le Venerable

(۲) مسئله وحی - نوشته مهندس بازرگان صفحه ۲۰

(۳) محمد پیامبر و سیاستمدار تألیف مونتگمری وات صفحه ۲۸۹

(۴) این نامه را « ریلند » محقق انگلیسی در کتاب « آئین پیروان محمد » جلد دوم

صفحه ۸۶ نقل کرده است .

چنین وانمود کرد که **خدای** مورد دعوت محمد جسمانی بوده و حال آنکه ما خدا را روحانی میدانیم (۱)

ولی این سخنان بی اساس و نسبتهای ناروا در نیمه دوم قرن هفدهم بصورت بسیار کم رنگی نشان داده شده است زیرا عده زیادی به تعصبات و غرض ورزیهای جامعه روحانیان مسیحی پی بردند و دیگر بنوشته های آنان اعتماد نکرده خود در پی فرا گرفتن زبان عربی برآمدند تا از راه متون اصلی بخصوص قرآن، حقیقت اسلام را دریابند.

گرچه هنوز زود بود که بتوانند به پیغمبری آنحضرت اعتراف کرده و علیرغم تعصبات مذهبی بحقیقت کردن نهند اما در این قرن تا اندازه ای دشنامها و یاوه گوئیها جای خود را به معنات و انصاف سپرد تا آنجا که دانشمندان از قبیل پریدو (۲) و مارا کسی (۳) چهره جدیدی از پیامبر اسلام تصویر نمودند و گسترش آئین او را به روش نوینی توجیه کردند **ما را کسی** صریحاً اعلام داشت : « من یقین دارم که اگر قرآن و انجیل را به یک فرد غیر متدین ارائه دهند ، او حتماً اولی را بر خواهد گزید ، زیرا کتاب محمد حقایقی را تعلیم میدهد که با اندازه کافی بر مبنای عقلی منطبق است » (۴).

و **تورنهور** یکی دیگر از دانشمندان آن عصر به شرح زندگی پیامبر اسلام میپردازد و با نغز فوق بشری آنحضرت بشکفت آمده چنین میگوید :

« محمد طبعی سلیم داشت و مردی خردمند بود من نمی خواهم او را بستایم ولی از سوی دیگر نمیتوانم او را ناپغهای فوق بشر تصور نمایم » (۵)

و همچنین « پرابل » در کتاب خود ( فرهنگ فلسفی و تاریخی ) پس از شرح روایات ضد اسلامی مسیحیان مینویسد : « من وقت خود را برای تکذیب داستانهای کودکانه تلف نمی کنم ولی بسیار هستن مردم دان دانشمند و بصیری که سرایندگان این افسانه ها را یاوه گویانی بیش نمی دانند » (۶)

و نیز « ریلند » در کتابی که بنام « آئین پیروان محمد ص » (۷) تألیف نمود ، مینویسد

(۱) اسلام از نظر ولتر - نگارش دکتر جواد حدیدی صفحه ۶.

(۲) Prideaux

(۳) Maracci

(۴) اسلام از نظر ولتر صفحه ۷

(۵) اسلام از نظر ولتر صفحه ۸

(۶) فرهنگ فلسفی و تاریخی جلد دوم صفحه ۱۰۲

(۷) این کتاب ابتدا به آلمانی ، سپس به هلندی ، بعد به انگلیسی و سر انجام در سال

۱۷۲۱ بزبان فرانسه ترجمه شد ، ریلند مؤلف این کتاب از اهالی انگلستان بود و زبان عربی را نیز میدانست .

« من و برادرم از خواندن موهوماتی که مسیحیان به **محمد** نسبت میدهند متعجب میشدیم و نمی توانستیم باور کنیم که عده بیشماری از مردم روی زمین بآنها ایمان آورده باشند» (۱)

\* \* \*

در آغاز عصر باصطلاح روشنیها (۲) یعنی در اوائل قرن هیجدهم میلادی هر چند که بدت گوئیها و تهمت‌های تازه‌ای شروع گردید و تعداد محققینی که در جبههٔ مخالف آنان قرار داشتند انگشت شمار بود اما در عین حال داوریهائی که در این قرن نسبت به بنیان گذار اسلام میشد با صراحت و قاطعیت بیشتر همراه بود مثلاً «بولن ویلی یه» در کتاب خود چنان در مدح **محمد** (ص) کوشیده بود که عده‌ای از معاصرینش او را مسلمان پنداشتند چون وی با کمال قاطعیت علیه او بیان دروغ‌پرداز و متعصب مسیحی اظهار داشت:

« **محمد** » قانونگذاری خردمند و بزرگ بود که دینی تهذیب یافته برای جهانیان آورد، او نمایندهٔ زنده عنایات پروردگار بود خدائی که بر همه چیز آگاه است او را فرستاد تا مسیحیان را که گمراه شده بودند متنبه گرداند؛ بتهارا خرد کند، ایرانیان خورشید پرست را مطیع سازد، و آئین خداشناسی را از دیوارهای چین تا سواحل اسپانیا بگستراند، آئین **محمد** چنان خردمندانه است که برای تبلیغ آن هیچ نیازی به جبر و قهر نیست، کافی است که اصول آنرا ب مردم بفهمانند تا همه به آن بگرایند، اصول دین **محمد** چنان با عقل انسانی سازگار است که در مدتی کمتر از پنجاه سال اسلام در قلب نیمی از مردم روی زمین جایگرفت» (۳)

پیشتر از نویسندگان این قرن یعنی ولتر (۴) فیلسوف نقاد فرانسوی که در ابتدا تحت عنوان نمایشنامه فئاتیسم (۵) (محمدیا تعصبات مذهبی) در سال ۱۷۴۲ میلادی ادعا نامه‌ای بسیار ناروا علیه پیامبر اسلام صادر نمود و آنحضرت را مورد افترا قرار داد، پس از پنجاه سال زندگی ادبی و چهل سال مطالعات تاریخی و فلسفی و مذهبی برای اولین بار حقیقت را می‌یابد و صریحاً اظهار میدارد:

« **محمد** بی گمان مردی بسیار بزرگ بود و مردانی بزرگ نیز در دامن فضل و کمال خویش پرورش داد، قانون آوری خردمند، سلطانی دادگر، پیامبری پرهیز کار بود و بزرگترین انقلاب روی زمین را پدید آورد» (۶).

(۱) آئین پیروان محمد صفحه ۵

(۲) در تاریخ ادبیات فرانسه قرن هیجدهم را «عصر روشنیها» مینامند و علت آن گسترش علوم و ادبیات در این قرن است.

(۳) زندگی محمد (ص) صفحه ۱۷۷-۱۴۳-۱۴۴ (۴) Voltaire

(۵) Fanatisme (۶) کلیات ولتر ج ۲۴ صفحه ۱۵۱-۱۵۰ اسلام از نظر ولتر صفحه ۵۳.

و در پاسخ گفتار «بسوئه» که میخواست ثابت کند: «همه چیز در دنیا بخاطر قوم یهود بوجود آمد» مینویسد «نادانی و خوش باوری مآثرها مورد سوء استفاده مقدسین متعصب قرار گرفت و ما را بر آن داشت که همه علوم و فرهنگ جهان را حاصل هوش و فراست قوم یهود و سپس خودمان که جانشینان آنان هستیم به پنداریم» آنگاه علیه «دم کالمه» که به پیروی از «بسوئه» یهودیان و مسیحیان را سرچشمه برکات زمینی و آسمانی میدانست، فریاد بر میآورد: «بیچاره تو تاریخ جهانی را دیدی چه ای بر افسانه‌های کودکانه یک قبیله راهزن میدانی!» و سپس اینطور ادامه میدهد: «در هیچ زمانی هیچ‌کس تکامل یافته‌ای نزد قوم یهود بوجود نیامد، در صورتیکه مسلمانان از همان قرون اولیه اسلامی، در تمام علوم و فنون آن روز مرئی اروپائیان گردیدند» (۱)

قضای و نظریات و نظر در طول زمان مراحل را پیمود تا بمرحله کمال خود رسید، در این مورد وی بدون هیچگونه ملاحظه و یا ترسی عقائد خود را بطور وضوح بیان میدارد:

«دینی که محمد (ص) آوردی شك از مسیحیت برتر بود، در آئین او هرگز به کفر جنون آمیز مسیحیان دچار نگشتند و یک خدای سه خدا و سه خدا را یک خدا ندانستند، ایمان بخدائی یکتا، تنها اصل بزرگ آئین محمد بود...»

دین اسلام وجود خود را به فتوحات و جوانمردیهای بنیان گزارش مدیون است در صورتی که مسیحیان با کمک شه‌شیر و تل‌آتش آئین خود را بدیگران تحمیل میکنند...

پروردگارا! کاش تمام ملت‌های اروپا، مسلمانان را سرمشق قرار میدادند» (۲)

سقائش و لئو از اسلام حتی بزرگترین نویسندگان قرن هیجدهم را بخود متوجه نمود و حقیقت گوئی و دلائل وی افسانه‌های ضد اسلامی مسیحیان را به خاک سپرد، و لئو در این مرحله تا آنجا پیش رفت که درباره «ماتین لوتر» که یکی از نوابغ مورد احترام او بود صریحاً گفت:

**لوتر لیاقت آنرا ندارد که بند کفش محمد را بکشد»**

\* \* \*

در اواسط قرن نوزدهم عدهٔ بیشماری از دانشمندان مسیحی بدون پیروی از تعصبات جاهلانه، روح تعلیمات و دعوت پیغمبر اسلام را مورد بررسی و مطالعه منصفانه قرار دادند.

«اگوست مولر» و «نولدکه» خاورشناسان معروف آلمانی مینویسند

**محمد در دعوت‌های خود صادق بود و مردم را بسوی راستی میخواند»** (۳)

بانو والیری «مستشرقه ایتالیائی مینویسد:

(۱) کلیات و لئو ج ۱۱ صفحه ۲۰۹

(۲) اسلام از نظر و لئو صفحه ۹۹

(۳) تاریخ مختصر ایران تألیف پاول هرن مستشرق آلمانی ترجمه دکتر رضا زاده

شفق صفحه ۶

هر چند در اوائل مستشرقینی امثال مویر انگلیسی، بشرنگر اطریشی، گولدزبهر مجارستانی، کائنانی ایتالیائی يك رویه مخالف و انتقادی پیش گرفته بودند ولی بعدها با کمال صراحت اعتراف نمودند که «محمد پیغمبری برحق بود و در نزول وحی باوجای اعتراض و انکاری نیست» (۱)

جیلمان نویسنده انگلیسی مینویسد: «محمد در دعوت خود صادق و در رسالت خود مخلص و در اعمال و اقوال خود پاک بود» (۲) و ماکس مولر میگوید «نزدیکست که مسیحیان بفهمند که محمد یکی از راستگویان و یاری کنندگان بشریت بود، آنوقت از دشمنیها و خصومت‌هایی که در قرنهای گذشته بنام دین مرتکب شدند خجالت خواهند کشید» (۳) تولستوی فیلسوف بزرگ روس در کتابی که بنام «محمد» تألیف نموده مینویسد

«این فخر برای محمد بس است که ملت پست و خونریزی را از چنگال اهریمنان عادات نکوهیده رهانیده راه ترقی را بروی آنان بازکرد ...»

**شریعت محمد بعلمت توافق آن با عقل و حکمت در آئینده جهانگیر خواهد شد» (۴)**

از جمله دانشمندان و نویسندگان مشهور اروپا که تا اواخر قرن نوزدهم میزیست «توماس کارلایل، است، وی در کتاب پرارزش «قهرمانان» که درباره رجال بزرگ جهان نگاشته يك فصل از فصول اول کتاب را اختصاص به شرح زندگی پیامبر اسلام داده و این فصل را از اینجا شروع میکند: در این عصر تا بش نور علم و ظهور حقیقت، فضائل غیر قابل انکار مؤسس اسلام و حقائق آئین او را انکار کردن، مخالف انصاف بلکه لکنه ننگ سیاهی است بر دامن تاریخ بشر. دشمنان محمد و دین او که یا از روی عصبیت جاهلانه و یا منافع مادی، کینه ورزی و دروغ پردازی مینمایند، دیگران را بگمراهی انداخته و از حقائق دور میکنند...»

و به جملات زیر پایان میدهد:

پیغمبر با رسالت الهی در میان مردم ظاهر شد و شماع اسلام در اکناف جهان منتشر گشت و دولت اسلامی با فضل و عظمت و مروت و حق بر نصف دنیا حکومت کرد و این عظمت در اثر همان یقین و ایمان مؤسس این دین بود (۵)

(بقیه در صفحه ۸۸)

(۱) سالنامه نور دانش سال ۱۳۲۹ شمسی

(۲) محمد بن عبدالله تألیف ابوالنصر عمر چاپ، بیروت صفحه ۵۷

(۳) نقل از مقدمه کتاب قهرمانان بقلم ابو عبدالله زنجانی

(۴) نقل از پاورقیهای محققانه مرحوم واعظ چرندابی بر مقدمه کتاب قهرمانان.

(۵) قهرمانان - ترجمه ابو عبدالله زنجانی صفحه ۱-۲-۴۹

# اردوی اسلامی

در ایالات متحده آمریکا و کانادا

گزارش کوتاهی از برنامه جالب اردوی اسلامی مسلمانان آمریکا و کانادا که بوسیله اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا سازمان داده شده بود، بدست ما رسید که برای آگاهی خوانندگان محترم، ترجمه خلاصه آن از نظر شما میگذرد

بیاری خداوند، برای نخستین بار در تاریخ کوششهای اتحادیه انجمنهای اسلامی دانش-جویان در آمریکا و کانادا تشکیل یک اردوی ساحلی یا جشن محبت و دوستی برای مسلمانان در نزدیکی گولومبیا امکان پذیر گردید.

هزینه این اردو را فدراسیون سازمانهای اسلامی در آمریکا و کانادا تمهید کرده بود که بعنوان سهم شرکت در این بنیاد جدید، با مسئولیت اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان پرداخت نمود.

از ۱۱/۴ تا ۱۹۶۷/۶۰ کودک و ۴۰ نفر بزرگسالان از پیر و جوان باشادی و فرح برنامه جامعی را درباره تعلیمات و آموزشهای اسلامی که طرح شده بود اجرا کردند و این برنامه تربیتی با فعالیت های ورزشی و تفریحی همراه بود و تحت یک شعار جالب «مسئولیت مشترک اسلامی» با موفقیت ادامه یافت.

شرکت کنندگان از ایالات و شهرهای: ایلینوس، اندیانا، مریلند، میشیگان، نبراسکا نیوجرسی، نیویورک، اوهایو و پنسیلوانیا آمده بودند بدون آنکه سختی راه و زحمات آنرا احساس کنند.

برنامه اساسی اردو هر روز بترتیب زیر انجام مییافت:

**نماز صبح** و بدنبال آن یک سخنرانی کوتاه، گردش در هوای گرم آزاد، نظافت و مرتب کردن اردوگاه، صبحانه، سخنرانیهای اصولی، پذیرائی مختصر، سخنرانیها، نهار، نماز ظهر تفریح، سخنرانیها و مباحثات گروهها، نماز عصر، ورزش، شام، نماز مغرب برای تشویق و آشنا ساختن کودکان شرکت کننده در مسائل مذهبی پس از مشاوره برای هرشش کودک یک سرپرست تعیین شده و این سرپرستها شب و روز همراه کودکان بودند و برنامه های تربیتی خود را با موفقیت کامل انجام دادند. این برنامه ویژه برای تثبیت شخصیت اسلامی کودکان یک برنامه نمونه بود. در اوقات معینی گروهها به تناوب به بحث و بررسی عقاید گوناگون خود در باره مسائل و

## چهاردهمین قرن بعثت پیغمبر اسلام

در شماره ۸ سال هشتم مکتب اسلام ، تحت عنوان «یکهزار و چهارصدمین سال قیام پیغمبر اسلام» یادآوری شد ، که ۲۷ رجب سال قمری جاری مصادف با چهاردهمین قرن بعثت پیغمبر اسلام است و مقتضی است مسلمانان جهان در بزرگداشت این جشن بزرگ اقدامات لازم را معمول دارند ، در این زمینه لازم است مطالب زیر مورد توجه قرار گیرد.

باتوجه به اینکه این جشن یک جشن سالیانه نیست ، بلکه جشنی است مربوط به قرن ، آنهم در زمینه بزرگترین واقعه مذهبی و اجتماعی تاریخ بشر ، و باتوجه به عظمت و دامنه نفوذ آثاریکه این تحول عظیم جهانی بوجود آورده است ، مقدمات برگزاری آن ، فرصت مناسبی می خواهد و اصولاً برگزاری این جشن عظیم در یک روز چندم با شکوه و جلال انجام پذیرد کافی نیست ، بلکه مناسب است به منظور بزرگداشت این واقعه عظیم اقداماتی بعمل آید که اثر آن در جامعه باقی بماند ، از قبیل انجام تحقیقات وسیعی در زمینه تاریخ رسول اکرم (ص) و نهضت عظیم اسلامی و آثار آن در جهان و تهیه کتابها و رسالاتی در این زمینه ، و ایجاد کتابخانه ها و مراکز و مؤسسات علمی و مذهبی و نامگذاری این تألیفات و مؤسسات به نام «چهاردهمین قرن بعثت پیغمبر اسلام» و امثال اینها ...

از این رو پیشنهاد میشود که برای انجام برنامه های مفید و مناسب این جشن - همانطور که در نظائر این حادثه در دنیا عمل می شود - یک سال در نظر گرفته شود و تمام سال آینده به عنوان سال پایان چهاردهمین قرن بعثت اعلام گردد ، بدین ترتیب که از ۲۷ رجب سال جاری اولین اقدامات مربوط به این جشن آغاز شود و طی سال فعالیت های مربوطه ادامه پیدا کرده به ۲۷ رجب سال آینده منتهی گردد . و خوب است در این زمینه اقداماتی دسته جمعی و هماهنگ از طرف مؤسسات و گروه های اسلامی آغاز شود.

تا آنجا که اطلاع حاصل شده است «حسینیه ارشاد» که مرکزی است اسلامی و تبلیغی در فکر تهیه مقدمات این جشن بزرگ می باشد و بنیاد اردکتاب جامع و مفیدی درباره شخصیت و تاریخ رسول اکرم با همکاری جمعی از دانشمندان اسلامی تهیه و مقارن برگزاری جشن منتشر نماید ، و در صورت امکان این کتاب را حداقل به دو زبان عربی و انگلیسی ترجمه کند و نیز مقدماتی فراهم نماید که در پایان سال آینده ، یعنی از ۲۰ تا ۲۷ رجب در مرکز حسینیه جشن بزرگی برپا شود و برای شرکت در این جشن - اگر میسر گردد - از محققین اسلامی داخل و خارج ایران دعوت بعمل آید و طی یک هفته ضمن مراسم باشکوهی کنفرانسها و سخنرانیهای در

زمینه مسائل مزبور اجرا شود و این سخنرانیها برای استفاده عموم شرکت کنندگان به چند زبان ترجمه شود.

اینها دورنمایی است از يك اقدام لازم و مفید که ازم اکنون باید با همکاری و تفاهم و مشاوره، مقدمات انجام آن فراهم شود، تا چه حد همت و علاقه مقامات و دستجات مذهبی در این راه بکار افتد و به نتیجه مطلوب برسد.

\* \* \*

ضمناً پیشنهاد می شود که آقایان نویسندگان و محققین به مناسبت سالیکه در پیش داریم، در زمینه مسائل زیر مقالات و رسالاتی تهیه نمایند و برای استفاده همه طبقات چاپ و منتشر کنند:

- ۱ - تحلیل و تجزیه دقیقی از تاریخ رسول اکرم (ص).
- ۲ - تحقیق در سیره و اخلاق آنحضرت.
- ۳ - بحثی در اصول و مبانی نهضت اسلامی و تأثیریکه این نهضت در ایجاد تحولات گوناگون در جامعه انسانی داشته است.
- ۴ - بررسی نوآوریهای اسلام در زمینه های فکری و اجتماعی.
- ۵ - بررسی موضوع خاتمیت پیغمبر اسلام و راز جهانی و جاودانی بودن اسلام.
- ۶ - بررسی اتهامات و انتقادهائی که در زمینه سیره و رفتار پیغمبر اسلام بعمل آمده است و جواب آنها.
- ۷ - تهیه فهرست جامعی از مجموع تحقیقاتی که در زمینه تاریخ اسلام طی چهارده قرن گذشته بوسیله مسلمین و خاورشناسان بعمل آمده است.
- ۸ - معرفی منابع و تحقیقات تاریخی مورد اعتماد و قابل مراجعه برای کسانیکه درصدد تحقیق هستند و برای توده مردم.
- ۹ - آماری از مجموع کلمات، مواعظ، خطبه ها و نامه های پیغمبر (ص).
- ۱۰ - تهیه برگزیده ای از هر يك از این قسمتها.
- ۱۱ - تهیه نمودار کاملی از فراز و نشیب پیشروی نظامی و جغرافیائی مسلمین در گذشته.
- ۱۲ - تهیه نموداری از گسترش نفوذ فکری و اجتماعی اسلام طی چهارده قرن گذشته.
- ۱۳ - بررسی مجموع علوم اسلامی که در جامعه اسلامی پدید آمده است و تفکیک آنها که از منابع و مبانی مذهبی الهام گرفته، از آنها که از خارج وارد حوزه اسلامی شده است.

(بقیه در صفحه ۳۹)



## نالہ‌های قربانیان

ده سال است که بحرانی‌ترین دوران زندگی را میگذرانم  
تار و پود وجودم از هم گسسته قوای دماغیم تحلیل رفته  
انحرافات دوران بلوغ آنچنان آلوده و بدبختم نموده که بارها  
بنگر خودکشی افتاده‌ام، مرا دریا بید، بموجودی ناتوان  
رحم کنید.

ح - ۲

من یکی از قربانیان اجتماع فاسدم، ۸ سال پیش بدوران  
بلوغ رسیدم، نه تنها پدر و مادرم هیچگونه کمکی بمن نکردند بلکه  
به بیخبری من افزودند اکنون سالهاست که از شکست خورده  
گان دوران بلوغ هستم از این گذشته امراض دیگری مرا  
تهدید بمرگ می‌کند.

ر - ۵

در آن موقع که انسان‌های سودپرست سیاهان بیگناه را از وطن و خانه‌شان بازور و  
تهدیدسوار برکشتی کرده، بخاطر راحتی و آسایش خود، آنان را برای بیگاری به آمریکا  
میبردند، در خلال این مسافرت جانکاه، هزاران برده سیاه از گرسنگی و تشنگی و بیماری  
و مرض ویا در برابر انگد و شلاق استعمارگران جان داده، دیدگان‌شان برای همیشه بسته میشد،  
از میان هزاران برده سیاه بدبخت، شاید یک نفر پیدا میشد که جان سلامت بدر برده ماجرای پیداد  
گری انسان‌های سفید را شرح میداد.

در لجنزار اجتماع زندگی، هزاران دختر و پسر قربانی فسادهای اجتماع آلوده شده،  
تار و پود هستی‌شان بر باد داده میشود، ناله و شکوه این قربانیان آنقدر ناتوان است که در سینه  
هایشان حبس می‌گردد، در اجتماع ما هر روز از این بدبختان فراوان وجود دارد، ولی ناله‌های  
ضعیف آنان در برابر جنجال و غوغای هوسها بگوش کسی نمیرسد. کشتی زندگی این گروه با

صخره‌های سه‌په‌ناك شهوترانی تصادم کرده ناله و فریادشان در خلال غرش‌های جانکاه طوفان‌های تمایلات بگوش نمیرسد، فقط تعداد انگشت‌شماری هستند که می‌توانند راز بدبختی خود را با آه و ناله بیان کنند .

کلماتی که در آغاز مقاله بدان اشاره شد ، از حلقوم جوانان بیگناهی بیرون آمده که گرفتار فساد اجتماع آلوده شده و هستی خود را در اثر آلودگیها از دست داده‌اند، گناه این عده از جوانان اینست که در محیط سوزان و کشنده اجتماع ما زندگی می‌کنند اگر در محیط سالمی چشم باز کرده بودند، از شئون زندگی و اجتماعی برخوردار شده فردی ارزنده و مفید بار می‌آمدند ، ولی جوانان ما در اولین فصول جوانی از زندگی سیر شده‌اند ، نیروهای اصیل حیاتی بر ایگان از کفشان خارج گشته ، بزنگی و آینه امید ندارند ، آرزومی کنند ایکاش اصلا دنیا نیامده بودند ، و یا الاقل دوران مرگبار حیاتشان یکباره قطع میشد، در همین مراحل است که عده‌ای از تحصیل کرده‌های ما، در اثر ریاس از زندگی با عتیداهای خطرناک کشانده میشوند .

طبق اظهار نظر برخی از روانشناسان تنها نیمی از جمعیت ایران کمتر از ۴ ساله و بالغ بر ۷۵ درصد آنان کمتر از ۳۵ سال دارند (۱) بنا بر این روشن میشود که توجه به مسئله جوانان تاجچه‌حدودی لزوم و فوریت دارد.

و همچنین می‌توان بخوبی بر آورد کرد که چه تعداد از نیروهای ارزنده جوانان کشور که ذخائر ملی ما محسوب می‌شوند بیهوده از بین رفته‌است ، در کشورهای صنعتی شده این نیروها و استعدادها بر اساس اصول صحیحی پرورش یافته هزاران دکترو مهندسان ارزنده با اجتماع تحویل داده میشود ولی در کشور ما بجای عشق و امید دشنام و نفرین و بیزاری از زندگی و حیات نتیجه افکار جوانان ما است و بر آستی تا حدودی هم حق با آنهاست. وقتی فردیکه بسن جوانی رسیده ببیند بجای اینکه او را تربیت و پرورش داده فردی ارزنده بار آورده باشند مانند علف هرزه در شوره‌زار زندگی بار آمده بر اثر نارسائی های جسمی و روحی دچار عقده‌های حقارت شده بطور مسلم بخود و اجتماع و مر بیان لعنت و نفرین خواهد کرد و بزنگی علاقه و شوقی نخواهد داشت گرچه خود او هم در پی ریزی این بدبختی سهم بوده‌است ، ولی با عمه اینها محیط آلوده چون سیل خروشان آنان را در خود غوطه ور نموده است. بزرگترین مسئولیت‌ها متوجه گردانندگان و زعمای اجتماع است، روزگاری بود که آلودگی های اجتماع غرب و معاشرت‌های بی بند و بار آن دیار زبان زد همه بود، ولی امروزه تنها در پایتخت کشور ما بطور متوسط هر ساله (۶۴۸) تن نوزاد سرراهی بدو شیر خوار گاه سپرده میشود، یکی از مجلات

(۱) مقدمه کتاب جوانی پر رنج تألیف دکتر ناصر الدین صاحب‌الزمانی.

تهران در یکی از شماره‌های خود به نقل از مجله دیگری تحت عنوان (تهران بیمار است) زیر عکس دلخراشی از کودکی سرراهی، چنین مینگارد :

آمار میگوید : هر ماه بیش از یکصد و هشتاد نوزاد را در خیابان‌ها میکند ، بطور مسلم این عده هنگامی که بدوران جوانی برسند، پس از ارزیابی وضع زندگی، با جسم نحیف و روح افسرده ، بر اساس جبر روحی و جسمی ، جز منفی بانی کاری از آنان ساخته نبوده ، علاوه بر اینکه بدرد اجتماع نمیخورند ، مانند سم مهلکی برای کشور و اجتماع خطرناک خواهند بود و چون جرقه خود و دیگران را بآتش کشانیده ، خاکسترشان را بر باد خواهند داد.

در دوران تاریخ ممکن است ، ملت‌هایی دچار طوفان‌های وحشتناکی شده و یا زلزله های خانمانسوزی تار و پودشان را بر باد داده باشد ، یا پنجه قوی دشمن در گلویشان فرو رفته باشد ولی این ملت‌ها دوباره بپاخاسته از نو استقلال و ملیت خود را ارائه داده‌اند ، چون نسل جوان آنان شاداب و تندرست بوده است .

هیچ آفتی زنده‌تر از این نیست که طبقه جوان مملکتی در سراشیبی فساد و تباهی قرار گرفته باشد، قدرت جوانی پشتوانه تکامل و تحول است با این قدرت بزرگترین شکست‌ها را می‌توان جبران کرد **گماندی** میگوید : روح جوان از نیر و مندترین سلاح‌ها قوی- تر است، **جواهر لعل نهرو** در کتاب خود خطاب به جوانان می‌نویسد: دنیا نیازمند **بمهندس و دانشمندان** است و این قبیل اشخاص هرگز از میان نخواهند رفت، در صورتی که سیاستمدار همگن است مورد نیاز نباشد، شما جوان هستید و من **آرزو مند**م که غرور جوانی و جاه طلبی را در خود داشته باشید و بخواهید که **کاری بزرگ و با ارزش انجام دهید** (۱)

اولیاء فرهنگ باید توجه داشته باشند که پیشرفت یک کشور وابسته به نحوه تعلیم و تربیت طبقه جوان آن کشور است ، و باید باز بدانند که تربیت صحیح آنست که متضمن پرورش جسم و روح باشد یعنی همانطوری که سعی میشود جوان از نظر جسمی مردی توانا باشد از نظر روحی هم واجد صلاحیت اخلاقی باشد ، دانش آموزی که آلوده بانحرافات باشد نمی‌تواند در تحصیلات خود موفقیتی بدست آورد ، اگر آمار گیری دقیقی در طبقه جوانان تحصیل کرده بعمل آید، آنوقت معلوم خواهد شد که صدی نودشکست خوردگان در تحصیلات کسانی هستند که نخواسته یا نتوانسته‌اند بر تمایلات خود تسلط داشته باشند و بر همین اساس ، از نظر نیروی انسانی دچار کمبود می‌باشیم ، و بگفته یکی از روانشناسان معاصر اینک مدارس بدون معلم دلسوز و بیمارستان‌های بدون پزشک متخصص و حاذق بسیار وجود دارد امروزه دانش-

(۱) کتاب روابط هند و ایران .

آموزان علاقه و اهتمامی بخواندن درس ندارند ، تفریحات غیر سالم و زیان آور ، منطبق تحصیلی را از آنان می گیرد ، و بطور نا آگاه درسیل فساد اجتماعی غوطه ور میگردند ، محیط تربیتی همانطور که باید از امکانات پرورشی برخوردار باشد ، از هر نوع مانع و رادعی هم باید برکنار بماند ، متأسفانه در محیط زندگی ما ، موانع تربیتی بطور فراوان و آزاد وجود داشته و نتایج تربیتی را بهر مقدار که باشد خنثی مینماید ، بدیهی است گلی که علفهای هرزه آنرا احاطه کرده باشد بتدریج از رشد و تکامل باز خواهد ماند ، بنا بر این همان کاری را که يك زارع در درس نخوانده انجام میدهد ، یعنی تا حدود ممکن موانع پرورش را از میان برداشته با اصطلاح « وچین » می زند ، فرهنگ ما هم باید با تمام مراکز بدآموزی مبارزه کند تا زمینه تربیتی آماده گردد .

اجتماع امروزه ما نیازمند يك تحول عمیق فرهنگی است تا در اثر آن نسل جوان ارشاد یافته عشق و امید بزندگی و کشور در دلش روشن شده برآستی و ایمان گرایش یابد و بعبارت دیگر همانطوری که فورمولهای ریاضی و شیمی در کلاسها تدریس میشود ، باید فورمول زندگی و اخلاقی هم بآنان آموخته شود ، فورمول زندگی است که می تواند سعادت خود تحصیل کرده را تضمین کند ، و الا هر قدر هم که با استعداد باشد ، در زندگی اجتماعی پس از بدست آوردن سلاح علمی ، تازه بر مال و عرض مردم دست یافته از تجاوز بحقوق مالی و ناموسی بیم و باکی نخواهد داشت .

این کاربرد ارزش از عهده بر نامه های خشك و جامد تعلیمات دینی خارج است ، آمار گیری از همه دبیرستانهای کشور این شکست را اعلام داشته همه مسئولین فرهنگ دریافته اند که تشکیلات و بسیاری از بر نامه های دینی دبیرستانها علاوه بر اینکه نمیتوانند نسل جوان را ارضاء کند ، در مواردی هم بر ابهام و پیچیدگی در اصول اعتقادی می افزاید ، فقط معلم با ایمان و دلسوز میتواند از ابتدا با مراقبت کافی ، اصول ایمانی را بتدریج در روح جوان وارد کرده بمرور زمان او را فردی راستگو و درستکار و با ایمان بار آورد . امروزه باید سعی شود ، نیازهای واقعی نسل جوان شناخته شده بموازات آن با بر نامه های اصولی و منطبق با خواسته های نسل جوان آنان را برای زندگی راهنمایی کرد ، نکته قابل توجه اینست که بحران اجتماعی ما از مدت ها قبل بطور پنهانی وجود داشته و بتدریج آثار آن آشکار میگردد ، و در آینده مشکلات پیچیده تری در اجتماع ما ظهور خواهد نمود و بعبارت دیگر نطفه بحران های اجتماعی بر اساس تحولات اختیاری یا غیر اختیاری انعقاد یافته است و ما چه بخواهیم و چه نخواهیم در زمانهای آینده بناچار ناظر مشکلات اجتماعی فراوانی خواهیم بود که در درجه اول مشکل نسل جوان است ، بنا بر این وظیفه سنگینی متوجه مر بیان اجتماعی است ، که ازمم اکنون با بر نامه های اصولی واقع بینانه که بر اساس آداب و سنن صحیح و اصیل کشور و ملیت ، تنظیم شده باشد با علاقه و دلسوزی فراوان نسل جوان را از آستانه لغزش و تباهی نجات دهند .

## عفو یا انتقام ؟

### جوانمرد کدام راه را انتخاب میکند ؟

( ۲ )

خلاصه شماره پیش : روز جمعه بود ، مردم در مسجد الحرام بنماز جمعه مشغول بودند که ناگهان مأمورین منصور خلیفه عباسی تمام درهای مسجد را باستثنای یک دربستند ، مردم علت بسته شدن درها را از طرف پلیس نمی دانستند یکی از نماز گزاران بنام محمد بن زید که نوه امام چهارم شیعیان بود رفیق نماز گزار خود را سخت مضطرب و پریشان یافت . علت را از او سؤال کرد ، او گفت : من محمد فرزند هشام بن عبدالملک خلیفه اموی هستم که سلطنت از خاندان ما بیرون رفته و اکنون مأمورین پلیس بخاطر دستگیری من و بدست آوردن گردن بندی گرانها از اموال پدرم درهای مسجد را بستند .

سپس از او خواست که خود را معرفی کند ، نوه امام چهارم وقتی خود را معرفی کرد ، پسر هشام سخت ناراحت شد زیرا پدر او هشام پدر محمد بن زید فرزند امام چهارم را بفعجیب ترین وجهی کشته بود . پسر هشام نمی دانست که فرزند زید با او چه خواهد کرد آیا او را می بخشد و یا با انتقام خون پدر می کشد ، و بر فرض او را به بخشد از چنگال مأمورین خلیفه چگونه خواهد رست ، محمد در این افکار سخت غوطه ور بود که ناگهان :

\* \* \*

مردم بطرف در هجوم یرده بودند ، سکوتی آمیخته با ترس و رعب همه جا را فرا گرفته بود . مقصر کیست ؟ علت بسته شدن درها کدام است ؟ پلیس از جان نماز گزاران چه میخواهد ؟ اینها سؤالاتی بود که آهسته آهسته مردم از یکدیگر می نمودند و جواب درستی برای آنها نمی یافتند ، ناگهان صدای داد و فریاد مردی سکوت را درهم شکست . یکی فریاد میزد : ساربان متقلب ! خیال کردی میتوانی از چنگال من فرار کنی ؟ دیدی بالاخره ترا دستگیر کردم ؟

مردی را دیدند که عباى خود را ازدوش برداشته و بگردن دیگری پیچیده است تمام سر و صورت تا گردن او در زیر عبا پنهان است گویا میخواهد او را خفه کند مرتب او را میزند و میگوید : ساربان متقلب ! پولهای ما را گرفتی پس شترها را چه کردی ؟ با این ترتیب او را تا نزدیک باب بنی شیبه رساند ، رئیس پلیس بمحض دیدن این مرد تعظیمی کرده گفت : قضیه چیست و اینمرد چه کرده ؟

- آقای محترم ! این مرد ساربانى است از اهل کوفه ، چند شتر برای ادای حج از او کرایه کرده و تمام کرایه اش را نیز قبلاً پرداخته ایم . یکر و ز قبل از موعد یکمه می بایست از کوفه حرکت کنیم خبردار شدیم این مرد خدا نشناس بطمع پول بیشتر شترها را یکمده خراسانى بمبلى زیادتر کرایه داده و آنها را نیز همان روز بسمت مکه حرکت داده است پول آن چندان مهم نبود ، مهم این بود که موقع حرکت رسیده بود و دیگر شتر برای کرایه پیدا نمیشد ، مانیز بزحمت فراوان توانستیم خود را بحج برسانیم ، اکنون از شما میخواهم دو نفر مأمور با من بفرستید تا او را بمحکمه قاضى ببریم .

- بچشم ! این هم دو نفر مأمور ، شما مأمورید ! با این مرد محترم بروید و هر چه دستور داد اطاعت کنید ، زودتر !

- سمأ و طاعة ، آن مرد محترم با اتفاق ساربان سر و گردن پیچیده و ۲۰ نفر مأمور از در مسجد خارج شدند ، از پیچ و خم دوسه کوچه گذشتند ، آن مرد ساربان رو کرده گفت : الان ترا بمحکمه قاضى می برم ، بمجازات عمل زشت خود میرسى و میفهمى نتیجه تقلب و خیانت چیست ؟ ساربان هم مرتب التماس میکرد ، مرد محترم گفت در صورتیکه قول بدهی تنها کرایه ای را که از من گرفته ای پس بدهی و دیگر کرد خیانت و نادرستی نگردي از گناه تو صرف نظر می کنم .  
- قول میدهم ، قسم میخورم که ... = نشد ، بخانه کعبه قسم یاد کن .

- بشرف کعبه سوگند پول شمارا تا دینار آخر می پردازم ، و از این پس خیانت نمی کنم . بسیار خوب ، مرد محترم سپس رو بمأمورین کرده گفت از لطف شما ممنونم ، دیگر لازم نیست شما زحمت بکشید او قسم یاد کرده حق مرا بپردازد ، بنا بر این بزحمت شما قاضى نیستم بروید ادر پناه خدا !

مأمورین برگشتند ، آن مرد محترم در کوچه خلوتی عبارا از دوش ساربان متقلب برداشت ولی او کسی جز محمد بن هشام نبود !

گفتیم که محمد بن هشام در نخستین برخورد با محمد بن زید وقتى او را شناخت ویرا قسم میداد که هر چه زودتر مرا بکش ا راحت شوم ، منکه بایستی بمیرم چه بهتر که بدست شما جوانمرد کشته شوم ، ولی محمد بن زید فرمود نه ! اشتباه می کنی درست است که پدر تو ، پدر مرا با وضعی دلخراش شهید کرده است ولی فراموش مکن که ما مسلمانیم و پیرو قرآن ، قرآن بپادستور میدهد : « ولا تزوروا زرة و زراخرى » بار گناه کسی را دیگری نمی کشد ، هر کس مسئول عمل خویش می باشد ، بنا بر این تو در این جنایت بزرگ سهمى نداری ، منم سعی می کنم که وسیله استخلاص ترا فراهم کنم ، برای نجات تو نقشه خوبی کشیده ام ، منتها ناچارم بتو توهین کنم و نسبت ناروا بتو بدهم ولی چاره ای نیست قبلاً از تو معذرت میخواهم من ترا بعنوان ساربان متقلب معرفی نموده عبا بسروریت می کشم و کشان کشان از مسجد خارجت می کنم ، مطمئن باش پلیس بتو ظنین نخواهد شد ، زیرا همه سابقه دشمنی خاندان شمارا با خاندان ما می دانند ، بنا بر این سلامت نجات پیدا خواهی کرد ، نقشه بخوبی انجام شده بود ، محمد بن هشام خود را در خارج مسجد دید ، از پیچ و

خم چند کوجه نیز گذشته بودند ، با کمال تضرع و زاری از محمد بن زید عذر خواهی میکرد : شما جوانمردی را درباره من بکمال رساندید فقط انتظاری که دارم این هدیه ناقابل را از من بپذیرید ، پسر هشام دست در جیب برده همان گردن بند بسیار قیمتی را که منصور بیشتر بخاطر آن این سروصدا را راه انداخته بود ، و پسر هشام آنرا دائماً چون جان شیرین حفظ میکرد ؛ بیرون آورده تقدیم محمد بن زید کرد ، پسر زید نگاهی پر معنی باو کرده فرمود\* : نه بخدا ما خانواده بطمع مال بکسی خدمت نمی کنیم ، من که از خون پاک پدرم صرف نظر کردم بطریق اولی از مال دنیا می توانم بگذرم مال دنیا نمیتواند ما را بفریبد ، برو این دام بر مرغ دگر نه !

پسر زید این جمله را گفت و بسرعت دور شد ، محمد بن هشام نیز نگاه تعجب آمیزی باو نموده زیر لب می گفت : **اللهم اعلم حيث يجعل رسالته** : خدا بهتر میداند رسالت خود را در چه خاندانی قرار دهد (۱)

۱ مدارك : قصص العرب و مروج الذهب .

(بقیه از ص ۳۲)

- ۱۴ - بررسی اجمالی گرایشهای فلسفی و دینی و اجتماعی که در طول چهارده قرن در جامعه اسلامی پیدا شده است .
- ۱۵ - تهیه آمار دقیقی از تعداد مسلمانان امروز در جهان .
- ۱۶ - بررسی موقعیت جغرافیائی ، نیروی انسانی ، منابع طبیعی و زیر زمینی ، موقعیت اجتماعی کشورهای اسلامی در حال حاضر .
- ۱۷ - بررسی گرایشهای غیر اسلامی موجود در کشورهای اسلامی ، در زمینه های فکری و فلسفی و اجتماعی و مقایسه و ارزیابی اجمالی نفوذ این گرایشها با حدود نفوذ گرایش موجود اسلامی .
- ۱۸ - تهیه آماری از مجموع حوزه های علمیه دینی در مراکز اسلامی ، و تعداد فارغ التحصیلان تقریبی هر سال .
- ۱۹ - تهیه گزارشی از نوع تبلیغات و انتشارات و فعالیتها و نهفتهای موجود در جامعه اسلامی در حوزه اسلام .
- ۲۰ - در پایان این قبیل تحقیقات آنچه که باید بیشتر روی آن تکیه شود ، تهیه طرحی جامع برای تقویت و ادامه صحیح این نهضت عظیم جهانی است .  
بنظر می رسد ، تجدید این نهضت باید در سه مرحله زیر صورت پذیرد :
- ۱ - بررسی اصول فکری و اجتماعی (ایده نولوژی) اسلام و توضیح و ارائه آن به همه طبقات در داخل و خارج میهن اسلامی .
- ۲ - ارائه روش اجراء و احیاء این اصول در شرایط و امکانات موجود .
- ۳ - شروع اولین اقدامات تحقیقی و اجرایی در زمینه تجدید نهضت اسلامی .

## بهداشت نوزاد

قبل از نوشتن که بعد از هفته دوم و سوم بهتر است بچه در هر نوبت شیر خوردن فقط یک پستان را بمکد ولی در موارد زیر باید طفل در هر نوبت هر دو پستان را بمکد .  
۱ - وقتی که طفل از یک پستان شیر میخورد از پستان دیگر بمقدار زیاد قطره قطره شیر خارج شود .

۲ - وقتی که یکی از پستانها خیلی کمتر از پستان دیگر شیر داشته باشد .

۳ - وقتی که مادر پیش از حد شیر داشته باشد در این صورت هم برای کم کردن درد ناشی از فشار پستان و هم برای کم کردن شیر لازم است که طفل از هر دو پستان شیر بخورد .

۴ - وقتی که طفل اقلاد و وعده متوالی شیر از بطری بخورد .

۵ - اگر چنانچه طفل در ۲۴ ساعت ۵ نوبت شیر میخورد شیر شب یعنی آخرین شیر را باید از هر دو پستان بخورد .

اگر چنانچه طفل در هر وعده از هر دو پستان شیر میخورد لازم است بنوبت شروع بشود یعنی اگر در یک وعده از پستان راست شروع شده در وعده دوم از پستان چپ شروع بشود، این عمل فقط یک استثنا دارد و آن اینست که چنانچه شیر یک پستان کمتر از دیگری باشد باید همیشه از پستانی که شیر کمتر دارد شروع نماید ، نابرابری شیر در پستانها گاهی مربوط باینست که طفلی یک پستان را بیش از دیگری دوست دارد و آن را بیشتر میمکد و در نتیجه آن پستان بیشتر تحریک شده ، بیشتر شیر میدهد و عجیب اینست که گاهی بچه اساساً بیک پستان علاقه دارد و بسختی حاضر است که پستان دیگر را بمکد .

آیا شیر مادر به تنهایی کافی است؟

اگر غذای مادر متعادل باشد جواب مثبت است، البته فقط در چهار پنج ماهه اول زندگی



ولی بعد از این مدت اگر غذای طفل منحصر به شیر باشد ایجاد بیماری نرمی استخوان (۱) و کم خونی خواهد کرد و شدت وضع این دو بیماری متناسب با طول مدتی است که بچه شیر میخورد. کم خونی زودتر ظاهر میشود چون شیر انسان محتوی آهن (۲) بسیار کم میباشد و آهن شیر گاو حتی از این مقدار نیز کمتر میباشد، علت اینکه در چهار پنج ماهه اول بچه دچار کم خونی نمیشود اینست که در کبد خود مقداری آهن ذخیره دارد که بتدریج در این مدت به مصرف می رسد و در حدود چهار ماهگی تمام میشود و اگر مواد غذائی آهن دار به طفل داده نشود طفل قطعاً به کم خونی مبتلا خواهد شد.

اصولاً بعد از ماه دوم و سوم شیر مادر را از لحاظ کیفیت کافی نیست و باید آب پرتقال و روغن ماهی و آب میوه داده شود؛ آب پرتقال را روزانه از یکقاشق چایخوری شروع کرده بتدریج مقدار آن را زیاد می کنند تا آب یک پرتقال کامل برسد.

روغن ماهی را نیز از یکقاشق چایخوری در روز شروع کرده بتدریج بمقداری که قاشق آش خوری در روز می رسانند بهتر است آب پرتقال و یا روغن ماهی را از هفته دوم و سوم شروع کرد.

### آب

مادامی که بچه شیر مادر را میخورد باید در روز چندین مرتبه از بطری (۳) با آب داد. اگر اینکار را از ابتدا شروع کنند خیلی بهتر خواهد بود و بدن طفل از بی آبی رنجور نخواهد شد، اگر طفل به حد کافی شیر مادر را بخورد خیلی کم آب احتیاج خواهد داشت با وجود این باید بطری آب را به طفل داد، اگر احتیاج باشد بخورد و اگر احتیاج هم نبود کم کم بغذا خوردن از راه بطری عادت میکند و اگر این عمل را انجام ندهیم در ماههای ۶ و ۵ براحتی از راه بطری غذا نخواهد خورد در اینصورت مجبور خواهیم شد که با قاشق به بچه غذا بدهیم و این کار درستی نمیباشد و در عین اینکه غذا دادن به طفل در درس ایجاد خواهد کرد در موقع کسالت طفل برای مادر و بچه ناراحتی زیاد تولید خواهد شد در مواقعی که هوا گرم است و یا بچه تب دارد باید بمقدار زیاد آب به بچه داد.

### وضع عمومی بچه ای که بقدر کافی از شیر مادر تغذیه می کند:

این چنین بچه بعد از دو هفته دارای رنگ گلی روشن میباشد و قوام بدنش سفت است خیلی سرحال و آرام است، کمتر گریه میکند و بیشتر می خوابد، بعد از هفته چهارم و پنجم بسیار میخندد، در سه چهار ماهگی در موقع بیداری خیلی فعال است و مرتب دست ها و پاها را حرکت میدهد، رشد این بچه باین طریق

۱ - دashi تیسیم ۲ - آهن یکی از مواد اساسی خون میباشد.

۳ - منظور بطری است که پستانک ندارد.

است که در سال اول در اوائل سال هر هفته در حدود ۲۰۰ گرم و در اواسط سال هر هفته ۱۲۰ گرم و در اوخر سال هر هفته در حدود ۱۰۰ گرم بر وزنش اضافه میشود اگر وزن طفل بقدر ارقام بالا زیاد نشود احتمال قوی ایست که بچه سیر نمیشود و باید از بطری باوشیر داد و اگر وزنش بیش از ارقام بالا اضافه شود جای نگرانی نیست .

### عواملی که در شیر مادر اثر دارند.

۱ - عامل ارثی: اغلب بانوان کمی و یا زیادی شیر را از مادران خود باریت میبرند،  
 ۲ - عامل عصبی و روحی: آرامش خیال و محیط، دوران عصبانیت و پرازدنا و صمیمیت در زیادی شیر اثر دارند.

۳ - غذای مادر چه در دوران بارداری و چه پس از آن در مقدار شیر اثر فراوان دارد غذای مادر باید کافی و متعادل بوده و محتوی مواد ویتامین دار مثل شیر و تخم مرغ و سبزیها و میوه های خام باشد .

۴ - قاعدگی در کیفیت و کمیت شیر اثر ندارد و بهیچ وجه نباید عنوانی برای از شیر گرفتن بچه باشد .

۵ - بارداری اگر اثری هم در کم کردن شیر داشته باشد جزئی است ولی معمولاً در این موقع طفل را از شیر میگیرند اما هستند مادرانی که با علم به حاملگی بدون هیچگونه ناراحتی بچه خود را شیر میدهند خوشبختانه بارداری وقتی آشکار میشود که بچه به حد کافی بزرگ شده است و فرق ندارد که او را از شیر بگیرند یا نه.

### مواردی که بچه نباید از شیر مادر تغذیه بکند

این موارد بردن نوع هستند موارد ممنوعه مطلق و موارد ممنوعه نسبی.

**موارد ممنوعه مطلق عبارتند از:** ۱ - مادر مطلقاً شیر نداشته باشد (مورد نادری است)

۲ - نوک پستان فرورفته باشد و بهیچ وجه نتوان آنرا بیرون آورد و در نتیجه شیر خوردن بچه

غیر ممکن میگردد ۳ - شیر دادن بقدری دردناک باشد که مادر نتواند تحمل کند ( اینهم مورد

نادری است ) ۴ - در زمان زایمان، مادر به سیاه سرفه مبتلا بشود چون این بیماری در او

نادر است بخصوص در نوزادان یک بیماری بسیار خطرناک میباشد بنا بر این اگر نوزاد از مادر مبتلا

شیر بخورد به چنین بیماری وخیم دچار خواهد شد ، اما اگر مادر چند روز بعد از زایمان به سیاه

سرفه مبتلا شود شیر دادن مانعی ندارد زیرا قطعاً در دوران کمون بیماری (۱) بچه مبتلا شده است و

۱ - دوران کمون یک بیماری فاصله زمانی است از ابتلا به بیماری تا شروع علائم اولیه

آن. در بیماریهای میکروبی بعد از آنکه بیماری به شخص سرایت کرد علائم اولیه بسته بشدت و

ضعف بیماری و مقاومت بدن بعد از چند روز و یا چند هفته شروع میشوند.

از شیر گرفتن بچه تأثیری در سرایت بیماری نخواهد داشت.

۵ - هر نوع بیماری سلی که میکرب آن بتواند از بدن مادر به خارج راه یابد و باعث آلودگی بچه شود مثل سل ریوی که توأم با سرفه و خروج اخلاط باشد و سل های استخوانی و جدی که چرك آنها به خارج راه یابند چون ابتلا به سل در نوزادان خطرناکتر از بچه های بزرگ و بزرگسالان است اما اگر مادر مبتلا به سلی باشد که میکرب آن به خارج راه نیابد شیر دادن خطری ندارد چون شیر مادر آلوده نبوده و خطرناک نیست مگر اینکه زخم سلی در پستان باشد ولی بهر صورت اگر مادر مبتلا به هر نوع سلی باشد صلاح است تا زمان بهبود او را از نوزاد جدا کرد و اگر سل باز بوده و شدید باشد حتی باید طفل را در خانه دیگری غیر از خانه مسکونی مادر نگاهداشت  
۶ - بالاخره دیوانگی مادر نیز از موارد ممنوعه شیر دادن میباشد .

**موارد ممنوعه نسبی عبارتند از :** ۱ - سیفیلیس - شیر دادن در این بیماری وقتی ممنوع است که بچه آثار دچار شدن باین بیماری را نشان ندهد و مادرم بتازگی مبتلا شده باشد ولی اگر بچه بطور مادرزادی باین بیماری مبتلا شده باشد شیر دادن مانعی ندارد چون قبلاً مادر نیز مبتلا شده است.

۲ - در بیماریهای از قبیل کمخونی - ورم کلیه ها - بیماریهای قلبی - ذات الریه - سرخ - نوك پستان ترك دار و دردناك و تورم پستانها ( چه در زمان حاملگی فعلی و چه در جریان بارداریهای پیشین ) شیر دادن منوط بوضع مادر است تا وضع کودک، یعنی اگر وضع جسمانی مادر اجازه بدهد میتواند به کودک شیر بدهد .

۳ - بیماریهای مسری حاد ، بچه در سه چهار ماه اولیه نسبت به سرخك مصونیت دارد ، و تا حدودی این مصونیت تا یکسالگی نیز ادامه پیدامی کند. تورم غده بنا گوش (۱) ندرتاً قبل از یک سالگی بچه را مبتلا می کند بنا بر این شیر دادن مادری که مبتلا به سرخك و یا تورم غده بنا گوش باشد مانعی ندارد، همچنین دچار شدن مادر به سرخجه و آبله مانع شیر دادن نیستند برای اینکه این دو بیماری خیلی مسری هستند و قطعاً در دوران کمون ، کودک مبتلا شده است .

باید بخواطر داشت که بیماریهای ساده مثل سرما خوردگی ، گلودرد ساده ، گریپ و زکام غالباً بسیار خطرناکتر از بیماریهای خطرناک فوق میباشد بنا بر این در چنین مواردی مادر باید تا آنجا که امکان دارد از تماس نزدیک با بچه پرهیز کند و قبل از شیر دادن باید دستهای خود را با آب و صابون بشوید و در موقع شیر دادن با حوله ای دهان و بینی خود را به بندد تا نفس او به کودک نخورد ، بستن پارچه نازک دهان و بینی برای این منظور کافی نیست .



## پرده ها از روی تسلیحات مخوف

### و دیوانه و ارجهان حاضر کنار میرود!

برابر موشکهای قاره پیمای و آینده چین، در يك حمله احتمالی، معرفی کرده ولی بسیاری از ناظران سیاسی را عقیده بر اینستکه این تصمیم نارسا و پرریسی است که آمریکا فقط در برابر «سیستم ضد موشکی شوروی» اتخاذ کرده است...

در ماده استراتژی یکی هسته‌ای که تا امروز میان شوروی و آمریکا توازن وحشتی را برقرار کرده، دو عامل مؤثر «باز دارنده» وجود دارد:

۱- ماندن طرف از میادرت بحمله‌ای اتمی.

۲- قدرت فرود آوردن «ضربه متقابل» مفهوم «ضربه متقابل» اینستکه در صورتی هم که ضربه اول را خصم وارد کند، طرف میتواند قدرت فرود آوردن «ضربه متقابل» را داشته باشد.

### ارزیابی غلط

سه سال پیش که شوروی مقدمات تکمیل سیستم دفاع ضد موشکی خود را فراهم میکرد، آمریکا از نظر تعداد بمب‌های هسته‌ای به نسبت

هفته گذشته هنگامی که وزیر دفاع آمریکا خبر اختصاص بودجه ای ۵۰۰ میلیون دلاری را برای توسعه و تکمیل سیستم ضد موشکی جدیدی اعلام داشت؛ وحشت و هراسی بی - کران پایتخت‌های عالم را فرا گرفت و دورنمایی از رستاخیز اتمی بار دیگر دیدگاه عالمیان را تیره و تار کرد.

این اقدام و اشنگتن ضربه‌ای است بر قرار داد نسبی تحریم سلاحهای اتمی، مسکو، که غالب کشورهای عالم آنرا امضاء کرده اند، از همه گذشته اقدام آمریکا ممکن است خط بطلان را بر «همزیستی مسالمت آمیزی» بکشد که از اواخر دوران خروش چف تا کنون میان شرق و غرب وجود داشته است.

### فشار قدرت‌تمندان

از بیانات وزیر دفاع آمریکا کاملاً احساس میشود که وی تحت تأثیر فشار اصحاب کنگره و شبکه نظامی و صنعتی آن کشور مجبور به چنین اقدامی گردیده است.

هر چند آمریکا این اقدام را برای دفاع در

در سرمایه گذاری آمریکا در امور نظامی دارند .

### ۳- اصحاب کنگره

و بالاخره فشار اصلی تر از ناحیه اصحاب کنگره بود و میگفتند اگر دولت بحرف آنها گوش ندهد مسئله «سیستم ضد موشک» را همچون ماجرای «فاصله موشکی» انتخابات ۱۹۶۰ ، در این انتخابات هم در زمره اولین مسئله انتخاباتی درخواست آورد هر چند «مک نامارا» تصمیم امریکارا بطور عمدت به خاطر خطر احتمالی سالهای آینده قدرت موشکی چین توجیه کرده ، ولی بهانه ای پیش نیست و هنوز هم دعوای اصلی میان شوروی و آمریکا است و این خطر وجود دارد که سیستم «رقیق» که مک نامارا از آن سخن گفته فقط ۵۰۰ میلیون دلار بدان اختصاص داده ، اندکی بعد بر اثر فشار متنفذین کنگره به سیستم «غلیظ و ضخیمی» تبدیل شود که حداقل هزینه آن، همان ۵۰۰۰ میلیون دلاری باشد که ارباب کنگره روز اول بر آن اصرار میورزیدند یعنی فرورفتن کامل امریکا در امواج مسابقه تسلیحاتی موشکی با شوروی !

اگر بر خلاف آنچه که «مک نامارا» وعده داده ، امریکا مسابقه موشکی را بطور وسیعی آغاز کند نه تنها همزیستی مسالمت آمیزی که میان شرق و غرب است از میان

«سه بریک» بر شوروی پیشی داشت ، این موضوع هم خود نتیجه ارزیابی غلط آمریکا در سالهای ۱۹۵۰-۱۹۵۸ بود که می پنداشت شوروی بر آن دولت پیشی دارد و با صرف هزینه زیاد کوشید تا «فاصله موشکی» را پر کند و بعداً معلوم شد که بیجهت انبارهای خود را از این سلاح مصیبت بار پر کرده است .

### فشار عناصر مختلف

مجموع این فعل و انفعالات وسیله ای بدست عناصر مختلف در طبقات و مقامات مختلف آمریکا داد و از جانسون طلب کردند که برنامه موشکی تازه ای را شروع کند ، این فشارها از سه منبع مختلف بود :

### ۱- نظامیان

که همیشه مایلند از هر سلاح مرگباری در دنیا بیشترش مال آمریکا باشد و برای ایمنی و آسیب ناپذیری سلاحهای تعرضی مزبور ، سیستمی تدافعی هم داشته باشد .

### ۲- شبکه صنعتی نظامی

منبع دوم فشار از ناحیه کسانی بود که «ایزنهاور» بالحن ترس آوری آنان را «شبکه» صنعتی نظامی «نامیده و سپاهی بی شمار مرکب از سرمایه داران ، مدیران کارخانه ها ، ژنرالها بوده و منافع فراوانی

خواهد رفت بلکه حتی همان «قرار داد تحریم نسبی سلاحهای اتمی» هم که آزمایشات هسته‌ای را در فضا، دریا و زمین منع کرده، دیگر مفهومی نخواهد داشت زیرا توسعه و تکمیل سیستم ضدهوشکی امریکا مستلزم از سر گرفتن آزمایشات هسته‌ای در فضای جو است و از همه بدتر تمام امیدهای را که بشریت بدامن مذاکرات طولانی «خلع سلاح» ثرو بسته بود نقش بر آب خواهد شد.

زیرا دولت‌های کوچکی که تا امروز با طرح آمریکا و شوروی در باره منع تکثیر سلاحهای اتمی مقاومت کرده‌اند، با تجدید آزمایشات هسته‌ای از طرف امریکا دستاویز موجه تری برای عدم امضاء آن خواهند داشت.

کیهان (۷۲۴۸)

### مکتب اسلام

تدارکات وحشتناک نظامی اخیر یک کشور بزرگ جهان؛ بار دیگر پرده را از روی تسلیحات مخوف و دیوانه وار جهان حاضر کنارزد، برآستی مسئله تسلیحات، خطرناکترین پدیده قرن ما است روزی دانشمندان علوم اجتماعی، جنگ را یک پدیده اجتناب ناپذیر میدانستند ولی امروز این عقیده را کسی قبول ندارد و جامعه شناسان میگویند میتوان کاملاً از پدیده جنگ جلوگیری کرد بنابراین این امروز نمیتوان گناه این تسلیحات دیوانه وار و جنگ جهانی مخوفی را که چون آتش

زیر خاکستر، جهانیان را تهدید میکند بگردن طبیعت و جامعه انداخته این گناه بزرگ برگردن بشر قرن بیستم است، همین بشر متمدن و فضا پیمای در نتیجه انحراف از اصول و ارزشهای انسانی در همه شئون زندگی است که امروز همه حسابها بر مسائل مادی استوار شده و صحنه زندگی انسان بمیدان تنازع بقاء حیوانی مبدل گشته است، اگر بشریت بیک رستاخیز وسیع معنوی و اخلاقی دست بزند بناچار خسارت این انحرافها را بصورت یک جنگ جهانی مخوف خواهد پرداخت، آیا شکست کنگرانسه‌های خلع سلاح ثابت نمی‌کند که باید محل این مشکل را از راهائی مافوق مسائل و حسابهای مادی جستجو کرد؟

### تعدد زوجات در آمریکا

با وجود آنکه داشتن بیش از یک زن در امریکا ممنوع است هزاران نفر مرد امریکائی بیش از یک زن دارند.

از نظر اکثریت عظیم مردم امریکا تعدد زوجات یک عمل ناشایسته و کاملاً غیر عادی تلقی میشود معذک در همین امریکا در منطقه‌ای از «میدل وست» (ایالت اوتا) واقع در بین «کلورادو» و «نوادا» تعدد زوجات رواج کامل دارد تنها در این منطقه سی هزار نفر تحت این رژیم زندگی میکنند. چندین هزار نفر دیگر در ایالات مجاور «اوتا» در «ویومینگ» (کلورادو) و

برای اکثر مردان غربی تعدد زوجات بصورت روابط نامشروع است گاهی هم مانند پاره‌ای از ایالات نامبرده امریکا باینکار صورت مذهبی داده‌اند، همانطور که دانشمندان غرب اعتراف دارند تعدد زوجات روشی مخصوص بشرق نیست در غرب هم رواج دارد منتها بصورت‌هایی که یاد شد.

اسلام برای جلوگیری از صدها فساد این گونه چند همسری نامشروع با واقع بینی هر چه تمامتر تعدد زوجات را قانونی شناخته همانطور که با قراردادن حدود و شرایط خاص و کاملاً عادلانه‌ای برای اینکار از سوء استفاده از آن جلوگیری کرده‌است.

ما معتقدیم دیری نخواهد گذشت که جهان در حقوق خانواده و مسائل ملی مانند تعدد زوجات قوانین اسلامی را خواهد پذیرفت چنانکه قراین آن از هم اکنون آشکار شده‌است.

## تظاهرات زنان ایتالیائی

### در باره طلاق

بسیست هزار مردوزن متأهل ایتالیائی که از زندگی زناشویی خودشان ناراضی هستند و خود را بدبخت و مجبور به یک زندگی اجباری میدانند در «رم» برای پیمائی پرداخته و علیه ازدواج همیشگی دست بظواهرات زده‌اند مسلماً خوانندگان میدانند که در ایتالیا طلاق ممکن نیست و هر زن و شوهری که ازدواج کردند تا زمان مرگ زن یا شوهر بهیچوجه

(ایداهو) تعدد زوجات را جایز میدانند در حقیقت از ۹۰ هزار نفر ساکنین «اوتاه» ۷۲ در صد آنها تابع کلیسای (عیسی مسیح) و پیرو آئین «مورمون» هستند.

فرقه مذهبی «مورمون» که در سال ۱۸۳۰ تأسیس شده تعدد زوجات را یکی از اصول آئین خود قرار داده است در سال ۱۸۹۰ تعدد زوجات طبق قانون فدرال ممنوع گردید در آن هنگام رهبران فرقه «مورمون» با انتشار اعلامیه‌ای تعدد زوجات را برای پیروان خود ممنوع کردند. معذالك عدّه‌ای از «مورمون‌ها» که با اصول آئین خود وفادار مانده بودند مخفیانه دور هم جمع شده و فرقه‌ای بنام «فوندامنتالیست» بوجود آوردند. اخیراً برای نخستین بار یک روزنامه‌نگار امریکائی بنام «مرسون» توانسته است از نزدیک با پیروان این فرقه تماس بگیرد و آنچه را که بچشم خود دیده بصورت رپرتاژ جالبی منتشر کرده است که در این ترجمه قسمتی از آن نقل میشود...

### مکتب اسلام

تعدد زوجات برای جامعه مادر پاره‌ای از شرایط یک ضرورت اجتناب ناپذیر است، مسیحیت کنونی بدون هیچ منطقی با تعدد زوجات مخالفت میکند ولی از آنجا که واقیعت هیچگاه تسلیم روشهای غلط نمیشود چند همسری مردان بصورت‌های مختلف در جوامع غربی رواج دارد.

باین علت که منع طلاق يك روش غیر طبیعی و ضد فطری است. در بسیاری از کشورهای غربی به ندای مسیحیت کنونی در مورد تحریم طلاق گوش نداده طلاق را بوسیله دادگاه قانونی اعلام نموده اند، اسلام باینکه طلاق را منفورترین حلالها بشمار آورده و باین سخن از رواج طلاق در میان پیروانش کاسته در عین حال آنرا یک ضرورت اجتماعی دانسته و قانونی اعلام نموده است و عجیب این است که با وجود آزادی طلاق در جوامع اسلامی تا کنون میزان طلاق در این کشورها بمراتب کمتر از جوامعی بوده که طلاق با دادگاه محدود شده است.

نمی‌توانند طلاق بگیرند این بیست هزار زن و مرد تظاهر کننده میخواستند که اجازه طلاق بآنها اعطاء شود تا از زندگی اجباری و فلاکت بار کنونی خود رهایی یابند.  
(کیهان ۷۲۴۶)

**هکتاب اسلام:** این چندمین بار است که در مرکز حکومت و نفوذ مسیحیت یعنی ایٹالیا هزاران مردوزن علیه ممنوعیت طلاق تظاهر میکنند این تظاهر از ضرورت‌های اجتناب ناپذیر زندگی اجتماعی ریشه میگیرد مسلماً این ناراحتی در تمام نقاطیکه طلاق غیر قانونی است بشدت وجود دارد.

### (بقیه از ص ۳۰)

مشکلات مختلف می‌پرداختند در این اردو از جمله مهمانیهائی که سخنرانی کردند: دکتر احمد صقر، دکتر نجیب، دکتر احمد توتونچی رامیتوان نام برد.

شب هنگام علاوه بر آتش افروزی، خوردن غذا؛ گفتگو و شوخی و اشعار مذهبی، **نماز عشاء** و مسابقه اطلاعات مذهبی از قرآن و حدیث بعمل می‌آمد.

در واقع با کمی ناراحتی، موفقیت بسیاری در متحد ساختن گروههای اسلامی شرکت کننده در طول یک هفته بدست آمد در این اردو مسلمانانی از ملیت‌ها و کشورهای گوناگون الجزایر هند، پاکستان، عراق، ایران، اردن، کویت، لبنان، سوریه، مصر ایالات متحده آمریکا و کانادا و یوگسلاوی شرکت داشتند ولی خدا را شکر که این اتحادیه توانسته بود در سایه اسلام از هر گونه تبعیض و کارهای نابجا جلو گیری بعمل آورد و یک اردوی نمونه اسلامی تشکیل دهد و ما بسیار خوشوقتم که در آینده مسلمانان بیشتر خواهند توانست بر نامه‌هایی برای تربیت کودکان و جوانان خود اجرا کنند.

در پایان یادآوری یک موضوع امیدبخش نیز ضروری است و آن اینکه فدراسیون مسلمانان آمریکا و کانادا **یک قطعه زمین ساختمانی در اوهایو خریداری** کرد تا در سالهای آینده برای تشکیل اردوی کودکان و اردوهای دیگر مورد بهره برداری قرار گیرد. این اردو انشاء الله سر آغاز اردوها و اجتماعات بهتر و بیشتری در سالهای آینده، در سراسر ایالات متحده آمریکا و کانادا برای گروههای مسلمان خواهد بود.



## بیت المقدس و فلسطین را آزاد کنید!

در شماره قبل ضمن تشریح تاریخ «اورسالم» باین-  
جا رسیدیم که اورسالم توسط نیروهای مسلمان ،  
بدون هیچگونه خونریزی فتح شد و مسلمانان بمردم  
شهر امان دادند که در کمال آزادی به زندگی خود  
ادامه دهند.  
و اینک بقیه ماجرای اورسالم..

### بیت المقدس در دست مسلمانان :

.. پس از فتح مسالمت آمیز «اورسالم» یا «ایلیا» بوسیله نیروهای اسلامی ، بحکم قداستی  
که قرآن مجید در باره این سر زمین قائل شده و آنجا را پربرکت نامیده بود و بعلمت آنکه  
نخستین قبله مسلمانان در آنجا قرار داشت ؛ مسلمانان نام آن شهر را « بیت المقدس »  
گذاشتند .

هنگامیکه مسلمانان امور بیت المقدس را در دست گرفتند ، این شهر ویرانه ای بیش  
نبود . ایرانیان در طول تصرف آن از ۶۱۴ تا ۷۲۸ میلادی ، ویرانهائی در سراسر شهر  
بوجود آوردند و حتی معابد و کلیساهای مسیحیان نیز از خرابی بی نصیب نماندند ولی با ورود  
مسلمانان ، آبادی کامل شهر آغاز گشت و بر روی ویرانه های یک معبد قدیمی که صد ها سال بود  
به حالت زباله دانی در آمده بود ، مسجد کوچکی ساخته شد که بعدها تجدید ساختمان گردید .  
مسیحیان هم که از آزادی های همه جانبه در سایه حکومت اسلامی بر خوردار شده بودند ،  
همدوش مسلمانان به تعمیر خرابیهای و کلیسای قیامت ، و کلیسای عزرا ، پرداختند و بدین ترتیب  
میتوان بیت المقدس را یک شهر تجدید بنا شده در دوران اسلامی نامید .

در سال ۷۵ هجری ، خلیفه وقت ساختمان مسجد اقصی را تجدید و تکمیل نمود و تا آنجا بامسیحیان خوش رفتاری کرد که آنان را در ساختمان مسجد شرکت داد .  
 «عبدالله طاهر» نماینده حکومت «مأمون» در شام و مصر ، به تزیین مسجد الصخره اقدام نمود و حتی کتیبه های مربوط بآن دوران ، هنوز در دیوارها و سقف آنجا جلوه گراست ، در آن قرون بیت المقدس ، بعنوان جزئی از قلمرو شام و فلسطین در اختیار «عباسیان» بود تا آنکه «فاطمیان» بر آنجا چیره شدند .

بعد از این مدت ، آل بارسلان سلجوقی ، بر فلسطین مستولی شد و تقریباً پس از چهارترن و نیم ، بار دیگر بیت المقدس بدست ایرانیان افتاد ، ولی طولی نکشید که در اثر سوء سیاست فرمانداران سلجوقی ، ساکنین بیت المقدس همراه دیگر مردم شام و فلسطین به «فاطمیان» مصر پناه آوردند .

فاطمی ها که اختیار دار بیت المقدس شده بودند ، بعزت و انحصار داخلی ، نتوانستند در مقابل تجاوز خارجی مقاومت بخرج دهند و پاپ اوربن سوم ، با مساعدت معنوی «پترس» راهب «جنگ مقدس» را بر ضد مسلمانان برانگیخت و در ماه ژانویه ۱۰۹۹ میلادی ، لشکر کشی از «غرب» مسیحی بسوی بیت المقدس آغاز گردید .

### جنگ های صلیبی :

«آلمر ماله» و «ژول ایزاک» در تاریخ عمومی خود مینویسند : مقصود از اردو کشی های مسیحیان در طی قرن ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ نجات بیت المقدس و تربت عیسی از دست مسلمانان بود . پاپ اوربن دوم ، با حضور جمع کثیری از روحانیون و امانای دین ! نصاری را دعوت نمود که اسلحه بردارند و تربت عیسی را نجات دهند . پاپ در مرکز و جنوب فرانسه بگردش پرداخته مردم را بجهنگ ترغیب میکرد و ضمناً بموم اساقفه نامه نوشت و آنها را دعوت نمود که برای جهنگ «صلیب» بوعظ پردازند و دیگران را نیز بوعظ وادارند و وعده داد که هر کس در اردو کشی شرکت کند ، آمرزیده خواهد شد .

روز حرکت قشون صلیب بحکم پاپ اعلام گردید . گوئی تمام اروپا از جا کنده شد . عده افراد قشون به یک میلیون نفر میرسید ولی مرد جنگی بیش از سیصد هزار نفر نبود . قشون صلیب سه سال بعد از تاریخ حرکت به بیت المقدس رسید ، در این موقع بیش از چهل هزار نفر از افراد قشون باقی مانده و بقیه در راه تلف شده بودند .

تشنگی باقیمانده افراد را تهدید میکرد ، لذا دیوانهوار حمله کردند و وارد شهر شدند و خونریزی سختی بر پا کردند ، «گودفرو آدوبویون» به پاپ نوشت : «اگر میخواهید بدانید با دشمنانی که در بیت المقدس بدست ما افتادند چه معامله شد ، همینقدر بدانید که کسان ما ، در

رواق سلیمان و در معبد، در لجه‌ای از خون مسلمانان می‌تاختند و خون تازه‌ای هر کب میرسید فقط ده هزار مسلمان در معبد؛ قتل عام شد و هر کس در آنجا راه میرفت تا بند پایش را خون می‌گرفت... از کفار (مراد مسلمانان است) هیچکس جان سالم بدر نبرد و حتی زنان و اطفال خردسال را هم معاف ن نمودند؛ پس از کشتار نوبت بغارت رسید و کسان ما چون از خونریزی سیر شدند، بغانه‌ها ریختند و هر چه بدستشان افتاد غارت کردند... (۱)

آری! پس از یکماه محاصره، صلیبی‌ها توانستند بیت المقدس را اشغال کنند (۴۹۲ هجری - ژوئیه ۱۰۹۹ م) و پس از اشغال آن، چنانکه از قول مورخان غربی خواندید بوحشیانه‌ترین اعمال دست زدند.

در این جنگ مقدس!!! که بدستور مستقیم پاپ و پدران روحانی برپا شده بود صدها هزار مسیحی ساده‌دل در طول راه از تشنگی و گرسنگی تلف شدند، و ۷۰ هزار مسلمان مقیم شهر قتل عام گشته و یهودیان نیز از کشتار و آزار و آتش مسیحیان بی بهره نماندند و تنها عامل این بدبختی‌ها در آن تاریخ، این بود که زمامداران کشورهای اسلامی بعزت اختلافات داخلی و انحطاط اخلاقی نتوانستند در مقابل هجوم نیروهای متجاوز، عکس-العمل مهمی از خود نشان دهند (۲)

مدتی تسلط جابرا نه مسیحیان ادامه یافت و در این مدت، نه مسلمانان و نه یهودیان از هیچگونه آزادی برخوردار نبودند تا آنکه در ماه جمادی الثانیه سال ۵۸۳ هـ (۱۱۸۷ م) صلاح الدین ایوبی برای نجات بیت المقدس اردو کشی نمود و آنجا را بمحاصره انداخت و درست پس از یک هفته محاصره: بیت المقدس را تصرف نمود، اما او مانند صلیبی‌ها رفتار نکرد و از هرگونه اعمال خشونت‌آمیز و کشت و کشتاری، خودداری نمود و بمسیحیان اجازه داد که یا به شهرهای خود برگردند و یا آزادانه در آنجا زندگی کنند. او بمسلمانان اجازه نداد که به معابد مسیحیان اهانتی روا بدارند ولی مساجد را که صلیبیان تغییرشان داده بودند، بصورت نخستین درآورد.

### اشغال مجدد بیت المقدس

«فردیک دوم» امپراتور آلمان بدستور پاپ «هنوئوریوس سوم» به نیروهای مسیحیان بسیج داد تا بیت المقدس را از نو از دست مسلمانان خارج سازند، زیرا پس از مرگ صلاح الدین، اختلافات موجود در بلاد اسلامی پیروزی صلیبی‌ها را

(۱): تاریخ عمومی آلبرماله قسمت قرون وسطی ج ۲ صفحه ۲۴۸-۲۵۷ چاپ تهران

(۲): الحروب الصلیبية فی المشرق والمغرب تألیف: محمد العروسی المطوی، چاپ

## پذیر ساخته بود .

در سال ۶۲۵ هـ ( سپتامبر ۱۲۲۸ م ) فردريك دوم بسوی مصر رهسپار شد و کامل، پادشاه مصر، طی قرار دادی که با امپراطور آلمان بست، بیت المقدس را به صلیبی‌ها تحویل داد ، بشرط آنکه مسجد اقصی و قبة الصخره در دست مسلمانان باقی بماند و فرماندار دهات اطراف ، از مسلمانان انتخاب گردد.

این سازش مورد رضایت مسلمانان و صلیبی‌ها قرار نگرفت و در زمان حکومت صالح ایوبی پسر کامل ایوبی، صلیبی‌ها نیروهای جدیدی برای اشغال کامل و همه جانبه بیت المقدس فرستادند ولی نیروهای مسلمانان مردانه جنگیدند و در سال ۶۴۲ هـ ( ۱۲۴۴ م ) بیت المقدس را از سیطره صلیبی‌ها خارج ساختند و به ساکنان آن اجازه دادند که با کمال آزادی ، در کنار مردم مسلمان زندگی کنند .

... از سال ۱۵۱۷ میلادی بیت المقدس تحت اداره حکومت عثمانی درآمد و همچنان در دست آنان قرار داشت تا آنکه در ۱۹۱۷ میلادی ۱۳۳۷ هجری ، امپریالیسم انگلیس بهم کاری نیروهای متفقین و سربازان «انقلاب عربی» آنجا را تصرف کردند.

بدین ترتیب از سال ۱۵ تا ۱۳۳۷ هجری ، جز در مدت تقریباً یک قرن ، مدت دوازده قرن و نیم اداره بیت المقدس با مسلمانان بود و پیروان مذاهب گوناگون از آزادی زیارت و رفت و آمد در آن شهر ، برخوردار بودند.

## ادعاهای بی اساس یهود:

در شماره قبل از تورات (۱) آیه ای آوردیم که بصراحت میگفت «آن مرد» وارد شهر اورشالم نشد برای آنکه در آنجا یک نفر هم از بنی اسرائیل وجود نداشت و بعد ها نیز هنگامیکه مسلمانان این شهر را فتح کردند «صفر و نیوس» کشیش بزرگ شهر که نماینده قاطبه مردم شهر بود، پیشنهاد کرد که بعلت خرابکاری اقلیت یهودیان احدی از آنان در این شهر اقامت نوزد و مسلمانان نیز این شرط را پذیرفتند . قرن‌ها بعد که بیت المقدس بوسیله صلیبیان اشغال شد یهودیان باقیمانده هم مانند مسلمانان قتل عام شدند و دیگر کسی از آنان ساکن آن شهر نبود.

آن گروه از جهانگردان یهودی که در خلال قرن دوازدهم میلادی به بیت المقدس آمده اند ، اثری از خانواده‌های یهودی در آنجا ندیده اند : «تباحثا جهانگرد یهودی مینویسد که هنگام زیارت بیت المقدس در سده ۱۲ م ، بیش از یک نفر یهودی در آنجا ندیده است : هوسی بن نعمان از مردم ژیروند که در سده سیزدهم بدانجا رسید جز دو خانواده یهودی در قدس نیافت و بنیامین طلیطلی هم پیش از آنها وضع را از همین قرار دیده است.

(۱) سفر داوران باب ۱۹ آیه ۱۱

در سال ۱۵۷۲ م در آماره‌ای که بمجلس شرعی قدس تسلیم شد ، برای مجلس وجود ۱۱۵ نفر یهودی در ولایت قدس بشبوت رسیده است که تنها ۵۵ نفر آنها در ناحیه مجاور و حرم همیزسته اند و اسامی آنها در دفتر ۵۵ محکمه مشرع قدس در صفحه ۲۰۷ وارد است. در سال ۱۶۸۸ م بنا بشهادت دفاتر همان محکمه تعداد یهودی قدس از ۱۵۰ نفر تجاوز نکرده است ، (۱) اکنون باید دید که یهودیان چرا با این سابقه تاریخی !! ، ادعای مالکیت فلسطین و بیت المقدس را دارند؟

اگر سابقه و طول مدت اقامت در بیت المقدس دلیل صحت ادعای یهود باشد ، باید اعلام داشت که یهود بیش از تقریباً چهار قرن ، آنهم پیش از میلاد مسیح بیت المقدس را در اختیار نداشته است ، در صورتیکه مسلمانان مدت ۱۲ قرن و نیم تمام بیت المقدس را اداره میکردند بویژه که از نسل کنمانیان ، صاحبان قانونی و منطقی آنجا هم بودند . پس مسئله باین سادگی نیست؟ و باید دید که قضیه از چه قرار است :

### توطئه امپریالیسم غربی

در قرن نوزدهم که مسئله دخالت مستقیم استعمار مسیحی غربی در قسمتهای تجزیه شده حکومت عثمانی ، بعنوان مسئله مشرق زمین ، در محافل جهان بخواران امپریالیست غرب مطرح شد ، نقشه‌های گوناگون برای تثبیت نفوذ قاطع و همیشگی آنان ، پیشنهاد گردید گروهی از سیاستمداران انگلستان ، به پشتیبانی سرمایه داران یهودی ، نقشه تأسیس حکومت آل داود را در قلب بلاد عربی طرح کردند تا علاوه بر ایجاد آشوب دائمی و مرکز جاسوسی در ممالک اسلامی و جلوگیری از وحدت و همبستگی همه جانبه و احتمالی مردم خاور میانه ، راه دریائی هند و کشورهای مشترک المنافع بریتانیا را در دست داشته باشند و خنجرى دردل خلافت اسلامی جای دهند که تا جای زخم آن انقیام نیابد ، هرگز نتوانند سر بلند کنند .

از نیمه دوم قرن نوزدهم ، مهاجرت آرام جهود و خرید اراضی فلسطین بوسیله سرمایه داران یهودی آغاز گردید ، غفلت و تباهی زمامداران کشورهای اسلامی و حرص و آز صاحبان املاک ، باعث گردید که مقداری از اراضی فلسطین به تصرف مالکان یهود درآمد .

از آن تاریخ بپدید ، بویژه پس از جنگ جهانی اول ، نقشه خائنانه امپریالیسم انگلیس بمرحله اجرا درآمد و پس از جنگ جهانی دوم ، تاریخ اعلام حکومت آل داود فرا رسید و در آن هنگام که نیروهای اشغالگر انگلیسی خواستند فلسطین را ترک کنند ، باندازه کافی زمین و نیرو در اختیار یهود قرار داده بودند که بتوانند قسمتهای دیگری از آنرا اشغال کنند و یاد

(۱) از مقاله آقای محیط طباطبائی در تهران منصور شماره ۱۲۴۸

دست خود نگهدارند .

یهودیان مقیم فلسطین ، به پشتیبانی صهیونیسم و امپریالیسم بین المللی و تبہکاران امریکائی ، روسی و انگلیسی ، اسرائیل را بوجود آوردند و یکصد میلیون نفر از مردم مسلمان و اصلی آنسامان را آواره نمودند تا مهاجرین یهودی اروپائی و آمریکائی را در جای آنان بنشانند . . . . . کسانیکه بشهادت عهد عتیق و تاریخهای معتبر ، مدت پنجاه هزار سال ساکنان اصلی فلسطین و بیت المقدس بودند ، بزور سر نیزه و آهن و آتش در بدر شدند ، تانقشه امپریالیسم مسیحی و صهیونیسم جهانی عملی گردد و پایگاهی در قلب بلاد عربی ، برای تجاوزهای بعدی ایجاد شود . . . . . اکنون اسرائیل طبق نوشته مطبوعات فرانسوی با خیال خام و احمقانه ای گویا در فکر تشکیل امپراطوری عبری است و می خواهد وسعت خاک خود را تا فرات و دره نیل و شام و لبنان و مدینه منوره گسترش دهد و ۵ میلیون یهودی را از اروپا و آمریکا وارد کند و در «امپراطوری عبری» جای دهد .

البته مقاومت سرسختانه مردم بیت المقدس و دیگر صاحبان اصلی فلسطین ، سرانجام با فسانه «امپراطوری عبری» پایان خواهد بخشید ، ولی آنچه که در این میان قابل بررسی است اینست که بدانیم مردم متمدن اروپا و بشردوستان غربی ، در قبال این تجاوزها و تبہکاریها این وحشیگریها و آدمکشیها ، چه واکنشی از خود نشان دادند؟

آری باید پرسید که : جناب برتراند راسل فیلسوفی که برای نجات جان چومبه اعلامیه صادر میکند و آقای ژان پل سارتر و دارودسته «عصر جدید» ش که مدعی انسان دوستی و دفاع از حق هستند چه اقداماتی کردند؟

ژان پل سارتر ، و گروههای دست چپ فرانسه که گویا سرلوحه برنامه شان دفاع از آزادی و حقوق ملل ضعیف است !! دست بکارهایی زدند که ما از سکوت برتراند راسل باید متشکر باشیم . . .

روزنامه های فرانسوی خیر دادند که دست چپی های فرانسه «حضرات و وجدان جهانی» از «سارتر» گرفته تا «دانیل مایر» رئیس مجمع دفاع از حقوق بشر و «لانژمن» عضو باند «عصر جدید» سارتر ، با همکاری مطبوعات بورژوا و ارگانهای پول و سرمایه داری و شرکت بانکداران یهودی ؛ نظیر «روچیلد» بزرگترین تظاهرات ضد عربی را برآه انداخته و همه باهم به کمک اسرائیل شتافتند و در عرض ۴۸ ساعت بیش از سه میلیارد فرانک اعانه جمع آوری کردند . . . . . البته حساب سرمایه داران و صاحبان سهام کارتهای نفتی و کارخانه های اسلحه سازی آمریکا و انگلیس و آلمان غربی و دیگر محافل ارتجاعی غرب هم از وضع دست چپی های فرانسه هوادار

و کبک آزاد، روشن است ....

ولی آنچه که بیشتر قابل توجه است اینست که بدانیم پاپ دوستدار ملل مسلمان او هوا- دار اتحاد ادیان در قبال کمونیسیم هنوز در فکر آنست که از پشت بمسلمانان خنجر بزند و بیت المقدس را بوسیله قدرتهای بزرگ جهانی، بین المللی اعلام دارد.

**پاپ و واتیکان** از چند سال پیش که یهود را از توطئه قتل مسیح تبرئه کرد (و در واقع کتاب مقدس را تکذیب نمود (۱) - اکنون به کوششهای وسیعی دست زده تا بلکه بتواند مسیحیان غیر کاتولیک و کاتولیکهای غیر رومی را نیز راضی سازد تا آنان نیز نغازت یهود یا بین المللی- شدن بیت المقدس را بپذیرند و برای همین منظور، دشمنیهای گذشته با کلیسای ارتدوکس و گریگوری، را فراموش میکند و روانه تر کیم میشود تا علاوه بر آنکه بطور پنهانی از مسجد ایا صوفیاء که روزگاری کلیسای بود باز دید کند، با خلیفه بزرگ ارتدوکسها و رهبران کلیساهای شرقی هم ملاقات کند (۲) و آنان را آماده سازد که توطئه امپریالیستی بین المللی شدن بیت المقدس را قبول کنند....

\* \* \*

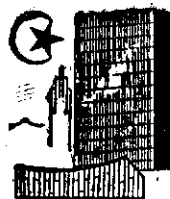
شکی نیست که هم اکنون بیت المقدس در دست متجاوزان تبهکار اسرائیلی قرار دارد و باز شکی نیست که امپریالیسم و صهیونیسم خواستار آن هستند که بیت المقدس هر گز در اختیار مسلمانان قرار نگیرد، و برای همین منظور اسرائیل را در نقض آشکار تصویبنامه سازمان ملل در لزوم تخلیه فوری بیت المقدس تقویت مینمایند ولی باید توجه داشت که در آینده و یا

**باید بیت المقدسی وجود داشته باشد و در اختیار مسلمانان، و یا باید آنسان را بگورستان متجاوزین تبدیل نمود** و این یک حقیقت انکارناپذیر است که آیندهی شاید نه بسیار دور؛ صحت و اصالت آنرا اثبات خواهد نمود

سر نوشت بهم پیوسته اردو گاه ملل مسلمان، ایجاب میکند که ما این حقیقت را هم بطور آشکار اعلام داریم که: مسلمانان ایران، در مسائل مشترک جهان اسلام همیشه طرفدار حقوق ملل اسلامی بوده و خواهند بود و همین علت مردم مسلمان سراسر ایران، همصدا با همه ملتهای مسلمان و آزادی- دوست جهان خواستار خروج فوری نیروهای متجاوز از سر زمینهای اسلامی اشغال شده و هوادار برگشت بی قید و شرط و مجدد فلسطین، به «دارالاسلام» هستند و در این راه از هیچ کوششی دریغ نمیورزند و برای هر گونه فداکاری آماده اند.

(۱) کتاب مقدس مسیحیان بصراحت یهودیان را مسئول خون مسیح معرفی میکند.

(۲) مجله Hilal چاپ ترکیه سال هفتم: شماره ۷۳ ص ۶



نظری با اعلامیه حقوق بشر - ماده بیست و ششم

(۴۸) اسلام و فرهنگ (۱۰)

## پیشرفتهای علمی مسلمین (۲)

\* شیمی و داروسازی.

\* تأسیس بیمارستانهای عمومی و بسیار.

بموازات پیشرفتهای وسیعی که در زمینه پزشکی و سایر علوم، نصیب مسلمین گردید، فن شیمی و داروسازی و گیاهشناسی که مقدمه علم پزشکی بشمار میروند، نیز ترقی شایانی کرد. درست است که یونانیها اطلاعات مختصری درباره فنون یادشده داشته و از راه ترجمه، اطلاعات محدود آنها ب مسلمین انتقال یافت، ولی تلاشهای پی گیر مسلمین، آنچنان رونق بفنون یاد شده بخشید که مورخین غیر اسلامی اعتراف میکنند که مسلمین بنیانگذاران علوم نامبرده و معلمین دانشمندان اروپا و غربند.

جرجی زیدان مینویسد: «... شکی نیست که مسلمین، با تجر بیسات و عملیات خویش علم جدید شیمی را پایه گذاری کردند، آنها بودند که بسیاری از ترکیبات شیمی را کشف کردند و بر اساس آن، اکتشافات شیمی جدید، استوار گردید. دانشمندان فیزیک، اقرادارند، که مسلمین، اسید نیتریک، اسید سولفوریک، اسید نیتر و، هیدروکلوریک، پوتاس، جوهر نشادر، نمک نشادر، نیترات دارژان، کلورید سولفوریک، نیترات پوتاس، الکل، قلیا، زرنیخ، بوریک و غیره را کشف کردند. علاوه بر این، علمای شیمی اسلام، چیزهایی کشف کردند، که اجمالا به ما رسیده ولی از چگونگی آنها هنوز هم اطلاع درستی نداریم...» (۱)

۱. تاریخ تمدن اسلام ج ۱ ص ۲۷۹



دکتر گوستا لوبون، مینویسد: «مسلمانان یک سلسله موادی را کشف کردند که در استعمالات روزانه شیمی و صنعت، محل حاجت میباشند... اگرچه دانشمندان اسلامی، غالباً دارای این علم بوده‌اند ولی جای تأسف است که بسیاری از تألیفات آنان که در این زمینه بوده مفقود شده است، از دیدن ترکیبات شیمیائی در کتب موجوده آنها بدست می‌آید که در این فن، پایه فکر و دامنه معلومات آنها تا چه اندازه وسیع و دامنه دار بوده است، در رنگ‌سازی، استخراج فلزات، ساختن فولاد، چرم‌سازی مهارتی که داشته‌اند، ثابت میکند که آنها در پیشه و هنر (صنعت و حرفه) هم از علم شیمی استفاده میکرده‌اند.

اینکه در کتب شیمی مینویسند: «**لاوازیه**» موجد این علم است درست نیست زیرا همیشه باین نکته باید توجه داشت که هیچ علمی اعم از شیمی یا غیر آن، دفعتاً بوجود نمی‌آید، چنان که لا بر اتوارهای هزار سال پیش مسلمین واكتشافات مهمه آنها در این علم نمیشد، هیچوقت لاوازیه نمیتوانست قدمی بجلو بگذارد...» (۱)

«ویل دورانت» میگوید «شیمی بعنوان یکی از علوم؛ تقریباً از ابتکارات مسلمانان است زیرا آنها مشاهده دقیق و تجزیه علمی و توجه به ثبت نتایج را بر محصول کار یونانیان، که چنانکه میدانیم به بعضی تجربیات و فرضیات مبهم انحصار داشت، بیافزودند، تعداد زیادی از مواد را تجزیه کردند، درباره سنگها تألیفاتی داشتند، مواد قلیائی و اسیدها را امتیاز دادند، درباره صدها داروی طبی تحقیق کردند، و صدها داروی تازه ساختند، از فرضیه تبدیل فلزات عادی بطلا و نظائر آنها (کیمیاگری) بشیمی واقعی دست یافتند با بسیاری از کتابهای دانشمندان اسلامی که مؤلف برخی از آنها شناخته نشده و بزبان لاتینی ترجمه شده، علم شیمی در اروپا پیشرفت کرده است» (۲)

«سرادوارده» در تاریخ شیمی مینویسد: «در زمان خلفای عباسی علم شیمی پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای نمود، و مسلمین قططیر، تبخیر، تصعید را بکار میبردند و برای نخستین بار، سدیم، کربن، کربنات دو پتاس، کلرید و آمونیم، سولفات دو پتاسیم و آلومینوم، سولفات فریک برات دو سدیم، نیترات دو کواپور، مرکوریک سالفید، کروسیوسا بلیمیت را میدانسته و بکار میبرده‌اند» (۳)

در میان دانشمندان اسلامی، شخصیتهای بزرگی وجود داشتند که در فن شیمی مهارت فوق‌العاده‌ای داشته و تألیفات آنان، قرن‌ها مورد استفاده خودی و بیگانه بوده است.

۱ - تمدن اسلام و عرب ص ۶۱۲ - ۲ - تاریخ تمدن ویل دورانت ج ۱ ص ۱۵۵

۳ - عظمت مسلمین در اسپانیا ص ۱۸۱

یکی از آن چهره‌های درخشان ، « جابر بن حیان » ، شاگرد امام صادق علیه السلام است که در ضمن مقالات گذشته شمه‌ای از شخصیت علمی او را نگاشته‌ایم ، گوستا ولوبون ، درباره او مینویسد : « نوشته‌های جابر مانند يك دائره المعارف علمی مشتمل است بر خلاصه ای از مجموع مسائل شیمیای مسلمانها ... او اول کسی است که يك سلسله عملیات شیمیائی از قبیل تقطیر ، تبخیر ، تبلور ، انحلال و تجزیه و ترکیب و غیره را بیان نموده است » (۱)

« میرهوف » درباره او میگوید : « جابر در تمام دنیا پدر کیمیای عرب معروف است هنوز در حدود صد جلد کتاب شیمی از جابر در دست است و نفوذ کتب او در تاریخ کیمیا و شیمی اروپا آشکار می باشد » (۲)

از جابر که بگذریم « رازی » نیز از چهره‌های درخشان فن شیمی بشمار می آید و دکتر « ماکس میرهوف » درباره او مینویسد : کتاب بزرگ و صنعت کیمیای او در این اواخر ، در کتابخانه يك شاهزاده هندی پیدا شد ، رازی در این کتاب ، مواد مختلف را طبقه بندی کرده و خواص شیمیائی هر يك را بدرستی شرح میدهد » (۳)

با اینکه بیشتر کتابها ای که در این فن ، توسط علما و دانشمندان اسلامی تألیف گردید ، مفقود شده ولی کتابهایی هم از قبیل : « ماه المورقی » ، تألیف « ابن عمیل » و یادداشت‌های « طغرایی » و « مفتاح الحکمه » ، تألیف محمد بن امیل تمیمی و کتاب « المكتسب » و « المکتب » و « نهاية الطالب » و « الشذوذ » را نباید از نظر دور داشت زیرا نویسندگان این کتب از علما و دانشمندان بزرگی هستند که در رشته شیمی سرآمد مردم عصر خود بوده اند .

### داروسازی

پیشرفت مسلمین در فن شیمی ، بآنها امکان داد که در قسمت داروسازی نیز ، لیاقت خود را نشان دهند جرجی زیدان مینویسد : « دانشمندان اروپا که در رستخیز علمی اخیر خود در فن داروسازی مطالعه و تحقیق نمودند ، دریافتند که مسلمانها پایه گزار این علم بودند ، و آنها بودند که برای نخستین بار ، طریقه داروسازی را ترتیب داده و داروهای تازه ای پیدا کردند ... آنها نخستین مردمی هستند که بطرز امروز ، داروخانه باز کردند ( و بقول « ژوزف هاک ساپ » ، تنها در بغداد ۶۰۰ دارو فروشی بخرج خلیفه دائر بود ) (۴)

و دلیل این مطلب آنکه هنوز اسامی پاره‌ای از داروها و گیاهان که اروپائیان دارند ، همان اسامی عربی ، هندی ، فارسی است که عربها وضع کرده اند » (۵)

۱ - تمدن اسلام و عرب ص ۶۱۶

(۳۰۲) میراث اسلام ص ۱۱۲ (۴) عظمت مسلمین در اسپانیا ص ۱۸۳

۵- تاریخ تمدن اسلام ج ۳ ص ۲۷۹

دکتر گوستاو لوبون مینویسد: «مسلمین، در استعمال داروها طرق خاصی را که اکتشاف نمودند، بعد از سالیان دراز امروز تمام آنها بنام اکتشافات جدیده میان ما معمول میباشد... آنها مانند امروز، درمانگاههای مجانی داشتند که در روزهای مخصوص، مردم بدانجا مراجعه مینمودند، و برای نقاطیکه بنای مریضخانه در آنجا میسور نبود، اطباء در اوقات مخصوصه بادوا و سائر اسباب لازمه بان نقاط، میفرستادند» (۱)

### \* گیاه‌شناسی:

مسلمانان، در فن گیاه‌شناسی نیز، تحول عجیبی بوجود آوردند، ابتدا، کتابهای دانشمندانمانند «دیسفوریس»، «و جالینوس»، و کتابهای هندی را ترجمه کردند، آنگاه شرحها بر آن کتب، نوشتند و چیزهای تازه‌ای بر آنها افزودند، بعداً شخصیت‌های بزرگی مانند «ابن بیطار»، که یکی از بزرگترین گیاه‌شناسان مسلمان است در این فن تحقیقات تازه‌ای نمود، و پس از مطالعات بسیار و آزمایشهای فراوان، کتاب مهمی در این خصوص تألیف نمود که در نهضت علمی اروپا و در کمال استفاده مردم آن سامان، قرار گرفت.

دانشمند نامبرده در کتاب «جامع تاریخی پزشکی گیاه»، ۱۴۰۰ قسم گیاه را توصیف کرده که ۳۰۰ قسم آنها قبلاً معروف نبوده است.

دیگر از گیاه‌شناسان نامی مسلمان، «رشیدالدین الصوری» است او بقدری در گیاه‌شناسی دقیق بوده که نقاشی با تمام لوازم، همراه خود بر میداشته و در صحراها و چمنهای لبنان و سوریه، بمطالعه و تحقیق میپرداخته است و هر گیاهی را که میدیده، رنگ، برك، ریشه، ساقه و تمام جزئیات آنرا یادداشت می‌نموده و صورت آنرا توسط نقاش، ترسیم میکرده است و این رویه‌ای است که گیاه‌شناسان امروز نیز، بهتر از آنرا انجام نمیدهند.

او محصول مطالعات خود را بشکل کتابی بنام «الادویة المفردة» در آورد که یکی از سودمندترین کتابها در این زمینه است (۲)

«دکتر میرهوف» می‌نویسد: «در اسپانیا پزشکی در وقادس، باغی جهت گیاه‌شناسی بنا کرد و در آن، گیاههای طبی کمیاب که تخم آنها را در مسافرت‌های خود جمع آوری کرده بود بکاشت (۳) ژوزف ماک کاپ مینویسد: ادیسی ۲۹۰ جلد کتاب نوشته که ۵۰ جلد آن، درباره گیاه‌شناسی بوده است (۴)»

۱ - تمدن اسلام و عرب ص ۶۳۵-۶۳۷

۲ تاریخ تمدن اسلام ج ۳ ص ۲۸۰ - گفتار ماه ۲ ص ۲۸۸

۳ میراث اسلام ص ۱۲۳ ۴ عظمت مسلمین در اسپانیا ص ۱۶۹

« ابن‌الادان اشبیلی ، گیاه‌شناس معروف مسلمان ، در کتاب خود «الفلاحه» از اقسام خاکها و کودها و طریقه زراعت ۵۸۵ نوع از نباتات ، و ۵۰ نوع از درختهای میوه‌دار ، بحث نموده و همچنین از عوارض بیماری‌های نباتات ، و طریق معالجه آنها کاوش و ابتکار فراوانی کرده است (۱)

### تأسیس بیمارستانهای عمومی و سیار:

مسلمین ، از همان قرن اول هجری شروع بساختن بیمارستان و تیمارستان نمودند ، گر چه در ابتداء امر ، وضع بیمارستانها خیلی مجهز نبود ولی طولی نکشید که بهترین مراکز برای معالجه بیماران و دیوانگان ، بوجود آمد و دانشجویان پزشکی قسمت زیادی از تحصیلات پزشکی خود را در آنجاها عملاً تکمیل میکردند.

جرجی زیدان مینویسد : « بیمارستانهای اسلامی آنروز ، در کمال نظم و ترتیب اداره میشد و بدون توجه بملیت و مذهب و شغل ، همه بیماران ، با نهایت دقت معالجه میشدند و هر مرضی سالون یا سالونهای مخصوصی داشت ، طب و داروسازی در همان محل تدریس میشد و شاگردان علاوه بر تحصیل علمی ، تمرین عملی نیز داشتند .

مسلمانان ، بیمارستانهای سیار ( مثل امروز ، نیز دائر کرده بودند و با شتر و قاطر ، آنرا باینظر و آنطرف میبردند ، از آنجمله در اردوی سلطان محمود سلجوقی بیمارستانی بود که چهل شتر آنرا میکشید » (۲)

« دکتر میرهوف » نیز در این زمینه مینویسد : « در قرن یازدهم میلادی ، بیمارستانهای سیار نیز وجود داشته است » ( میراث اسلام ص ۱۲۳ )

گوستاولوبون میگوید : « بیمارستانهای مسلمین ، موافق اصول حفظ الصحة و بهداشت بنا شده و از بیمارستانهای امروز اروپا بهتر بوده است این بیمارستانها خیلی وسیع و جریان هوا و آب در آنها ، زیاد بوده است .

وقتی که بمحمد زکریای رازی دستور داده شد که بهترین نقطه بغداد را از حیث آب و هوا برای بنای بیمارستان انتخاب نماید او برای این منظور ، امتحانیکه بعمل آورد ، محققین امراض مسریه امروز هم آنرا تصدیق دارند ، او نقاط مختلفه شهر را در نظر گرفت و در هر نقطه‌ای قطعه گوشتی را آویزان کرد و آن نقطه‌ای که گوشت دیرتر در آن عفونت برداشت اجازه داد که بیمارستان را در همان نقطه بنا کنند .

مسلمین مانند امروز برای دیوانگان بیمارستانهای مخصوصی تأسیس کرده بودند ، داروخانه‌های مجانی داشتند ... (۳) ژوزف ماک کاب مینویسد : در قاهره بیمارستان بسیار بزرگی درست کرده بودند که در آن فواره‌های آب ، باغچه‌های پراز گل ، و چهار حیاط بزرگ ، وجود داشته و هر بیمار بیچاره در آن پذیرفته میشد و پس از بهبودی ۵ سکه طلا دریافت میکرد (۴)

(۱) گفتار ماه ۲ ص ۲۸۹ (۲) تاریخ تمدن اسلام ج ۳ ص ۲۸۴ (۳) تمدن اسلام و

عرب ص ۶۳۵ (۴) عظمت مسلمین در اسپانیا ص ۱۸۳



## چهاردهمین قرن نزول قرآن

بقراری که اطلاع حاصل شده است دولت پاکستان تصمیم دارد در ماه ژانویه ۱۹۶۸ که مطابق میشود با دیماه ۱۳۴۶ هزار و چهار صد و پنجاه سال نزول قرآن کریم را که بر پیغمبر اکرم (ص) نازل گردیده است جشن بگیرد. در این جشن که بسیار مجلل و مفصل خواهد بود دولت پاکستان از کلیه دانشمندان و علمای پاکستان و سراسر دنیای حاضر دعوت خواهد نمود که شرکت کنند.

در ایران نیز از طرف مردم مسلمان کوششهای وسیعی برای بزرگداشت خاطره این روز بزرگ بعمل میآید که ما بموقع اخبار آن را بسمع شما خواهیم رسانید.

## گنجینه قرآنیهای خطی

هدیه هر یک از این قرآنها در حدود ده میلیون تومان است. سومین گنجینه قرآنهای خطی دنیا در موزه کتابهای خطی مشهد تشکیل میشود. برای این منظور عدهای از کارشناسان فن هم اکنون مشغول بررسی قرآنهای خطی موجود هستند.

یک مقام مسئول در کتابخانه مشهد گفت: منظور از تشکیل این گنجینه حفاظت هر چه بهتر قرآنهای خطی موجود است که هدیه

هر کدام در حدود ده میلیون تومان میباشد. تعداد این قرآنها در حدود یکصد جلد است که خط بعضی از آنها منسوب به امیرالمؤمنین عالی (ع) و امام رضا (ع) میباشد.

بعضی از این قرآنها از طرف پادشاهان و رؤسای کشورهای مختلف اهداء شده است. در حال حاضر دو گنجینه قرآنهای خطی، یکی در موزه مصر و دیگری در موزه تهران است و گنجینه مشهد سومین آنها خواهد بود.

مقام مزبور گفت: نامه ای از پیامبر اسلام محمد بن عبدالله (ص) در مشهد موجود است که طی آن خدیو مصر دعوت به قبول دین اسلام شده است، آنها در گنجینه قرآنهای نگهداری خواهد شد.

کیهان مورخ ۶۶ ر ۶۶

## کمیته نزول قرآن در برنثو

بامسرت برای اطلاع همگان اعلام میداریم که کمیته جشنهای نزول قرآن در سوئد تشکیل شده است. در برنثو - جنوب شرقی آسیا - آغاز بکار خواهد کرد.

آنها از کمیتههای مشابه در جهان اسلام برای شکل دادن به طرح برنامه سخنرانیها و مسائل مربوط به جشنها، انتظار همکاری و همفکری دارند.

برای تبادل افکار با آدرس زیر مکاتبه شود :

Dato Paduka Haji Mohd  
Jamil, Chairman Nozool Al-  
Quran Committee ' Brunei  
Radiance از روزنامه:

## کنفرانس جهانی مسلمانان

جلسات کنفرانس جهانی مسلمانان که هر سال در بیت المقدس تشکیل می‌شود، نخستین جلسات در عمان برگزار می‌گردد، این کنفرانس برای بررسی جنبه‌های مختلف مسئله فلسطین و راههای از بین بردن اشغال سرزمینهای عربی و اماکن مقدسه توسط اسرائیل در «عمان» تشکیل شد.

ریاست جلسات بعهده حاج امین الحسینی مفتی اعظم فلسطین بود، او اظهار داشت: هدف از تشکیل این اجتماع و ادار کردن مسلمانان با اجتماع نیروهای خود برای نجات مساجد و نقاط مقدس اورشلیم و سرزمینهای دیگر است.

ریاست هیئت نمایندگان اندونزی گفت: مسئله فلسطین و بیت المقدس و مسجد اقصی یک مسئله اسلامی است که ما نمیتوانیم نسبت بآنها بیطرف باشیم.

در این کنفرانس که ۵ روز طول میکشد نمایندگان کشورهای: ایران، اوگاندا، سومالی، آفریقای جنوبی، ترکیه، اندونزی، پاکستان، اردن، لبنان، سوریه، عراق، کویت، عربستان سعودی، یمن، سودان، تونس، مراکش، لیبی، فلسطین و قطر شرکت دارند و تعداد شرکت کنندگان بالغ بر ۵۰ نفر است.

آخرین تصمیم کنفرانس اسلامی «اعلام جهان» بر ضد اشغالگران اسرائیلی بود کنفرانس از مسلمانان سراسر جهان خواست که برای نجات بیت المقدس و سرزمینهای اسلامی دیگر دست به جهاد مقدسی بزنند.

حاج امین الحسینی، مفتی اعظم بر نامه کار کنفرانس را که متضمن آزاد کردن اماکن مقدس اشغال شده توسط نیروهای اسرائیلی است شخصاً تهیه کرده بود.

در پیام کنفرانس به پادشاهان و سران

کشورهای عربی تاکید شده دشمن به جان و

مال مسلمانان تجاوز کرده و اماکن

مقدس را آلوده ساخته است و پرچم

اسرائیل را بر فراز مساجد افراشته

است از این رو همانطور که قانون خدا حکم

میکند در چنین شرایط و اوضاع و احوالی بر هر

مسلمان واجب است دست به جهاد بزند و خود را

برای آزادی اماکن مقدس قربانی نماید.

از جمله قطننامه‌هایی که کنفرانس عمان

تصویب کرد قطننامه مربوط به سستی عقیده

برخی از مسلمانان و تأثیر آن در جوامع

مسلمانان است.

کنفرانس اسلامی همچنین از مسلمانان

سراسر جهان درخواست کرد دیگرانکی و وحدت

خود را حفظ کنند تا زمانی که کوششها و مساعی

هماهنگ نگردد در نیای اسلام در معرض تهدید

و خطر قرار خواهد داشت.

از گیمهان ۴۶۷۲۱

AMR - BIL - MA 'AROOF

نشریه وامر بالمعروف، ارگان رسمی

شیعیان اثنی عشری آفریقای شرقی در تانزانیا

- ۴ - تأسیس کتابخانه عمومی ویژه که فقط جامع کتب اسلامی باشد .  
 ۵ - مسابقه قرائت قرآن و مسابقه حافظان قرآن .  
 ۶ - مسابقه مقالاتی در این زمینه و چاپ بهترین مقالات ...

ترجمه از مجله **Amr-bil-Ma'arouf** شماره ۸ سال دوم چاپ تانزانیا

**HILAL**

**Dini Ilmi Siyasi**  
**Aylik Mecmua**

مجله ماهانه و علمی دینی « هلال » چاپ آنکارا - ترکیه در این ماه با انتشار شماره ۷۳ خود ، وارد هفتمین دوره انتشار خود گردید .

این ماهنامه که در ۳۲ صفحه بزرگ زیر نظر صالح اوزقان بزبان ترکی ( با حروف لاتین ) منتشر میگردد ، بهترین نشریه مذهبی ترکیه است و مقالات مندرج در آن بیشتر ترجمه آثار دانشمندان بزرگ جهان اسلام است ، مزید موفقیت ناشران آن را از خداوند متعال خواستاریم .

## قرآن بزبان چکسلواکی

پروفسور **R.A.NYKI** که از دانشمندان معروف است و زندگی خود را در بحث و بررسی مسائل اسلامی سپری نموده است ، اخیراً ترجمه و تفسیر قرآن مجید را بزبان چکسلواکی منتشر ساخت  
 \* پس از سالهای متمادی که از آزادی دینی در اسپانیا کوچکترین اثری نبود ،

شماره مخصوص دومین سال انتشار خود را منتشر ساخت این شماره که در ۶۰ صفحه چاپ شده ، طبق معمول بزبان انگلیسی و سواحلی بوده و دارای مطالب مذهبی جالبی است .  
 مدیر آن آقای سید شمیم السبطین نجفی ، از طلاب پاکستانی مقیم حوزه علمیه قم بود که مدتی هم در نجف اشرف تحصیل کرده اند و اکنون این نشریه را نیز علاوه بر اداره امور مذهبی شیعیان آفریقای شرقی ، منتشر میسازند .  
 ما مزید موفقیت ایشان و همکارانشان را از خدای بزرگه مسئلت داریم . آشنایان بزبان انگلیسی میتوانند این نشریه را از آدرس زیر مطالعه کنند :

**Moulana S. S. Najafi**  
**P.O. BOX 435**  
**MOSHI . Tanzania**

## پیشنهاد اتحادیه مسلمانان مباباسا

اتحادیه مسلمانان « مباباسا » - آفریقا - برنامه ای را برای بزرگداشت چهاردهمین قرن نزول قرآن و بعثت پیامبر اسلام ، تهیه نموده و انتشار داده است که خلاصه آن برای آگاهی مردم مسلمان ایران ترجمه و نقل میشود :

۱ - حرکت دسته جمعی ، با نظم و ترتیب ویژه در خیابانها و سرود مذهبی دسته جمعی - خواندن .

۲ - هفته کتاب برای نمایش کتابهای اسلامی بزبانهای گوناگون .

۳ - نمایش ترجمه های قرآن مجید بزبانهای گوناگون برای همه .

اخیراً طی لایحه‌ای که تنظیم شده قرار است آزادیهائی نسبت بصاحبان ادیان غیر مسیحی داده شود .

واژه‌ها اکنون گروهی در مادرید پایتخت اسپانیا ، برای ترجمه و تفسیر قرآن به زبان اسپانیائی و چاپ آن ، مشغول فعالیت هستند تا پس از آزادی مذهبی بلافاصله بچاپ آن اقدام کنند .

ترجمه از « هلال » چاپ ترکیه

## دانشگاه اسلامی مدینه

دانشگاه اسلامی مدینه در ماه گذشته اعلام داشت که ۱۱۴ نفر از فارغ التحصیلان این دانشگاه مذهبی برای تبلیغ اسلام رهسپار ۴۰ کشور گردیدند .

از این گروه ۲ نفر به « پاکستان » ۱۰ نفر به « گینه » ۶ نفر به فلسطین ، ۲ نفر به غانا ، ۶ نفر به الجزائر و ۲ نفر به صومالی و ۲ نفر به جزائر مالزی و ۴ نفر به آفریقای جنوبی و بقیه بکشورهای دیگر اعزام شدند .

ترجمه از هفته نامه: Radiance

## سالروز بعثت پیامبر اسلام

اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان « برمه » طی بیانیه‌ای به اعضاء خود در سراسر برمه اطلاع داد که برای بزرگداشت جشن چهاردهمین قرن نزول کتاب آسمانی مسلمانان ومبعوث شدن پیامبر اکرم بکوشش وسیعی دست بزنند .

اکثریت عظیم مسلمانان برمه ، پدران و مادران و کودکان در این جشن بزرگ فعالان

شرکت خواهند نمود. اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان نشریه ویژه‌ای در این باره منتشر ساخته و از مردم خواسته است که در میتینگها واجتماعات عمومی که باین مناسبت برپا میشود ، شرکت کنند و از کارت پستال ویژه‌ای که چاپ میشود بعنوان تبریک عید برای یکدیگر بفرستند .

ترجمه از Young.Pakistan

## NEWS - LETTER

نشریه‌ها ماهانه انجمنهای اسلامی دانشجویان

آمریکا و کانادا تحت عنوان: News Letter

بصورت بولتن اخبار کوششهای اسلامی دانشجویان مسلمان در اروپا ، آمریکا و کانادا هر ماه منتشر میگردد

در این نشریه علاوه بر اخبار فعالیتهای انجمنهای اسلامی آمریکا ، کانادا ، اروپا ، کتابها و مجلات اسلامی نیز که بزبانهای گوناگون در آمریکا یا جاهای دیگر منتشر میگردد ، معرفی میشود

در شماره ششم که بدست ما رسیده شرحی نیز درباره مجله «مکتب اسلام» نوشته شده که ما بدینوسیله از دوستان خود تشکر میکنیم برای دریافت این نشریه میتوانید با آدرس زیر مکاتبه کنید :

H. A. L - Shahrستاني

V - p the MSA of U.S. and

Canada P O. BOX 727

Sta. F Toronto'ont. Canada



# يك بررسی کوتاه و فشرده از

## وسیعترین آئین جهان

❁ ۱ - شعاع اسلام در چه عصری درخشیدن گرفت؟

❁ ۲ - دور نمائی از زندگی پیامبر بزرگ اسلام

❁ ۳ آنچه يك مسلمان باید بآن ایمان داشته باشد

❁ ۴ - اسلام و مسائل اجتماعی و اصول انسانی

❁ ۵ - طرز حکومت و قوانین مدنی در اسلام

❁ ۶ - مراسم پرشکوه مذهبی مسلمانان

# یک بررسی کوتاه و فشرده

از

## وسیعترین آئین جهان

در این مقاله کوشش شده است که بررسی کوتاه و در عین حال آموزنده‌ای از آئین بزرگ اسلام با تکیه متون و مدارک اصیل اسلامی بعمل آید .

مطالعه این مقاله هم برای مسلمانانی که میخواهند در یک بررسی اجمالی بروح تعلیمات وسیع وارزنده اسلام آشنا شوند و هم برای بیگانگان که فرصت مطالعه کتابهای مشروح اسلامی را ندارند مفید خواهد بود .

### شعاع اسلام در چه عصری درخشیدن گرفت ؟

جهان بر اثر دور افتادگی از تعالیم حیات بخشی که پیامبران الهی آورده بودند در تاریکی عمیق و وحشتناکی فرو رفته بود، سایه‌های شوم جهل و نادانی بر افکار مردم آن زمان سنگینی میکرد، همه جا فساد و گمراهی بود، بر اثر تحریف ادیان آسمانی بدست بشر ، آثار هدایت و سعادت از جامه‌ها رخت بر بسته ، حیرت و سرگردانی و نفاق و پراکندگی ، خرافات و آداب و رسوم مضروب غلط بر همه جا حکومت میکرد. عربستان که نخستین شعاع اسلام از آنجا درخشید غرق در گمراهی و فساد و انحطاط عجیبی بود، از همه جا بوی خون میآمد (۱)

در آنجا قانونی وجود نداشت و تنها قانون زندگی مردم آنجا «عادات و رسوم» بود که از گذشتگان خود بارت برده بودند ، و آن نیز چیزی جز مجموعه‌ای از «خرافات و اوهام و هوسها» نبود (۲)

در قلب این شبه جزیره یعنی «حجاز» رئیس هر قبیله برای خود سلطان حکمرانی محسوب میشد، و بعلت رقابت‌های کودکانه و گاهی احمقانه که در میان قبائل بود همواره آتش جنگ‌های خونین در میان آنها روشن بود (۳) جنگ‌های آنها بیشتر صورت «غار تگری» یا انتقام‌های وحشیانه داشت که گاهی کینه‌های آنرا از نیاکان خود بارت برده بودند. غالب

۱ - ... و پیش از این در گمراهی آشکاری بودند (سوره جمعه - آیه ۲)

۲ - آنها فقط از خیالات و هوسها پیروی میکنند (سوره نجم - آیه ۲۳)

۳ - بخاطر بیاوریدن آن روز که همه با یکدیگر دشمن بودید ... و در کنار پرتگاهی

از آتش قرار داشتید (آل عمران - ۱۰۲)

مردان مسلح بودند «وترس و ناامنی در همه جا حکومت میکرد» (۱)

کثرت انشعاب قبائلی و پراکندگی فوق العاده آنان، وجهل و نادانی شدید مردم کوچک - ترین مجالی به رشد افکار اصلاحی نمیداد.

جنگ و خونریزی قبائل بقدری زیاد و دامنه دار بود که زندگی روزانه مردم حجاز را «بکلی فلج کرده بود» و بهمین دلیل، و بحکم اجبار، قراردادی باهم بستند که در چهار ماه از سال، دست از جنگ بکشند و بکارت تجارت و تهیه احتیاجات سال خود بپردازند این چهار ماه را ماههای حرام، مینامیدند و تدریجاً بصورت «سنتی» درآمد.

باین ترتیب «دوثلث» از سال را بچنگ و تنها «یک ثلث» را به صلح و آرامش تخصیص داده بودند متأسفانه همین «سنت مقدس» نیز بارها شکسته شد و بازار معروف عکاظ که بزرگ - ترین مرکز تجارت سالیانه آنها بود بمیدان جنگ خونینی تبدیل گردید (۲) و گاهی نیز بمیل خود، برای ادامه جنگها، آنرا از موعد مقرر بتأخیر میانداختند (۳)

مسیر افکار روزندگی مردم آن محیط بوسیله «منجمان خرافی» و «کاهنان» یعنی همانها که مدعی بودند با شیاطین و ارواح مرموزی تماس دارند و از حوادث آینده و امور پنهانی و سرنوشت هر کس باخبرند، تعیین میکردید، حتی بزرگان و رؤسای قبائل نیز در مشکلات با آنها پناه میبردند.

«زن» در اجتماع - آنها ارزش و شخصیتی نداشت و شاید باین دلیل بود که نمیتوانست در مهمترین فصل بر نامه زندگی آنان که «جنگ و غارت» بود بطور فعالانه ای شرکت کنند و لذا زنان از غالب حقوق اجتماعی محروم بودند و همچون کالای کم ارزشی دست بدست میکشند مثلاً میگفتند: «کسیکه شمشیر بدست نمیگیرد حق ارث ندارد» بلکه پس از فوت پدر، دخترها هم مانند سایر اموالی که از وی بیادگار مانده بود میان پسران تقسیم میکردید، آنها خواهران خود را شوهر میدادند (در حقیقت میفروختند) و پول مهر به آنها را تملک می کردند.

دختران کوچک و بیگناه خود را به بهانه اینکه ممکن است در جنگهای دائمی قبیله ای بدست دشمنان اسیر شوند و از این راه احساسات ریاکارانه و دروغین ناموس دوستی آنها جریحه دار گردد، بطرز وحشیانه ای زنده زنده بزیر خاک میکردند و این موضوع رفته رفته در میان عده ای

۱ - در آن زمان لباس زیرین آنها «ترس» و لباس روئین «شمشیر» بود (نهج البلاغه خطبه ۸۷).

۲ - شرح این جنگها که در تاریخ به «فجار» معروف شده، در بسیاری از تواریخ اسلام در حوادث دوران جاهلیت مذکور است. به «بلوغ العرب» ج ۱ صفحه ۲۶۶ مراجعه شود.

۳ - تأخیر و تبدیل «ماههای حرام» از شدت کفراست... گاهی ماهی را حلال و گاهی حرام میکنند (توبه - ۲۷).

بصورت سنتی درآمد و چون زن در آن محیط ارزش اجتماعی نداشت این عمل چندان مورد اعتراض قرار نمیگرفت، تولد دختر در يك خانواده مصیبت بزرگی محسوب میشد (۱).

ولی نباید فراموش کرد که فقر و گرسنگی، ترس از هزینه زندگی کودکان یکی دیگر از عوامل کشتار پیرحمانه آنان بود (۲).

شراب و فحشاء و قمار و داستانرایی و سرودن اشعار برای اثبات افتخارات موهوم و گاهی مضحکه و احقانه، مهمترین سرگرمی آنها محسوب میشد، و هر کدام سعی داشت قبیله خود را سربلندترین مردم جهان معرفی کند، و باین منظور گاهی دست یکدیگر را گرفته، کنار گورستان میبردند و هر یک تعداد قبور افراد قبيله خود را بر خ دیگری میکشید (۳)

بت پرستی با انبوهی از خرافات آئین معروف و رایج آنها بود بتها در باریان و مقربان خدا (۴) و فرشتگان دختران او بودند (۵) برای بتها قربانی میکردند و وحل تمام مشکلات خود را از آنها میخواستند و در کارهای مهم با آنها مشورت مینمودند و چون بتها زبانی نداشتند، برای کشف نظر آنها از فال مخصوصی بنام «ازلام» مدد می گرفتند (۶) و گاهی برای پیروزی در جنگ این مجسمه های پیر و حرا با زحمت زیاد بسوی میدان جنگ میکشیدند (۷).

هر قبيله برای خود بت جدا گانه ای داشت و گاهی خدای قبيله دیگر را بر سمیت نمیشناخت و برای او سجده نمی کرد!

بهین جهت خانه «کعبه» که مقدسترین مرکز مذهبی حجاز و یادگار قهرمان توحید

۱ - هنگامیکه یکی از آنها مژده داده میشد که نوزاد دختری نصیب او شده رویش سیاه و آتش خشم در دل او شعله ور میگردد، و بواسطه این خبر بد! از مردم پنهان میشد و (نمی دانست) آیا با تحمل خواری او را نگاهدارد یا اینکه در دل خاک پنهانش سازد! چه حکم بدی داشتند (نحل: ۶۱۶۰)

۲ - فرزندان خود را از بیم تنگدستی و فقر نکشید، ماشا و ایشا ترا روزی میدهیم، چه اینکه کشتن آنها گناه بزرگی است (اسراء - ۲۴).

۳ - افتخار و مباحات بکثرت نفرات چنان شمارا مشغول ساخت که بتماشای قبور مردگان رفتید، (و بوجود آنها مباحات نمودید) ! (تکائر - ۲۹۱).

۴ - میگویند این بتها را برای این پرستش میکنیم که ما را بخدا نزدیک سازد (زمر - ۳)

۵ - و فرشتگان را که «بندگان خدا» هستند دختران قرار دادند! (زخرف - ۱۹)

۶ - «ازلام» تیرهایی بود که روی آنها جمله «انجام بده» یا «انجام نده» نوشته بودند، آنها را در کیسه ای ریخته بهم میزدند و سپس یکی از آنها را بیرون آورده بعنوان «نظریه بتها» بآن عمل مینمودند!

۷ - جنگ احد شاهد گویای این مدعاست، در این جنگ بزرگ «هبل» و «عزی» را

بر شتری پیشاپیش لشکر میکشیدند (تواریخ اسلامی)

ابراهیم (ع) بود بصورت بتخانه مجلی درآمده بود و مراسم عبادت و نیایش بدرگاه خدا را بطرز مضحکی با کف زدن و سوت کشیدنهای ممتد بر گزار میکردند (۱).

عده قابل توجهی از اعراب حجاز، در مدینه و اطراف آن، پیرو آئین مسیح و یهود بودند بطوریکه مسیحیت و یهودیت در آن شبه جزیره دو آئین رسمی و متداول بود ولی پیروی از این دو آئین تحریف شده موجب هیچ نوع اصلاح و تحول در جامعه عربستان نمیشد.

تنها نقطه روشنی که در آن محیط تاریک و وحشتناک چشم میخورد همان روح سلحشوری و آزادی، و «شهامت» و «بزمیمه» و مهمان نوازی سخاوتمندانه، که از خصائص آن جمعیت بیابان گرد بشمار میرفت بود.

بعلاوه آنها وارث یکی از عالیترین و وسیعترین زبانها و ادبیات جهان بودند که از روح شاعرانه و احساسات طبیعی دست نخورده ای ما بهمیگرفت، اما متأسفانه بواسطه فقدان رهبری صحیح، آن روح سلحشوری در قیافه جنگهای همیشگی قبائل، خود نمائی میکرد و این ادبیات عالی تنها در راه «عشقیازی» یا «تفاخرهای موهوم» و «احیاناً» رجزهای میدان جنگ» بکار می رفت.

اروپا که مهمترین قسمت جهان آن روز را تشکیل میداد تازه وارد دوران تاریک قرون وسطی یعنی دوران جاهلیت آن منطقه شده بود. دوران جاهلیت عرب با ظهور اسلام و شکوفان شدن تمدن درخشان و چشمگیر اسلامی که در سایه تعلیمات محمد (ص) بر سراسر شرق سایه گسترد پایان یافت.

ولی دوران جاهلیت اروپا (قرون وسطی) تا صد سال بعد از آن ادامه پیدا کرد و در طول این مدت که در حدود یک هزار سال ادامه داشت جهل و خرافات و جنایات بیرحمانه بر غالب مناطق اروپا سایه شوم و سنگینی افکنده بود.

گمان می کنیم صورتی که مورخان بزرگ غرب از جمله «ویل دورانت» و «آلبر ماله» از وضع مردم اروپا در آن دوران در کتابهای خود ترسیم کرده اند ما را از هر گونه توضیحی بی نیاز میسازد.

اگر اعراب در دوران جاهلیت دختران نوزاد خویش را زنده زنده بزی خاک دفن می نمودند در اروپا در قرون وسطی هزاران نفر بیگناه را (اعم از دانشمندان و غیر دانشمندان) زنده زنده سوزاندند.

اوضاع مذهبی و بدعتی از قبیل اعتقاد بخدایان سه گانه، فروش اوراق مغفرت نامه و میادله هزاران گناه بامبلنی جزئی پول که بر اثر تحریف مسیحیت واقعی پدید آمده بود نشانه دیگری از تاریکی این قرون است.

۱ - و نماز آنها در نزد خانه (کعبه) جز سوت کشیدن و کف زدن نبود (انفال -

روابط اجتماعی که بر پایه حکومت مطلقه مالکان اراضی و بردگی کامل طبقه زحمتکش قرارداد داشت بمراتب ظالمانه تر و ننگین تر از دوران جاهلیت عربستان بود.

در سایر ممالک شرق نیز اوضاع از نظر افکار و روابط و آداب و رسوم اجتماعی در شدت انحطاط قرارداد داشت.

بت پرستی یا نیایش در برابر آتش بشدت رواج داشت و مردم مهمترین مرکز حل مشکلات زندگی خود را بت خانه ها و آتشکده های پر زرق و برق آن زمان میدانستند.

فاصله عجیب طبقات اجتماعی و استثماری طبقه ای بوسیله طبقه دیگر به صورت غم انگیزی در همه جا حکومت میکرد تا آنجا که در زمان انوشیروان که بداد گستری معروف و ضرب المثل است فاصله طبقاتی آنچنان بود که خواندن و نوشتن برای طبقه زحمتکش و کشاورز و کارگر گناه نابخشودنی محسوب میگردد.

این بود خلاصه ای از افکار و عقاید و عادات و رسوم و چگونگی زندگی جامعه هادراستانه ظهور اسلام، در چنین عصر تاریک و سراسر گمراهی بود که آفتاب اسلام درخشیدن گرفت و جهان را روشن ساخت.

### دورنمائی از زندگی پیامبر بزرگ اسلام:

محمد (ص) چهل سال تمام از عمر خود را در میان چنان مردمی بسر برد ولی هرگز رنگ آن محیط را بخود نگرفت.

او در سال ۵۷۱ میلادی در سرزمین « مکه » چشم بجهان گشود. پدرش « عبدالله » در حالی که هنوز نخستین ثمره ازدواج خود را با « آمنه » ندیده بود چشم از جهان بر بست، هنوز پیش از شش بهار از عمر محمد (ص) نگذشته بود که مادرش نیز دنیا را وداع گفت.

این کودک یتیم تحت کفالت جد و عمویش در میان انبوهی از مشکلات پرورش یافت و این وضع اثر خاصی در روح پاک و معصوم او گذاشت و تا پایان عمر پیوند مخصوصی میان او و محرومان اجتماع برقرار ساخت.

پیش از ۲۵ بهار از عمرش نگذشته بود که با بانوی بیوه و محترمی از خانواده های سرشناس مکه بنام « خدیجه » که مجذوب و فریفته امانت و لیاقت او شده بود ازدواج نمود.

باید توجه داشت که آن حضرت (ص) از سن ۲۵ سالگی تا ۵۰ سالگی یعنی تمام دوران جوانی و قسمتی از دوران کهولت خود را تنها با این زن با وفا و فداکار که پانزده سال با او اختلاف سن داشت گذراند ولی پس از وفات او در حالیکه مبارزات شدید او با دشمنان ویرا کاملاً بخود مشغول ساخته بود بخاطر جلب حمایت طوائف مختلف عرب در پیشبرد اهداف عالی خویش با چند زن از چند قبیله ازدواج نمود زیرا معمول اعراب این بود که اما در جزه قبیله خود میدانستند و مانند همه نقرات قبیله تا آخرین نفس از وی دفاع میکردند، جالب توجه اینکه بیشتر این زنان افراد سالمندی

بودند و از اینجا نکته اصلی ازدواجهای متعدد اوروشن میگردد .

بیش از چهل سال از عمر وی نگذشته بود که برای نخستین بار در کوه حرا در نزدیکی مکه در حالی که مشغول نیایش بدرگاه خداوند و تفکر در اسرار آفرینش بود فرشته وحی بر او نازل گردید و نخستین آیات قرآن مجید را بر او خواند .

اوسه سال بطور نهانی بدعت خود پرداخت و چون زمین را کمی آماده ساخت آئین بزرگ خویش را بامطابق نافع و رسای خویش آشکار نمود و برای اصلاح مردم جهان رسماً قیام کرد .

اوهرگز درس نخوانده بود بلکه اصول در آن محیط درسی نبود که وی آنرا از استاد فرا- گبردولی با اینحال بفرمان خداوند بزرگ پایه گذار علوم فراوانی در جهان شد .

فشار رؤسای بزرگ و ستمگر قبائل مکه که با ظهور آئین جدید، دوران حکومت خود را سپری میدیدند پس از سیزده سال مبارزه محمداً مجبور به هجرت به شهر معروف « یثرب » که بیش از ۴۰۰ کیلومتر با مکه فاصله داشت نمود این شهر بعداً « مدینه النبی » یعنی شهر پیامبر نامیده شد . این مهاجرت فصل کاملاً نوینی در تاریخ اسلام گشود و لذا مبدء تاریخ اسلامی را تشکیل میدهد .

از آنجا صدای محمد (ص) در مدت کوتاهی در تمام شبه جزیره عربستان پیچید و در سال یازدهم هجری (۶۳۴ میلادی) که او چشم از جهان بر بست اسلام سراسر عربستان را فرا گرفته بود، پیروانش با همان بر نامه با سرعت عجیبی در تمام نقاط جهان متمدن آنروز به پیشروی خود ادامه دادند و امروز ششصد (۶۰۰) میلیون از مردم جهان در زیر این پرچم بزرگ قرار دارند .

### آنچه یک مسلمان باید بدان ایمان داشته باشد:

نخستین موضوعی که در تعلیمات اسلام بیچشم میخورد مسئله توحید و یگانگی خدا است در حقیقت میتوان گفت اسلام اساس تمام تعلیمات خود را بر این اصل قرار داده تا آنجا که انحراف از این اصل را بهیچوجه قابل بخشش و گذشت نمیداند (۱) و لذا جمله « لا اله الا الله » معبودی جز « الله » خدای یکتا نیست ، نخستین و مهمترین شعار مسلمانان را تشکیل میدهد ، بلکه قرآن صریحاً میگوید: این جمله شعار اصلی تمام ادیان آسمانی بوده است (۲) اسلام هر گونه شرک و مظاهر بت پرستی را که نشانه دوران جهل و نادانی بشر ، و عامل مؤثری برای پراکندگی انسانهاست محکوم میکند .

اسلام این روح « وحدت و یگانگی » را از دعوت بخدا شناسی و پرستش، بتمام شئون زندگی کاشانیده است . تمام جامعه بشریت را از هر نژاد و از هر قبیله و از هر نقطه جغرافیائی - بعنوان یک

۱ - خداوند هرگز کسی را که برای او شرک قائل شود نخواهد بخشید (نساء- ۱۱۶) .

۲ - ای پیروان کتب آسمانی ! بیائید بسوی یک گفتار و هدف مشترک در میان ما و شما و آن اینکه : ( جز خدای یگانهدا نپرستیم ) ( آل عمران - ۵۷ ) .

تأنا واده معرفتی میکند و همه مسلمانان جهان را بعنوان « برادری » یعنی نزدیکترین پیوندی که میان دو انسان ممکن است پیدا شود یاد میکند.

بهترین دلیل، اینکه مسلمانان عموماً یکدیگر را « برادر » خطاب میکنند و شعار و انما المؤمنون اخوة ، یعنی: « افراد با ایمان برادر یکدیگرند » از شعارهای اصلی مسلمانان است که از متن قرآن گرفته شده است.

و باز بالهام از همین روح « توحید » است که قرآن مجید صریحاً ب مسلمانان دستور میدهد که میان پیامبران خدا فرق نگذارند ، « و برای همه احترام قائل باشند » (۱) زیرا همه دارای یک هدف بودند و هر یک در زمان خود رسالتی را که بعهده داشتند بخوبی انجام دادند . ولی اسلام را کاملترین و آخرین ادیان آسمانی و پیامبر اسلام را بزرگترین و آخرین سفیر الهی معرفی میکند (۲) و میگوید اسلام آخرین آئینی است که تمام افراد بشر موظفند از آن پیروی کنند.

اسلام « الله » خدای یگانه را چنین معرفی میکند :

او بتمام اسرار زمین و آسمان، حوادث گذشته و آینده، اعمال و رفتار و اندیشه های بندگان خود واقف (۳) و ذره ای از رموز و اسرار جهان هستی در برابر علم بی پایان او مکتوم و پوشیده نیست (۴) .

او بر همه چیز تواناست (۵) و همه چیز در برابر قدرت بی انتهای او سهل و آسان است (۶) و هر چیز اراده کند فوراً انجام بگیرد (۷) در عین حال همه کار او از روی حکمت و حساب است (۸) او از همه بی نیاز (۹) و در عین حال نسبت به همه بندگان خود مهربانست (۱۰) او دیده

۱- مؤمنان ، بخدا و فرشتگان و کتابهای آسمانی و تمام پیامبران او ایمان آورده اند و گفتار آنها اینست که « میان هیچیک از پیامبران او فرقی نمیگذاریم » ( بقره - ۲۸۵ ) .

۲- محمد (ص) فرستاده خدا و ختم کننده پیامبران بود ( احزاب - ۴۰ )  
۳- چشمهایی که بخیانت گردش میکند میداند و از اسرار درون سینه ها باخبر است ( غافر - ۱۹ ) .

۴- هیچ چیز در زمین و آسمان بر خدا مخفی نمی ماند ( آل عمران - ۵ ) .  
۵- حکومت آسمان و زمین و آنچه در آنهاست از آن خدا میباشد و او بر همه چیز قدرت دارد ( بقره - ۱۲۰ ) .

۶- هیچ چیز در زمین و آسمان او را ناتوان نمی سازد ( فاطر - ۴۴ ) .  
۷- فرمان او تنها اینست که هر گاه چیزی را اراده کند میگوید : موجود باش فوراً موجود میشود ( یس - ۸۲ ) .

۸- خداوند دانا و حکیم است ( نساء - ۱۱ ) .

۹- خدا از تمام جهانیان بی نیاز است ( آل عمران - ۹۷ ) .

۱۰- خداوند نسبت به همه مردم مهربان و رحیم است ( بقره - ۱۴۳ ) .



نمیشود (۱) محل معینی در زمین و آسمان ندارد (۲) بلکه در همه جا حاضر است و از ما بما نزدیکتر میباشد (۳)

او هیچگونه شبهه و مانده و فرزند و همسر ندارد و از این عوارض که مخصوص جهان ماده است بکلی پاک و منزله است (۴) پیامبران خدا. حتی پیامبر اسلام و عیسی و موسی - بندگان برگزیده او هستند (۵) و انسانهایی همچون سایر افراد بشر بودند جز اینکه روح آنها بقدری بزرگ و پاک و شایسته بود که از طرف خداوند « وحی » بآنها فرستاده میشد و از طریق این روابط مرموز با او مربوط بوده اند (۶)

اسلام هدف بعثت پیامبر اکرم و سایر پیامبران را « تعلیم و تربیت » (۷) نجات از ظلمتهای جهل و کفر و فساد و گرایش به نور ایمان و دانش، و درستی و پاکی (۸) و شستن کینه ها و عداوتها از دلها و پیوند محبت انسانها بایکدیگر (۹) و تعمیم اصول عدالت و داد (۱۰) و بالاخره دمیدن روح انسانیت در افراد (۱۱) میداند.

اسلام هرگز، مانده مسیحیت امروز نمیگوید که کسی برای این آمده که قربانی گناهان ما بشود و کیفیت اعمال خلاف ما را به بیند و ما از مجازات نجات یابیم، بلکه هدف بر انگیزخته شدن پیامبران را اصول عالی فوق میداند.

یکی دیگر از اصول مهم عقائد اسلامی عقیده بروز جزا و جهان دیگر است که معمولا

۱ - چشمها او را نمی بیند ولی او چشم هادامی بیند (انعام - ۱۰۳)

۲ - هر کجا باشید او با شماست (حدید ۴)

۳ - ما با انسان از رک کردن او باو نزدیکتریم (ق ۱۶)

۴ - او از کسی متولد نشده و کسی نیز از وی تولد نیافته ( و فرزند و همسری ندارد )

و هیچ شبیهه و مانندی برای او نیست (سوره توحید) (۳)

۵ - سپس کتاب آسمانی را به بندگان برگزیده خود دادیم (فاطر - ۳۲)

۶ - من انسانی مثل شما هستم که وحی بر من فرستاده میشود (کهف - ۱۱۰)

۷ - او خدایی است که از میان مردم درس نخوانده کسی را برانگیخت تا کتاب آسمانی

بر آنان بخواند و آنها را تربیت کند و تعلیم دهد (جمعه ۲)

۸ - این کتابیست که بر تو فرستادیم تا مردم را در پرتو آن از « ظلمتها » بسوی « نور »

رهبری کنی (ابراهیم ۱)

۹ - او در میان دلهای مؤمنان ایجاد الفت و محبت کرد (انفال - ۶۳)

۱۰ - ما پیامبران خود را با دلائل آشکار و کتاب آسمانی و قانون فرستادیم تا مردم اصول

عدالت را برپا دارند (حدید - ۲۵)

۱۱ - ای افراد با ایمان دعوت خدا و پیامبرش را اجابت کنید، آنگاه که شما را بسوی

حیات و زندگی دعوت میکنند (انفال - ۲۴)

همراه با اعتقاد به «الله» (خدای یکتا) ذکر میشود (۱)

طبق این اصل تمام مردم جهان پس از مرگ و پایان این زندگی در جهان دیگری بزندگی و حیات نوینی که مرحله کاملتری از این زندگی است باز میگردند و بحساب دقیق کارهای نیک و بد آنها رسیدگی خواهد شد و طبق شایستگیهایی که در پرتو اعمال نیک خود در این جهان پیدا کرده اند پاداش نیک و یا برائت آلودگیهایی که بر اثر اعمال بد پیدا کرده اند مجازات و کیفر خواهند دید (۲) اسلام در سایه این اصل حس مسئولیت درونی را در همه پیروان خود بیدار ساخته است.

اسلام میگوید هیچکس گناهکار از مادر متولد نمیشود (۳) بلکه همه با فطرت پاک در این جهان قدم میگذارند، خدا راه سعادت را بهمه نشان داده و این مردم هستند که راه خوب و یا بد را اختیار میکنند (۴).

هر کس در گرو اعمال و کردار خویش است و سعادت هر کس بدست خود اوست (۵) هیچ کس بجرم دیگری مجازات نمیشود (۶) و هیچکس جز خدا گناه کسی را نمیتواند ببخشد (۷) این بود خلاصه ای از عقایدیک مسلمان، مسلمانان فشرده این عقائد را در مراسمی که بنام «نماز» همه روزه بجای آورند یاد آور میشوند و یکی از نکات جالب این عقائد خالی بودن آنها از هر نوع ابهام و پیچیدگی و مطالب نامفهوم است.

### اسلام و مسائل اجتماعی و اصول انسانی:

در این قسمت اسلام اصول مهمی را پی ریزی کرده است:

#### ۱- احیاء ارزشهای انسانی.

اسلام از محیطی طلوع کرد که شخصیت افراد در آن محیط تنها بر محور ثروت، داشتن

۱- تنها در «سوره بقره» در هفت مورد ایمان بخدا و روز جزا هم دوش یکدیگر ذکر شده است.

۲- تقریباً در تمام صفحات قرآن بحث یا اشاره ای باین اصل مهم دیده میشود.

۳- مسیحیت کنونی معتقد است که همه گناهکار از مادر متولد میشوند و بارگناه نخستین انسان بدوش هر یک هست و بوسیله غسل «تعمید» ارزش گناه را تحصیل مینماید (قاموس مقدس صفحه ۲۵۷ و مذاهب بزرگ ۹۹).

۴- ما راه را بانسان نشان داده ایم، خواه شکر گذاری کند و بپذیرد یا کفران نماید (دهر - ۳)

۵- هر کس در گرو عمل خویش است (طور - ۲۱)

۶- و هیچکس مسئول گناه دیگری نیست (انعام - ۱۶۴)

۷- کیست جز «خدا» که گناه بندگان خویش را ببخشد؟ (آل عمران ۱۲۹)

شتران زیاد ، نخلستانهای فراوان ، زروزیور و همچنین داشتن قبیله‌های بزرگ و غارتگر، و یا شخصیت‌پدران و نیاکان قبیله ، دورمیزد ، تا آنجا که به پیامبر اسلام که در آغاز کودکی یتیم و تهیدست بود ایراد گرفتند و نبوت او را قابل قبول ندانستند زیرا بمقیده آنان فاقد شخصیت لازم بود! (۱)

ولی اسلام محور شخصیت را بکلی دگرگون ساخت و ارزش وجودی انسان را در افکار و اندیشه‌های بلند، دارا بودن روح پاک و ملکات فاضله انسانی، و در بهیز از گناه و آلودگیها معرفی نمود. (۲) و باین ترتیب خط بطلان بر افتخارات موهوم نژادی و امثال آن کشید (۳).

بهمین دلیل پس از ظهور اسلام نرو و تمدن دانستمگر و رؤسای بیرحم و سنگدل قبائل که نمونه‌های بارز شخصیت آنروز محسوب می‌شدند، از صحنه اجتماع بکلی کنار زده شدند و جمعی از طبقات پائین حتی عده زیادی از کنیززادگان و یا بردگان سابق که لیاقت داشتند جای آنها را گرفته و در پرتو لیاقت ذاتی خویش بعالیترین مناصب اجتماعی راه یافتند (سلمان فارسی دوست نزدیک و مشاور پیامبر که در زمان خلفاء بمقام استانداری مدائن نیز رسید نخست برده فقیری بیش نبود و امثال او در تاریخ اسلام فراوانند).

این واقع بینی تعلیمات اسلام موجب شکوفان شدن استعدادهای درونی افراد، و پرورش شخصیت‌های بزرگ علمی و سیاسی و اخلاقی در جوامع اسلامی گردید، و پایه اصلی یک نهضت بزرگ انسانی را تشکیل داد (۴).

## ۲- آزادی و مساوات

اصل دیگر اجتماعی و انسانی که اسلام برای جهان انسانیت با رمغان آورد مسئله آزادی و مساوات بود.

پیغمبر اسلام میفرمود من برای این آمده‌ام که غل و زنجیرها را از شما بردارم (۵) و شما را عزیز و سر بلند سازم.

او میفرمود: ستم بر کارگران، و پایمال کردن حقوق زنان، و سلب آزادی از مردم سه

۱- و گفتند: (اگر قرآن از طرف خداست) چرا بر یکی از مردان بزرگ (و ثروتمند) مکه و طائف نازل نگردید (زخرف - ۳۰)

۲- گرامی‌ترین شما در پیشگاه خدا پرهیزکارترین شماست (حجرات: ۱۳).  
 ۳- ای مردم همه شما را از یک پدر و مادر آفریدیم و اینکه شما را بتیره‌ها و قبیله‌ها تقسیم کردیم تنها برای اینست که شناخته شوید هیچ نژاد و قبیله‌ای را بر دیگری افتخاری نیست (حجرات: ۱۳).

۴- برای اطلاع بیشتر از عظمت خیره کننده تمدن اسلامی بکتابهای فراوانی که بدست مورخان مسیحی و اسلامی در این زمینه نگاشته شده مراجعه شود.

۵- اوبارهای سنگین و غل و زنجیرها را از پیروان خویش بر میدارد (اعراف: ۱۵۷).

گناه بزرگ است که هرگز بخشوده نخواهد شد (۱)

اوبه پیران خود این حقیقت را تأکید کرد که توجه داشته باشند: «خدا همه آنها را آزاد آفریده است» باید بکوشند تا بنده برده دیگری نشوند (۲)

انسان فروشی را یکی از بدترین کارها معرفی کرد (۳) و یک برنامه وسیع و دقیق برای آزادی تدریجی غلامان و بردگان طرح نمود، زیرا او میدانست اگر حکم آزادی فوری آنها صادر گردد بسیاری از بردگان بی پناه در معرض تلف قرار خواهند گرفت، علاوه بر این بردگی در اسلام مفهوم سابق خود را از دست داده بود، برده یک انسان بود و دارای تمام حقوق انسانی، و همانطور که گفته شد کار بجائی رسید که بردگان در عالیترین پستهای اجتماعی نفوذ کردند.

روی همین اصول اسلام «پناهگاه عظیمی بود برای توده های وسیع و زحمتکش اجتماع که در آن موقع به دردناکترین وضعی زندگی میکردند، و بهمین دلیل نخستین دسته ای که به پیامبر (ص) ایمان آوردند همین عده بودند، تا آنجا که این موضوع مورد اعتراض شدید ثروتمندان و رؤسای متنفذ قبایل قرار گرفت ولی خداوند به پیغمبر خود تأکید کرد که با اعتراض آنان کوچکترین وقعی نگذارد» (۴).

اسلام هرگز اجازه نمیداد منافع اکثریت اجتماع فدای مطامع عده معدودی که همه چیز را در اختیار دارند شود (۵).

اسلام اهمیت شایان توجهی به آزادی فکری بشر میدهد و لذا در بسیاری از آیات قرآن

۱ - سه کس هستند که هرگز بخشوده نخواهند شد: کسیکه حق کارگری را به ستم از او بگیرد، و کسیکه مهر همسر خود را نپرداند و کسیکه شخص آزادی را بصورت برده بفروشد (پیغمبر اکرم - ص).

۲ - بنده دیگری مباش، خدا تو را آزاد قرار داده است (نهج البلاغه - از وصایای علی ع (بفرزندش))

۳ - بدترین مردم کسی است که برده فروشی کند (پیغمبر اکرم - ص)

۴ - همواره با کسانی باش که خدا را صبح و شام میخوانند و خشنودی او را میطلبند، هرگز از این جمعیت (اگر چه فاقد مال و ثروت باشند، بخاطر زرق و برق دنیا روی نگردان و از آن «ثروتمندانی» که دلایشان از یاد ما غافل است و دنبال هوی و هوس خویش هستند پیروی نکن (کف ۲۷))

۵ - ... با نارضائی توده مردم خشنودی اقلیتی از خواص بیهوده است ولی با رضایت آنها نارضائی اقلیت قابل بخشش میباشد... زیرا شئون دین و رکن عمده اجتماع و نیروی ذخیره در برابر دشمنان همین توده مردمند، بخواسته های آنها توجه کن و قلب تو با آنها باشد. (نهج البلاغه، از فرمان علی (ع) بمالک اشتر)

مردم را به « تفکر » دعوت میکند.

**مساوات اسلامی** بمعنی مساوات در یک جامعه کمونیستی نیست چه اینکه این معنی با اصل « آزادی بشر » که اسلام طرفدار آن است مغایرت دارد، بلکه مساوات اسلامی بمعنی برابری عموم افراد اجتماع و همه طبقات و تمام نژادها و رنگها در حقوق انسانی و در برابر تمام قوانین اجتماعی و مدنی و جزایی است» (۱)

### ۳- شرکت در اداره امور اجتماع

اسلام ب همه پیر و ان خود حق میدهد که بطور مساوی در اداره امور اجتماع خود شرکت جویند ، و دستور مهم اسلامی « امر بمعروف و نهی ازمنکر » یا « دعوت بحق و مبارزه با فساد » نموداری از این حقیقت است (۲)

پیامبر اسلام با اینکه برگزیده خدا بوده هنگام انجام کارهای مهم اجتماعی با مردم مشورت میکرد و همرا یکسان در مشورت شرکت میداد (۳) قابل توجه اینکه دستورات اجتماعی اسلام در قرآن معمولاً با جمله « ای مردم » و « ای افراد با ایمان » آغاز میشود و این خود شاهد زنده ای بر شرکت دادن عموم افراد در وظائف اجتماعی است و لذا پیامبر اسلام صریحاً - گوید بار وظائف اجتماعی بدوش همه افراد است (۴) و نیز میفرمود : « کسیکه بفکر بهبود جامعه اسلامی نباشد مسلمان نیست » (۵)

### ۴- حل مشکل نژاد :

اسلام با این تعلیمات عالی و در عین حال ساده خود مشکل بزرگ نژاد را که در جهان امروز هنوز لاینحل مانده است حل نمود ، و باید توجه داشت این برنامه را در میان مردمی اجرا کرد که در نژاد پرستی نمونه بودند.

### ۵- مبارزه با فاصله طبقاتی

اسلام با اینکه اصل « مالکیت فردی » را برای حفظ عدالت و « آزادی » و « تشویق به توسعه فعالیت های اقتصادی » ، محترم شمرده ، از طغیان و تراکم سرمایه که موجب فاصله

۱ - هیچ افتخاری عرب بر عجم ندارد، و نه عجم بر عرب ، نه سفید پوست بر سیاه پوست، و نه سیاه پوست بر سفید پوست مگر در سایه تقوی ( پیغمبر اکرم ص )

۲ - کسیکه امر بمعروف و نهی ازمنکر را با دست و زبان و دل ترک گوید مرده زنده نماند . ( نهج البلاغه - از کلمات قصار )

۳- در کارها با آنها مشورت کن ( آل عمران : ۱۵۹ )

۴ - همه شما شبان و نگاهبان مردم هستید و در مقابل این وظیفه مسئولید ( پیغمبر اکرم ص )

۵ - کسیکه صبح کند و بفکر امور مسلمانان نباشد مسلمان نیست ( پیغمبر اکرم ص )

**طبقاتی** میشود بشدت جلوگیری نموده است .

نخست اینکه « **ربا خواری** » را بهر شکل و بهر صورت تحریم کرده، تا آنجا که آنرا **اعلان جنگ** با خدا معرفی نموده است (۱) و از طرف دیگر بوسیله قانون وسیع « ارث » اموال متراکم را در میان افراد بیشتری پخش کرده ، و از طریق قانون « خمس » که یک نوع مالیات بر درآمد ، اسلامی است و قانون « زکوة » که غالباً جنبه « مالیات بر ثروت » دارد برای بهبود حال طبقات پائین اجتماع و مبارزه با تراکم سرمایه (۲) اقدام نموده است. تا آنجا که میگوید وجود یک فقیر در سراسر کشورهای اسلامی دلیل بر عدم وظیفه شناسی ثروتمندان میباشد. اسلام « احتکار » را بشدت تحریم کرده ، و از طریق تشویق به « وقف » و طرق دیگر به ازدیاد « اموال عمومی » - اموالی که متعلق بشخص خاصی نیست - کمک نموده است .

اسلام پیروان خود را تشویق فر او ان به کارهای تولیدی ، مانند : زراعت ، دامداری ، و انواع صنایع ، و همچنین تجارت کرده است و پیشوایان بزرگ اسلام در بسیاری از این امور پیشقدم بوده اند .

### ۶ - احیاء شخصیت زن

اسلام بزنان و مخصوصاً « مادران » شخصیت فوق العاده داده تا آنجا که تواضع در برابر مادر را کلید بهشت میدانند (۳) و برای زنان حقوق مساوی با مردان - جز در مواردی که اختلاف ساختمان طبیعی زن و مرد ایجاب تفاوتهایی میکند - قرارداد و سلب حقوق زنان را گناه غیر قابل بخشش معرفی نموده است .

### طرز حکومت و قوانین مدنی در اسلام

اسلام برخلاف بسیاری از مذاهب موجود ، دیدگاه خود را منحصر بیک سلسله اصول کلی اخلاقی و معنوی و مراسم مذهبی نمیکند ، بلکه بتمام شئون زندگی و روابط انسانها در تمام جنبه های مادی و معنوی نظر افکنده و اصولی برای سعادت بشر در تمام این جهات وضع کرده است .

بهمین دلیل **قوانین مدنی و سیمعی** در اسلام وجود دارد که میتواند جوابگوی تمام نیازمندیهای اجتماعی و حقوقی بشر باشد ، اما باید توجه داشت که زیر بنای تمام این قوانین را **اصل « حق و عدالت و پیشرفت انسان در سایه ایمان بخدا و حفظ اصول اخلاقی »**

۱ اگر دست از « ربا خواری » بر نمیدارید اعلان جنگ با خدا و پیامبرش دهید (بقره ۲۷۷)

۲ - کسانی که طلا و نقره می اندوزند و در راه خدا انفاق نمیکند آنها را بعد از دزدانگی بشارت ده ( توبه : ۳۴ )

۳ - بهشت زیر پای مادران است ( پیغمبر اکرم . ص )

## تشکیل میدهد (۱)

اسلام پایه گذار يك سیستم حکومت جهانی بر اساس اصول عدالت و حفظ منافع تمام پندگان خداست و بهمین دلیل مرزهای : جغرافیائی ، نژادی ، طبقاتی ، در اسلام ابدأ مفهومی ندارد بلکه همرا عضو يك خانواده و عضو يك پیکر میدانند (۲)

اسلام در عین دعوت عمومی جهان انسانیت بسوی این آئین پاك اصل همزیستی را با تمام ادیانیکه ریشه آسمانی داشته اند (گرچه بعداً تحریف شده اند) محترم می شمارد (۳) و هیچگونه تحمیل عقیده و اکراه و اجبار در مسائل مذهبی را تجویز نمی کند (۴) و بجای آن دستور به تفکر و تدبیر و پیروی از منطق و عقل میدهد (۵) ولی در برابر آئین « بت پرستی » هیچگونه انعکاسی نشان نمیدهد و آنرا بهر شکل و بهر صورت محکوم میکند.

در عین حال برای حفظ استقلال کشورهای اسلامی ، بهر مسلمان - بدون استثناء دستور میدهد که بهنگام خطر و تهدید از طرف دشمنان با تمام قوا از مرزهای خود دفاع کند و شهادت در این راه را یکی از بزرگترین افتخارات می شمارد ، و تا کید می کند همه گونه آمادگیهای لازم و سلاحهای مختلف را قبلاً فراهم سازند تا غافلگیر نشوند ، ولی با این حال تصریح میکند که هدف از تهیه سلاح و تجهیزات و آمادگیهای جنگی خونریزی و کشتار بشر نیست بلکه منظور ، ترسانیدن ، و عقب راندن ، دشمن میباشد (۶) و لذا بمجرد تمایل دشمنان بصلح واقعی دستور صلح میدهد (۷)

علاوه بر این اسلام دستور میدهد که هر گاه جنگی در میان مسلمانان و دشمنان آنها در گیر

- ۱ - تألیف هزاران کتاب بزرگ در باره « فقه اسلامی » که موضوع بحث همه آنها حقوق مدنی « جزائی » و طرز حکومت اسلامی و مانند آنست گواه زنده این مدعاست
- ۲ - افراد با ایمان همه بمنزله اعضاء يك پیکر میباشد ( پیغمبر اکرم - ص )
- ۳ - در فقه اسلامی فصلی در باره « اهل ذمه » ( هم پیمان ) هست که در آن دستورهای صریح اسلام درباره « همزیستی مسالمت آمیز » با همه پیروان ادیان آسمانی ( مگر در آنجا که اذدر خصومت یا خیانت با مسلمانان در آید ) تصریح گردیده است .
- ۴ - هیچگونه اکراه و اجباری در مذهب نیست ( بقره ۲۵۶ )
- ۵ - من تنها شمارا بیک موضوع اندر زمیدم و آن اینکه همه دسته جمعی یا مفرداً برای خدا قیام کنید و اندیشه و فکر خویش را بکار اندازید ( سبأ - ۴۶ )
- ۶ - هر گونه نیروئی از قدرت دارید برای مقابله با دشمن فراهم سازید... تا از این راه دشمنان خدا و اجتماع خود را بترسانید ( و بر سر جای خود بنشینید ) ( انفال - ۶۰ )
- ۷ - هر گاه آنها تمایل به صلح نشان دهند تو نیز از در صلح در آی ( انفال : ۶۱ )

شود باید در میدان جنگ اصول انسانی و جوانمردی، را رعایت کند (۱) مخصوصاً در باره خوشرفتاری با اسیران جنگی نیز تأکید فراوان نموده است (۲)

### مراسم پرشکوه مذهبی مسلمانان

هدف اصلی از مراسم مذهبی اسلامی مانند نمازهای پنجگانه روزانه و روزه ماه مبارک رمضان و حج بیت الله، بیداری و پرورش روح و رشد ملکات فاضله انسانی، و جلوگیری از گناه و انحراف از حق و بالاخره توجه بخداست و گاهی بجای همه این عبارات جمله « نزدیک بخدا، بکار برده میشود (۳) این اصول در تمام عبادات اسلامی رعایت شده است.

در مراسم پرشکوه عبادات اسلامی موضوع نظافت، سادگی و دوری از زرق و برقهای مادی، و حذف امتیازات طبقاتی کاملاً مورد توجه میباشد، مثلاً در مراسم نمازهای روزانه همه مسلمانان حتی سلاطین و رؤسای جمهور و مردم عادی در یک صف و بدون کوچکترین امتیاز رو بدرگاه خداوند یگانه میآوردند و با عبارات کوتاه و پرمعنی و آهنگ دار مخصوصی اورانپایش میکنند، و برای حفظ اصالت این مراسم و هم تحکیم وحدت ملل اسلامی دستور داده شده که همه با لنت واحدی - یعنی زبان عربی که زبان اصلی قرآن و از جامعترین زبانهای دنیا است - این مراسم را برگزار کنند.

از اینها گذشته در مراسم مذهبی اسلامی توجه خاصی با اجتماع شده است. بهترین نمازها آنست که بصورت دسته جمعی (نماز جماعت) برگزار شود، در مراسم نماز جمعه که در روزهای جمعه تشکیل میگردد تمام مسلمانانی که در یک شهر زندگی میکنند (تا شعاع ۶ کیلومتر) موظف هستند همه در یک نقطه اجتماع کرده، این مراسم را با هم برگزار نمایند و در اجتماع بزرگ و بی نظیر سالیانه، در مراسم باشکوه حج همه ساله منجاً از یک میلیون نفر در روزهای معینی در زادگاه اصلی اسلام، سرزمین « مکه » اجتماع کرده و آن مراسم پرشکوه و تکان دهنده را انجام میدهند، در این اجتماع بزرگ روح مساوات و برابری اسلامی، همچنین سادگی و حذف امتیازات پیش از همه جا نمایان است.

۱- هنگامیکه از شما مسلمانان آماده میدان جهاد میشد پیغمبر با آنها میفرمود: مواظب باشید خیانت نکنید، بدن دشمن را پس از کشتن مثلثه ننمائید، پیمان شکنی نکنید پیران و کودکان و زنان را بقتل نرسانید، متعرض رهبانان مشوید، درختان را جز در مورد ضرورت قطع ننمائید... ذرا عتها را آتش نزنید، چهار پایان را جز در مورد اجبار و برای قوت لازم نکشید، هر گز آب آشامیدنی دشمن را مسموم نسازید.

۲- اطعام اسیران و نیکی کردن با آنها از حقوق واجب اسیران است اگر چه اسیری باشد که محکوم باعدام شده باشد و بخواهند او را فردا اعدام نمایند (علی علیه السلام)

۳- نماز انسان را از کارهای زشت و ناپسند بازمیدارد، (عنکبوت: ۴۵) نماز را بر پا دار تا بیادمن باشی (طه - ۱۴) نماز موجب قرب معنوی افراد پرهیز کار بخداست. (پیغمبر اکرم ص)



## طرح پرورش استعداد های فوق العاده

اما بطوریکه در شماره گذشته از نظر خوانندگان محترم گذشت رکورد کوتاه کردن دوره تحصیلی در یکی از دبستان های اسلامی تهران بطور بی سابقه ای شکست و کودک ۸ ساله ای توانست امتحانات ششم ابتدائی را با موفقیت بگذراند و سوژه ای برای مطبوعات داخلی و خارجی شود.

پدر این کودک موفقیت فرزند خود را گذشته از استعداد مخصوص مرهون متد تعلیماتی دبستان مزبور و مراقبتهای مادرش که جز « خانه داری و تربیت فرزند » بکار دیگری نمی پردازد و همکاریهای خود او با اولیاء دبستان می داند. اولیاء دبستان معتقدند که این کودک یک فرد استثنائی نیست و طبق آزمایش های فراوانی که روی کودکان بعمل آورده اند عقیده دارند این برنامه را میتوان در مورد ۴۰ درصد تمام دانش آموزان سراسر کشور اجرا نمود و از این طریق تحولی در سازمان های آموزشی بوجود آورد و رقم بزرگی از هزینه های آموزشی و وقت فرزندان این آب و خاک را صرفه جوئی نمود.

اکنون نظر شما را به طرحی که در این زمینه تهیه نموده اند و برای نخستین بار در « مجله مکتب اسلام » منتشر میگردد، جلب مینمائیم:

بمنظور بهره برداری کامل از استعداد محصلین و جلوگیری از اتلاف بی مورد نیروهای انسانی آنان و برای صرفه جوئی معقول در هزینه آموزش و پرورش کشور و توسعه کمی و کیفی مؤسسات تعلیم و تربیت و بالاخره برای افزایش درآمد عمومی، طرح حاضر را که بدون هیچگونه هزینه اضافی، دوران تحصیلی بیست درصد محصلین را به نصف مدت معمول تقلیل میدهد، قبل از پیشنهاد بوزارت آموزش و پرورش، بمنظور استفاده از اظهار نظر اساتید دانشمندان و متخصصین از جمند بمجله گرامی مکتب اسلام تقدیم مینمایم.

عباس غله زاری

### بخش اول : طرح با توضیح اجمالی

ماده ۱- مقررات مربوط بحد اقل سن برای ثبت نام در دبستان، در مورد کودکانی که استعداد فوق العاده و قابلیت تحصیل آنها در دبستان مورد تأیید باشد مطرح نیست و رعایت آن لزومی ندارد.

توضیح : در مورد کودکان خردسال علاوه بر استعداد تحصیل، قابلیت تحمل مقررات متعارف آموزشگاه نیز مطرح میباشد، کودک مستعد تحصیل، چنانچه بعلمت احتیاج برسد گی مادر نتواند خود را در محوطه مدرسه اداره کند میتواند از امکانات مدارس ملی که از نظر وسایل و مریبان غالباً تجهیزات بیشتری دارند برخوردار شود ( همانطور که در کودکانهای فعلی

این قسمت عملی است،

**ماده ۲ -** ادارات آموزش و پرورش موظفند بر حسب احتیاج بعضی از مدارس خود را برای پذیرش کودکان مستعدتر (پس از یک رشته آزمایشهای ویژه) اختصاص دهند و ترتیب اجرای برنامه دو کلاس در یک سال تحصیلی را در آنها معمول دارند.

**توضیح :** در اجرای این ماده احتیاجی بنه تأسیس کلاس یا آموزشگاه جدید نیست زیرا آمار کل محصلین ثابت میباشد و پادسته بندی آنها در کلاسهای موجود، این ماده قابل اجرا خواهد بود.

**ماده ۳ -** بمدارس اجازه داده میشود برای محصلین مستعدتر کلاسهای اختصاصی تشکیل دهند و برنامه دو کلاس را در یکسال تدریس نمایند.

**تبصره :** تعداد محصلین این کلاسها در مدارس دولتی اگر از ۳۰ نفر کمتر باشد باید با آموزشگاه مخصوص محصلین ممتاز یا کلاس مخصوص این محصلین در آموزشگاه دیگر منتقل شوند.

**ماده ۴ -** در هر یک از امتحانات سه گانه و امتحانات شهر یورماه، علاوه بر محصلین هر کلاس، داوطلبان کلاسهای پائین تر آموزشگاه در صورتیکه صلاحیت علمی آنها مورد تأیید آموزشگاه باشد میتوانند در امتحانات کلاسهای مورد نظر شرکت و پس از موفقیت بکلاس بالاتر ارتقاء یابند.

**تبصره :** این محصلین در صورت نبودن جاد در کلاس جدید با آموزشگاه دیگر منتقل شوند.

**توضیح :** اجرای این ماده راه پیشرفت سریعتر محصلینی را که بعلت نبوغ ذاتی میتوانند بیش از ۲ کلاس را در یکسال بگذرانند هموار مینماید.

**ماده ۵ -** امتحانات متفرقه بچهار نوبت در سال افزایش داده میشود:

**توضیح :** چون هزینه این امتحانات بوسیله داوطلبان تأمین میگردد و امتحان در محل مدارس و روزهای تعطیل بعمل می آید اجرای این ماده بدون هیچگونه اشکالی، اولاً زمینه پیشرفت سریعتر داوطلبان مستعدتر را فراهم میسازد ثانیاً بدانش آموزان مرود امکان میدهد در مدت کوتاهی عقب افتادگی خود را جبران کنند.

**ماده ۶** برای دروس نظری دانشگاه نیز مقررات امتحانات متفرقه منظور میگردد.

**توضیح** اینکه: در دروسهایی که فقط جنبه علمی دارد غالباً امکاناتی برای افراد مستعد در خارج از دانشگاه وجود دارد که دروس مربوط را فراگیرند و فرضاً اگر درباره ای از موارد این موضوع عملی نباشد مانع از این نخواهد بود که در موارد دیگر این ماده اجرا شود.

**بخش دوم : ارزیابی نتایج اجرای این طرح:**

۱ - صرفه جوئی در هزینه آموزش و پرورش

چون  $\frac{1}{5}$  محصلین فقط  $\frac{1}{4}$  مدت معمول، از کلاس و معلم استفاده میکنند بنا بر این  $\frac{1}{4} \times \frac{1}{5}$  یعنی

$\frac{1}{20}$  هزینه وزارت آموزش و پرورش در قسمت مدارس جهت حقوق معلم و اجاره محل و استهلاک زمین

و نیمکت و لوازم دیگر و مصرف آب و برق و سوخت زمستانی و غیره تقلیل مییابد ۴- صرفه جوئی در وقت. برای یک دوره تحصیلی تالیسانس که در حال حاضر ۱۶ سال است با نصف شدن دوره تحصیلی

بیست درصد محصلین ، هر کدام آنها ۸ سال زودتر برای خدمت بجامعه آماده میشوند بنا بر این از سه میلیون و نیم محصل ( ۱ ) که بیست درصد آنها ۷۰۰ هزار نفر میشود طبق این حساب  $۷۰۰۰۰۰ \times ۸$  یعنی ۵ میلیون و ۶۰۰ هزار سال جلو میافتند ۱  
 ۳ - کاهش هزینه و افزایش درآمد محصل :

بیست درصد محصلین مدت ۸ سال زودتر از سایرین از مصرف کننده ها خارج و در ردیف تولید کنندگان قرار میگیرند و تفاوت آن با احتساب حداقل مخارج سالانه تحصیلی هر نفر بمبلغ يك - هزار تومان (  $۸ \times ۱۰۰۰$  جمعاً ۸۰۰۰ تومان در ۸ سال ) و حداقل درآمد سالانه پس از تحصیل ، شش هزار تومان (  $۶۰۰۰ \times ۸$  جمعاً ۴۸۰۰۰ تومان در ۸ سال ) جمع کل ۵۶۰۰۰ تومان میشود این رقم مربوط به یک نفر است و برای ۷۰۰ هزار نفر یعنی بیست درصد کل محصلین کشور  $۵۶۰۰۰ \times ۷۰۰۰۰۰$  یعنی ۳۹ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان

### و باین ارقام اضافه میشود ؛ نتایج حاصله از :

۱- کوتاه شدن دوره تحصیلی کودکانیکه طبق ماده يك این طرح زودتر بدیستان راه مییابند .  
 ۲ - کوتاه شدن دوره تحصیلات محصلینی که طبق ماده ۳ این طرح سالانه بیش از ۲ کلاس را میگذرانند .

۳- اضافه درآمد کسانی که مدارج بالاتر از لیسانس را طی میکنند

### بخش سوم : توضیحات دیگر

۱ - در حال حاضر چون سرعت آموزش دانش آموزان ممتاز ، در سنگلاخ برنامه های نامتناسب دوره ابتدایی گرفته میشود و در این دوره استعداد آنها بعلت عادت با برنامه سبکتر و کمتر ، تنبل بازمیآید ، این عده قادر بگذراندن دوره های بعد در نصف مدت معمول نمیشوند شرط موفقیت دانش آموزان ممتاز در دوره های بعد اینست که در دوره ابتدایی از این طرح بر - خوردار شوند

۲ - چنانکه کراراً گفته شد مقصود از افزایش برنامه محصلین با استعداد این نیست که این عده نسبت بسایرین بفعالیت بیشتری وادار شوند بلکه چون در برنامه کنونی فعالیت محصلین مستعدتر کمتر از سایرین است با افزایش برنامه ، این کسر فعالیت جبران میشود وهمه یکنواخت بفعالیت مساوی میپردازند و بعبارت دیگر فعالیت مساوی که در این طرح پیش بینی شده جایگزین برنامه مساوی کنونی میشود .

۳ - تغییر برنامه فعلی و تدوین برنامه فشرده تر برای محصلین ممتاز از جمله اقداماتی است که طبعاً در مراحل بعدی انجام خواهد شد ولی اجرای این طرح بخاطر تغییر برنامه متوقف نمیشود و با تدریس برنامه فعلی در مدت کوتاه تر این مقصود در حال حاضر نیز ممکن میگردد

**یادآوری لازم :** برای اطمینان از نتیجه این طرح میتوان آنرا بطور آزمایشی در چند آموزشگاه تهران و شهرستانها اجرا نمود و سپس به تمام آموزشگاه های کشور تعمیم داد

(بقیه از صفحه ۲۱) «ام حبیبه» میگفتند، علی رغم پدر بت پرست خود، در محیط مکه و آن کانون خطر، اسلام آورد و در سال پنجم بهشت همراه شوهرش «عبدالله جحش» و سایر مرد وزن مسلمان آن روز، به حبشه مهاجرت کرد شوهر تازه مسلمان او که جوانی زیبا و خوش اندام بود مورد نظر زنان مسیحی حبشه واقع گردید و تحت تأثیر افسون آنها از اسلام برگشت و نصرانی شد و پس از چندی در همان جا درگذشت.

وقتی جریان آن باطلاع پیغمبر رسید برای جبران صدمه روحی که «رمله» در دیار غربت و کشور بیگانه دیده بود طی نامه‌ای به نجاشی پادشاه حبشه که علاقمند به حضرت شده بود، وکالت داد که «ام حبیبه» را بکابین چهارصد دینار برای او عقد نماید، نجاشی نیز آن بانوی محترم را عقد بست و در بازگشت بمدینه بهمسری رسول خدا درآمد.

پیغمبر در ازدواج با «ام حبیبه» دختر ابوسفیان چند منظور سیاسی و هدف بزرگ داشت: نخست اینکه میخواست بدینوسیله از انحراف و ارتداد سایر تازه مسلمانانها که در حبشه بسر میبردند جلوگیری بعمل آورد، دوم اینکه سرزنش ابوسفیان پدر او و سایر بت پرستان مکه را خنثی کند، سوم اینکه سابقه اسلام و ایمان آن زن فداکار را که در زندگی دچار شکست شده بود، محکم نگاه دارد.

چهارم اینکه بوسیله پیوند خویشاوندی با ابوسفیان مرد مقتدر و با نفوذ مکه، تاحدی از مخالفت‌های اونسبت باسلام و مسلمانان بکاهد، و خاندان او را متمایل بخویش سازد.

**ام السلمه** نام این بانو «هند» دختر ابوامیه مخزومی، و دختر عموی ابوجهل دشمن معروف و خطرناک پیغمبر بود چون از شوهر اول خود فرزندى بنام «سلمه» داشت، او را «ام السلمه» و شوهرش را «ابوسلمه» می گفتند. ابوسلمه نیز پسر عمه پیغمبر و نوه دختری عبدالمطلب بود.

ابوسلمه و همسرش ام السلمه نیز از مسلمانانی بودند که به حبشه رفتند و سپس به مکه مراجعت کردند.

هنگامیکه پیغمبر (ص) از مکه به مدینه مهاجرت کرد ابوسلمه و زنش هم‌مهای سفر شدند. ولی موقع حرکت آنها، افراد قبیله با نفوذ بنی مخزوم که بستگان «ام السلمه» بودند از رفتن وی جلوگیری کردند.

کسان ابوسلمه از قبیله بنی عبدالاسد نیز «سلمه» طفل خرد سال او را ربودند و نزد خود نگاه داشتند، در نتیجه ابوسلمه به تنهایی بدنیال پیغمبر روانه مدینه شد، و اونخستین مسلمانانی بود که بعد از رسول خدا به مدینه مهاجرت نمود.

یکسال این زن و شوهر و طفل خرد سالشان از هم دور بودند ولی چون دو قبیله زن و شوهر دیدند «ام السلمه» روزها در بیرون مکه می نشیند و ساعتها از فراق فرزندش گریه میکند آزادش گذاردند، و بچه اش را بوی تسلیم کردند و او توانست بمدینه برود و بشوهرش ملحق گردد.

ابوسلمه در جنگ «احد» مجروح شد و کمی بعد چشم از جهان فرو بست. ام السلمه از شوهر

خود چند فرزند داشت پیغمبر آن بانوی با اخلاص را بعقد خود در آورد ، تا پس از مرگ ابو سلمه آن افسر دلاور با افتخار که در راه اسلام جان سپرده بود ، بی سرپرست نماند .

**زینب دختر جحش** زینب دختر جحش نیز عمه زاده پیغمبر بود . داستان ازدواج او با پیغمبر اگر م در قرآن مجید آمده است . و میان اروپائیان مورد گفتگوی زیاد واقع شده ، و اغلب چون از حقیقت امر بی خبر و ضمناً از شایعه غرض ورزی هم بدور نبوده اند ، آنرا بصورت افسانه در آورده اند در صورتی که ازدواج پیغمبر با زینب به تنهایی نماینده طرز فکر آنحضرت درباره زن و مساوات کامل اسلام و علل سایر ازدواجهای آنحضرت است .

خلاصه مطلب بدین قرار است که زید بن حارثه ، غلام خدیجه بود ، حضرت زید را سخت دوست می داشت و او را آزاد کرد و فرزند خود خواند . بهمین جهت وقتی بزرگ شد ، « زینب دختر جحش » عمه زاده خود را برای وی خواستگاری کرد .

زید و زینب با هم ازدواج کردند ولی زندگی آنها سرنگرفت . زید چند بار از ناسازگاری زینب به پیغمبر شکایت نمود و خواست او را طلاق دهد . پیغمبر او را به ضرب شوکیبائی میگرد ، ولی چون زید دید زندگی با زینب که خود را از خاندان شریف ، و زید را برده آزاد شده ای میدانست ، امکان پذیر نیست ، او را طلاق داد .

چون این ازدواج بخاطر مصالحی باصلاح دید پیغمبر واقع شده بود ولی بشکست و فراق آن دو انجامید ، طبق آیه ۳۷ سوره احزاب پیغمبر مأمور شد که زینب را بعقد خود در آورد . در آن آیه خداوند چنین می فرماید : « بعد از آنکه زید زن خود را طلاق داد ، او را بنویس و بیع نمودیم ، تا مؤمنین بدانند ازدواج با زنان پسر خواندگان ، اگر آنها را طلاق داده باشند نامعی ندارد » بعد از این ازدواج ، منافقان که از هر فرصتی برای تضعیف و مبارزه با پیغمبر استفاده می کردند ، به آنحضرت ایراد گرفتند که با زن پسر خوانده خویش ازدواج نموده است ! در پاسخ آنها آیات زیر نازل شد : « محمد پدر هیچیک از مردان شما نیست ، بلکه پیغمبر خدا و خاتم انبیاست ، و خدا بهر چیزی آگاه است » (۱)

و خداوند پسر خواندگان شما را ، فرزندان شما قرار نداده است ، این سخنی است که شما بر زبان می آورید ، خداوند حقیقت میگوید ، و شما را راهنمایی می کند : پسر خواندگان را بنام پدران حقیقی آنها بخوانید که نزد خدا درست تر است ، و اگر پدران آنها را نمی شناسید ، بدانید که آنها برادران دینی و دوستان شما هستند » (۲) .

بدینگونه موضوع ازدواج پیغمبر پایان یافت ، و جلو تبلیغات سوء منافقان گرفته شد ، اکنون به نکات زیر توجه کنید :

۱ - پیغمبر (ص) می خواست با ازدواج زید و زینب ، اختلاف طبقاتی و تفاخر اشرافی را که میان قبائل عرب رواج کامل داشت و بدان تعصب خاصی می ورزیدند ، از میان بردارد ، تا مسلمانان بدانند که در دین اسلام غلام آزاد شده ای میتواند با دختر عمه پیغمبر ازدواج کند ،

(۲) آیه ۴ سوره احزاب

(۱) آیه ۴۰ سوره احزاب

- ۲ - چون این ازدواج به ناکامی و جدائی کشید ، و به شخصیت زینب لطمه وارد آمد ، پیغمبر برای جبران شکست وی با مر خداوند او را به همسری خود برگزید .
- ۳ - از آنجا که عرب جاهلی پسر خواندگان را در تمام احکام و آثار قانونی ، وارث پدر خواندگان می دانستند ، و از جمله ازدواج با زنانی را که طلاق داده بودند ، مانند زنان پسران حقیقی حرام می شمردند ، اسلام با تشریح قانون جدید ، آن سنت غلط و حکم خرافی را بکلی منسوخ کرد .
- ۴ - بعد از این ماجرا پیغمبر «ام ایمن» را که زنی محترم بود برای زید خواستگاری نمود ، و او پسری بنام «اسامه» آورد که از مردان نامی اسلام گردید ، و زید در ازدواج بعدی به آسودگی زندگی نمود . زینب هم چنان از ازدواج بعدی خود با پیغمبر خشنود بود ، که بسایر زنان پیغمبر فخر می فروخت و می گفت : مرا خداوند برای پیغمبر عقد بسته است !!
- ۵ - چه مساوات و گذشته ای از این بالاتر میتوان یافت که پیغمبر تن به ازدواج زنی دهد که بیوه غلام آزاد کرده خود بوده است ؟ آنهم در آن عصر و میان آن مردم و از کسی که برایش امکان داشت زینب دختر عمه خود را وقتی دختر بود به همسری خود برگزیند ؟
- زینب دختر خزیمه** این بانو نیز قبلاً دوشوهر کرده بود شوهر دوم او «عبیده بن حارث» پسر عموی پیغمبر (ص) بود ، زینب در مکه اسلام آورد و با شوهرش به مدینه مهاجرت نمود ، عبیده در جنگ ( بدر ) نخستین جنگ اسلام با کفار قریش ، بعد از ابراز لیاقت به شهادت رسید و او نخستین شهید اسلام بود پیغمبر از مرگ او سخت اندوهگین شد ، زینب بانویی نظر بلند و مهربان و در مساعادت به بی نویان مشهور بود ، و بوی «ام المساکین» می گفتند . وی چند ماه بعد از ازدواج با پیغمبر (ص) وفات یافت .
- میمونه** این بانو نیز در مکه اسلام آورد ، وزن « ابوسیره عامری » بود . چون شوهرش وفات یافت ، و آن زن مسلمان خود را در محیط مکه و میان دشمنان پیغمبر بی سرپرست می دید ، و از آسیب گسان بت پرست خود ایمن نبود ، پیغمبر به عمویش عباس نوشت که در همان جا « میمونه » را برای وی خواستگاری نماید سپس به مدینه آمد و به همسری حضرت افتخار یافت .
- جویریة** این بانو نیز بیوه و دختر رئیس قبیله « بنی مطلق » بود . در جنگی که میان سپاه اسلام و مشرکان قبیله مزبور در گرفت ، اسیر شد . پیغمبر او را خرید و آزاد کرد ، و چون بزرگ زاده بود ، به همسری خود در آورد ، تا هم شرافت و موقعیت او محفوظ بماند ، و هم بدانوسیله بستگان و قوم او را به اسلام رانج گرداند ، اتفاقاً بعد از اطلاع بنی مطلق ، همگی بحضور پیغمبر رسیدند و مسلمان شدند !

صفیه این بانودختر حیی بن اخطب یهودی ، وقبلادوشوهر کرده بود، پدرش در جنگ بنی نظیر ، وشوهر دومش در جنگ خیبر بدست سپاه اسلام کشته شدند ، واونیز اسیر گردید . پیغمبر اورا که دختر پیشوای قبیله « بنی نظیر » بود از اسارت آزاد ساخت و سپس به پیشنهاد خود آن بانو ، باوی ازدواج نمود ، تا بدینگونه صفیه احساس حقارت و ذلت نکند .

ماریه این بانورا « مقوقس » پادشاه مسیحی مصر ، مطابق رسوم آن عصر باهدایای دیگر در پاسخ نامه پیغمبر که اورا دعوت به اسلام کرده بود ، برای آنحضرت به مدینه فرستاد نامش مریم یاماری بود و عرب « ماریه » می گفتند پیغمبر آن بانوی محترم را به همسری گرفت ، وازوی پسری بنام ابراهیم آورد ، که در کودکی وفات یافت

### خواننده عزیز !

این بود مختصری درباره علل تعدد زوجات پیغمبر عالیقدر اسلام ، که دنیای متمددن با دیده اعجاب و تحسین به افکار نورانی و حزم و تدبیر و تعالیم جهانی و خرد پسند اومی نگردد . آیا کسی که با آن عظمت و نفوذ در میان امت خود میزیست ، برایش امکان نداشت که بجای این عده از زنان مسن و بی پناه و شکست خورده در زندگی ، دختران جوان و کم سن پیروان دلباخته خود را به همسری برگزیند ؟

## ناتوانی در اوج قدرت

میگویند : روزی مکسی ناتوان به صورت منصور دو انیقی خلیفه ستمگر عباسی قرار گرفت و آنقدر بر لب و چشم و بینی او نشست و برخاست که عرصه را بروی تنگ کرد .  
منصور از شدت عصبانیت بخدمتگزاران خود گفت به بینید در اطاق مجاور کیست ! جواب دادند . مقاتل بن سلیمان دستور داد بحضور بیاید به مجرد ورود مقاتل بطالار مخصوص ، منصور باو گفت هل تعلم لما ذا خلق الله الذباب ؟ قال نعم - لیسل الجبابرة فسکت المنصور آیا میدانی خداوند برای چه مکس را آفریده است ؟ در پاسخ وی گفت بلی ، برای اینکه متکبران و ستمکاران را ذلیل و خوار نماید .

حیوة الحیوان ج ۱ ص ۲۵۵